

ام والسلفه

شفیقہ حبیبی



نویسنده و گردآورنده: دکتور محمود حبیبی

ام البلاغه

جلد اول

مشخصات کتاب:

نام کتاب: ام البلاغه شفيقه حبيبي (زندگی نامه ژورنالیستی شفيقه حبيبي)

نویسنده و گردآورنده: دکتور محمود حبيبي

ویراستار: عھمت طارق فھيم

سال نشر: ۱۳۹۹ ه. ش - ۲۰۲۰ میلادی

ام السبلدغه
شفيقه حبيبي
گوینده ممتاز

روزنایست مبارز راه آزادی زماستر افغان
برنده جایزه بین المللی «۲۱ زن بهر دقمرخ ۲۱»

گردآورنده و مهتم :

د. محمود حبيبي ۱۳۸۳ هـ. ش

بسم خدا

مقدمه

وقتی که اولین بار او را دیدم، بعد از آن بود که من دیگر به صدای طلایی او گوش داده بودم. برای لحظه، تصویر و صدا در یک نمای کامل مدغم شدند. و در این ملاقات علاوه بر زیبایی او که از دور قابل توجه بود، احساس کردم این زن خارق العاده است و آینده مقدر دارد.

خوشبختانه سرنوشت ما را به هم یکجا کرد و از آن زمان من این افتخار و خوشبختی را دارم که در کنار این زن مبارز، تابو شکن و از خودگذر در وظیفه، باشم. خوش بینی، خستگی ناپذیری و ایدیالهایش تمام زندگی شغلی و خانوادگی ما را همراهی کرده است.

بنابراین، اکنون سالها بعد، تصمیم گرفتم که موفقیت ها، ایثار و از خود گذری برای مردم وطن این ام البلاغه را به حروف و کلمات و جملات بیاورم تا ثبت صفحات زرین تاریخ افغانستان شود.

من هدف خود جاویدان ساختن مطلبی را که در مورد دستاورد های وی در دنیای نطاقی، فن سخنرانی، هدیه پروردگارش به وی - حنجره طلایی و صدا و سبک بی بدیل او چنانچه خانم نیلی در (نشریه شهر) سرطان 1375 نوشته است: "زمانیکه آواز شفیقه حبیبی را می شنوی، چنانست که گویی دریایی از نور در رگهای وجودت جاری میگردد، صدایش آنچنان پر جذبه، نوازشگر و لطیف است که وقتی به آن گوش فرا میدهی، تنهایی در وجودت میشکند. در صدایش وسعت رویش و پایش نهفته است.... انسان می خواهد او شفیقه حبیبی فقط بگوید و ما سرا پا گوش باشیم." و آنچه خبر نگاران و گزارش گران داخلی و خارجی در مورد او درج صفحات نشریه های مجلات و روزنامه ها نموده اند - و تلاشهای سخت وی در سالهای اخیر برای کمک به صدها دختر، برای دستیابی به رویاهای شان و مبارزه برای منع خشونت و تامین حقوق زنان این مرز بوم، قرار دادم. و از طریق قلم برای نوشتن کتابی در مورد شخصیت تکرار نشدنی خانم حبیبی، رو آورم.

برای من یک افتخار واقعی است که امکانات برای نوشتن کتاب را دارم تا نسل های آینده این فرصت را داشته باشند که از زندگی، مبارزات و قهرمانی های یک زن نستوه افغانی، که پیدایش اش در این عصر یک الگو برای دیگران و ایجادگر تحول است، برخوردار شوند.

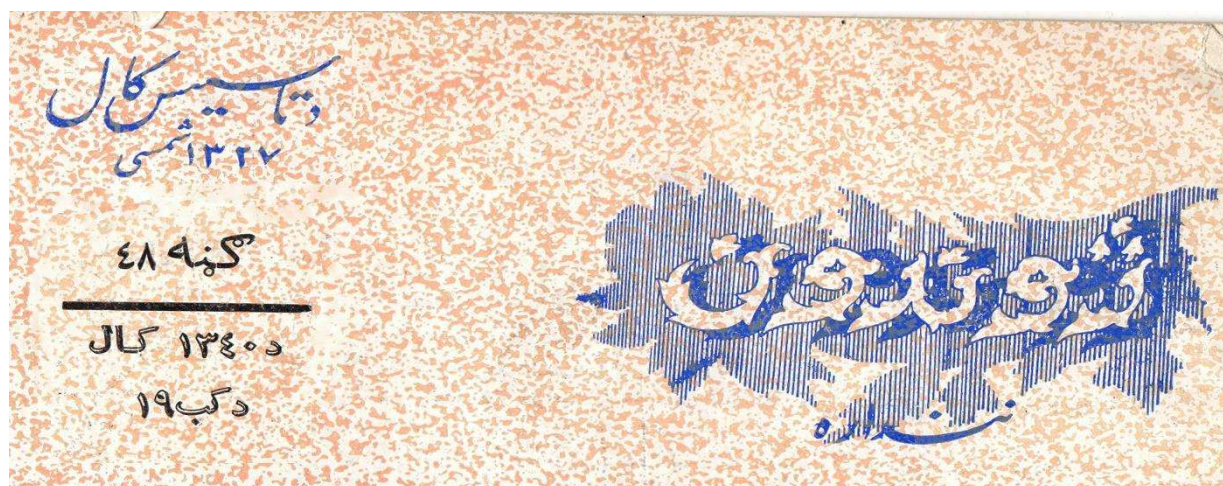
شروع کتاب 1340 هجری شمسی و در پنج فصل تهیه شده، فصل اول زمان شاهی، فصل دوم زمان جمهوریت محمد داوود، فصل سوم زمان دوران احزاب خلق و پرچم، فصل چهارم دوره مجاهدین و فصل پنجم دوران طالبان.

فصل اول

رَبِّكَ وَنَبِيَّهُ رَأَاهُ الْبَلَاغَةُ بِمَا مَدَّ

عَلَامَةُ الدِّينِ سَلْبُوتِي

١٣٤٢



شفیقه حبیبی در خانواده فرهنگی و روشنفکر رشد نموده، پدرش دکتور محمد عمر احمدزی بنیان گذار طب وقایوی و تحصیل یافته کشور آلمان و برادرانش هر کدام تحصیلات عالی خود را به سویه دوکتورا و ماستری از خارج تکمیل نموده اند، شفیقه حبیبی با بهره برداری علمی و معنوی از خانواده پدر و شوهرش دکتور محمود حبیبی، با برگزاری سیمینارها، مجامع ادبی، علمی، حقوق بشر و مطالعات کتب ادبی و علمی با آواز بی بدیل و حنجره طلایی، یک گوینده بنام و پر آوازه و مشهور شد.

چنانچه در یکی از شب های سال ۱۳۴۲ هجری شمسی وقتی خانم حبیبی شعر نعت استاد خلیلی رادر شب مولود شریف بطور زنده بعد از اخبار ۸ شب قرائت نمود، تماس تلفنی به دفتر رییس رادیو برقرار شد که می گفت من صلاح الدین سلجوقی استم لطفاً این گوینده را ام البلاغه بنامید و دستش را از سوی من ببوسید.

شفیقه حبیبی به نوبت هر یک شب بعد خبر های ساعت ۸ شب رادیو افغانستان را می خواند، البته خبر ها دو نفره بود و تعداد مرد ها بیشتر از دو بودند. در سال ۱۳۴۳ هجری شمسی که جوایز مطبوعاتی توزیع می شد، همه نهاد های مربوطه بهترین های خود را معرفی نموده بودند و دو نفر نطق زبان پشتو و دو نفر نطق زبان دری خانم سراج و آقای روهینا از طرف رادیو افغانستان معرفی شده بودند، کمیته هیأت داوران ۲۵ نفر اهل علم و ادب و موسیقی و هنر بودند که شامل علامه استاد صلاح الدین سلجوقی، علامه پوهاند عبدالحی حبیبی، غلام محمد غبار، سرور گویا اعتمادی، سید قاسم رشتیا که در عین زمان وزیر اطلاعات و فرهنگ بود، محترم استاد مبلغ، محترم پوهاند ر شاد، محترم استاد لطیفی، محترم پوهاند ار شاد، قاری عبدالله شاعر بزرگوار زبان دری، استاد بینوا شاعر زبان پشتو و دیگر شخصیت ها دانشمندان و استادان موسیقی و نقاشی اشتراک داشتند. وقتی نوبت به نطقان رسید و نام ها گرفته شد تعدادی از هیأت داوران مخصوصاً علامه سلجوقی جویای معرفی خانم حبیبی شدند، معاون رادیو گفت چون وی جوان است ما ایشانرا معرفی نکردیم. هیأت گفتند که ما می خواهیم نام وی هم نوشته شود و بعد رای گیری می کنیم با آنکه این گونه افتخارات در زندگی انسان ها کمتر واقع می شود ولی برای شفیقه حبیبی

واقع شد و از ۲۵ رای، ۱۷ رای را به خود گرفت و برای اولین بار در تاریخ رادیو افغانستان، نطق درجه اول زبان دری شناخته شد.

احترام یاد و نه گوی - گذشته اجرا کرد - او در آنکده - یکی از تقدیرهای بسیار - (نور بیا)

در پوهنتون توکیو آمده بود و تصمیم

معرفی قیافه های هنر و ادب و تمشیل امسال

چهره های آتی درجواز سال جاری مطبوعات در رشته های نطقی، تیشیل، سرایندگی و نوازندگی
حایز جایزه گردیده بودند و جایزه شان ضمن مراسمی در کلوب مطبوعات به مستحقین آن توزیع گردید و اینک
چهره های مذکور با ترتیب معرفی میگردد.



عبدالحمید قندهاری سراینده درجه دوم (رادیو افغانستان)	بیفله زلیخا نورانی ممثل سال درجه اول (پوهنتون دای)	نیا غلی رفیق صادق ممثل سال درجه اول (پوهنتون دای)	نیاغلی عبدالغفور میرمن شفیقه حبیبی نطق زبان دری پشتو درجه اول
--	--	---	---

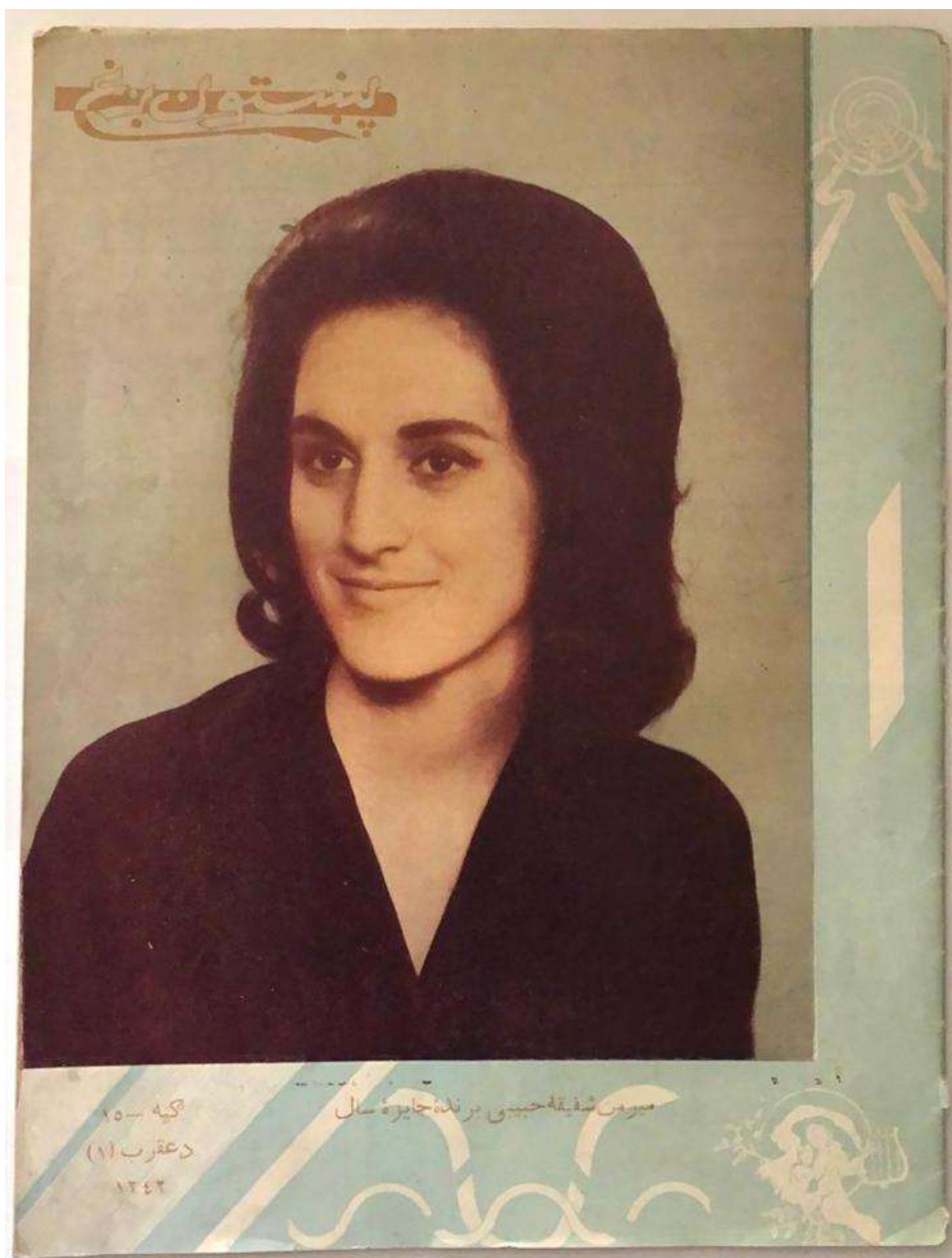
از راست به چپ:



نیاغلی اسدالله کوچک سراینده
درجه سوم (هنرهای زیبا)
نیاغلی سلیم قندهاری سناتور
نواز درجه اول (رادیو افغانستان)
نیاغلی چترام طبله نواز
درجه دوم (هنرهای زیبا)
نیاغلی کبیر هویدا لاندولین نواز درجه سوم (هنرهای زیبا)

عکس اخبار/اصلاح ۱۳۴۳/۷/۳۰

ميرمن شفيقه حبيبي برنده جايزه سال يا موسيقي الفاظ



شفیقه حبیبی نطاق اخبار و مضامین سویه عالی و ادبی رادیو افغانستان، امسال به اخذ جایزه اول نطاقی از طرف کمیسیون اعطای جوایز مطبوعاتی موفق گردید، ما در حالیکه این موفقیت را به همکار محترم خود تبریک می گوییم، اینک مصاحبه را بنابر خواهش خوانندگان مجله پشتون ژغ با موصوفه نموده ایم به شما تقدیم میداریم. (گزارشگر و مدیر مسول مجله: کریم روهینا)

ومن از این گزارش کریم روهینا نکات برجسته آنرا این جا نقل می کنم:

محترمه شفیقه حبیبی، میدانم آواز شما را اکثریت بزرگی از شنوندگان دوست دارند چنانچه نظریه کمیسیون جوایز که درین زمینه خیلی مشکل پسند است مصداق آنست. اما از شما چه مخفی کنم که یک قسمت از شنوندگان، شمارا در قرائت اخبار به اصطلاح قدری (کاکه) میگویند درین باره نظر شما چیست؟

شفیقه حبیبی پاسخ می دهد:

من از قرائت مضامین ادبی و هنری نطاقی که در آنجا هر کلمه را رنگی و شوربست بدنیای سیاست پا گذاشته ام که در اینجا نیز کلمات در عقب چهره سرد و خاموش و طرز ادای بی طرفانه خود دنیای از تموج، سرو صدا و بحران دارند. تلفظ کلمات و شیوه ادای آن در نطاقی اخبار گرچه اساساً بی طرفانه است اما بعضی کلمات محور اصلی خبر و یا جان خبر است که من آن کلمات را با فشار و تاکید ادا میکنم، که درین صورت ترنم و انعکاس دیگری نیز با آواز بیطرفانه همصدا می شود، این شیوه در تبصره های سیاسی بیشتر عملی می شود. که شما انرا (کاکه گی) می گوید ومن آنرا ترنم کلمات یا موسیقی الفاظ می گویم.

خانم محترم، آیا این جواب را به حیث یک درس تلقی نماییم که به شوقمندان نطاقی می دهید؟

اختیار دارید، این مکتب گویندگی من است که در فطرت من است و هم آموزش دیده ام.



میرمن شفیقه حبیبی برنده جایزه سال یا موسیقی الفاظ ..!

میرمن شفیقه حبیبی نطابق اخبار و مضامین سوبه عالی وادی زاد یو افغانستان امسال باخذ جایزه اول نطابق از طرف کمیسیون اعطای جوایز مطبوعات موفقی موفق گردید. مادر حالیکه این موفقیت را به همکار محترم خود تبریک میگوئیم؛ اینک مصاحبه را که بنا بر خواهش چند تن از خوانندگان با مو صوفه نموده ایم تقدیم میداریم:

میرمن شفیقه حبیبی طوری که در چنین نوع مصاحبه ها معمول است لطفاً اولتراً از همه خود را بخوانندگان ارجمند مجله بشتون ژغ معرفی نمایند:

اینجا بن در سال ۱۳۲۱ در کابل تولد شده صبیح دکتور محمد عمر رئیس صحت عامه میباشم. تحصیلات ثانوی را در مکتب ملالی بیابان رسانیده ام فعلاً بنا بر مصروفیت های زاد بو و هم مشاغل منزل تعلیمات خود را در پوهنچی ادبیات به تعویق انداخته ام امید است در آینده نزدیک بتوانم بآن ادامه دهم.

شما چه وقت با زاد بو و نطابق علاقه گرفتید؟

قبل از آمدن براد بو به نطابق علاقه داشتم و غالباً تحت نظر برادرانم در منزل کتب ادبی را با آواز بلند قرائت میکردم - باری زمانیکه صنف یازده مکتب بودم مد بریت ادبیات زاد بو که آن زمان بنام تهیه مضامین مسمی بود اعلان کرد که به نطابق ها احتیاج دارند

بشتون ژغ

من با سه نفر از همصنفان دیگرم براد بو آمده و دیدم که در امتحان آواز لجه ام را پسندیده کامیاب شدم. امروز از آن تاریخ تقریباً شش سال میگذرد - ابتداء در راپورتاژهای زاد بو و قرائت مضامین ادبی ایفای وظیفه میکردم - اما علاقه ام بدنیای سیاست مراسوی نطابق اخبار نیز کشانید - گرچه گمان میکردم ممکن در نطابق اخبار و مخصوصاً اخبار اشتهاسی شب که میدانید مشکل است موفق نشوم اما تدریجاً نزد شونده گان محبوبیت حاصل نموده و فعلاً مضامین ادبی و اخبار شب را بالتوبه قرائت میکنم.

محترمه شفیقه! میدانم آواز شما را اکثریت بزرگی از شنونده گان دوست دارند چنانچه نظر به کمیسیون جوایز که درین زمینه خیلی مشکل پسند است مصداق آنست - اما از شما چه مخفی کنم که يك قسمت از شنونده گان شما را در قرائت اخبار با اصطلاح قدری «کا که» میگویند درین باره نظریه شما چیست؟

در این قسمت شنونده گان بمقیده من بیک حساب بغطا نرفته اند. زیرا واقعا کسی که با آواز من آشنا نباشد آنرا با اصطلاح شما «کا که» تصور میکنند اما آنها نیکه از در با آن آشنایی دارند میدانند که من از قرائت مضامین ادبی و هنری به نطابق اخبار آمده ام یعنی اینک از ادبیات - دنیای واقعی نطابق که در آنجا هر کلمه را رنگی و شوری است بدنیای سیاست با گذاشته ام که در اینجا نیز کلمات در عقب چهره سر د و خاموش و طرز ادای بی طرفانه خود دنیای آژموچ، سرو صدا و بحرانی دارد تلفظ کلمات و شیوه کلام در نطابق اخبار گرچه اساساً بی طرفانه است اما من بنا بر عادت دیرین، زمانیکه کلماتی را که در عقب برده و ترکیب آرام خود عالمی از بحران و شور دارند، تلفظ میکنم، ترنم و انعکاس دیگری نیز با آواز بیطرفه همراه میشود که ترجمان هیجان و احساس خفه شده باطنی است بدینصورت آنچه را شما «کا که» و یا کا که میگوئید من ترنم کلمات و موسیقی الفاظ اش میگویم.

میرمن محترم - آیا این جواب را بحیث یکدستی تلقی نمائیم که برای شوقمندان فن نطابق میدهید؟

اختیار دارد. من خود آنرا آموخته و احساس نموده ام اما نمیگویم که درین آموزش و احساس کاملاً موفقم. فن نطابق که دنیای بیکران است هنوز (درس پستی ۳)

(۷)



داوود فارانی و شفیقه حبیبی موقع ثبت برنامه ترازوی طلایی در سال ۱۳۴۸ هجری شمسی

ترازوی طلایی یکی از بهترین برنامه های رادیو افغانستان که نویسندگان و پرودیوسران آن محمود فارانی و رفیق یحیایی بودند.

و آن آرزو و آن موفقیت ...



راپورتر: ناصر امیری از مجله ژوندون.

عکس ها از مستمندی

میرمن شفیقه حبیبی را در منزلش واقع کارته مامورین ملاقات کردم. هنوز ده دقیقه به وقتیکه قرار بود با ایشان صحبت کنم مانده بود که روی سیت اطلاق پذیرایی شان نشستم. راپورتر بعد از یک سلسله سوالات از خانم حبیبی پرسید: چه آرزویی دارید و از دوره گویندگی تان چه خاطره در حافظه دارید؟

جواب:

(با دیکلامسیون قصیده "مهرگان در البرز" از استاد خلیل الله خلیلی، به آرزوی دیرینم رسیدم) این دیکلامسیون در مقابل خانواده سلطنتی، صدر اعظم، اعضای کابینه، کوردیپلوماتیک و نخبگان دنیای دانش و ادب اجرا شد.

سوال : چرا این آرزوی دیرین تان بود ؟

جواب بخاطری که همه ساله در محافل باشکوه جشن استقلال کشور ما هیأت های هنری از ایران، هند و تاجکستان اشتراک می کردند و در تالار بزرگ کابل ننداری در حضور رهبران دولت و مردمی که دعوت می شدند برنامه های موسیقی را اجرا می نمودند، ولی در ترکیب هیات ایران همیشه خانم ها و یا آقایان می بودند و اشعار زیبا و تبریکی را دیکلمه می کردند و من آرزو میکردم روزی درهمچو محفل با شکوهی برای من هم میسر شود که شعری را دیکلمه کنم.

خانم حبیبی از ضیافت شب نشینی ۲۲ میزان در قصر وزارت امور خارجه در حضور وکیل سلطنت شهزاده احمد شاه و دیگر اعضای خاندان سلطنتی، صدر اعظم نور احمد اعتمادی و اراکین دولت، کوردیپلوماتیک، بزرگان اهل قلم و دانش و ادب و هنرمندانی که از بیرون کشور برای تجلیل سالگرد محمد ظاهر شاه پادشاه افغانستان به کابل آمده بودند، سخن می زد. که قصیده مهرگان در البرز استاد خلیلی را که به همین مناسبت سروده شده بود مکمل از یاد دیکلمه کرده.

ضیافت با بیانیه افتتاحیه توسط داکتر محمود حبیبی وزیر اطلاعات و فرهنگ آغاز شد و بعداً انانسر مهدی ظفر به سه زبان دری، فرانسوی و پشتو اجندای ضیافت را معرفی نمود. درین هنگام خانمی نازک اندام و زیبا با پیرهن سیاهی برروی ستیژ ظاهر شد خود را برسم ادب قدری خم کرد و به دیکلامسیون قصیده استاد خلیل الله خلیلی شروع نمود، همه سراپا گوش بودند، هیچ صدایی نبود مگر ترنم آواز زیبا و دلنشین شفیقه حبیبی گوینده برازنده کشور، تو گویی فضا همه عطر آگین شده بود و همه شعر بود احساس بود و آرامش. وقتی قصیده ختم شد دقایق متمادی همه کف می زدند و تحسین می کردند.

وقتی خانم حبیبی از روی ستیژ پایین شد یکتن از صاحبان اهل قلم و حاضر ضیافت، داکتر روان فرهادی ابیاتی را مرتجلاً به خانم حبیبی داد.

قصیده (مهرگان در البرز) از استاد خلیل الله خلیلی

آبها صاف و هوا معتدل و دلها شاد	مهرگان آمد و بر ما در شادی بگشاد
مهرگان چون مه من خرم و مهرانگیز است	نرم دل، نغز ادا، نیک نظر، پاک نهاد
سوی کهسار شد از دشت، غزالی سرمست	زی کنام آمده از کوه، گوزن آزاد
دگر از صید تذروان بکشد دست عقاب	گرچه بالش بود از آهن و چنگ و از پولاد
باغ را کلک خزان بسته چنان طرفه نگار	که زراندود کند صفحه سبز بهزاد
آب، درهم نشود از وزش تند نسیم	چهره پرچین نکند آینه از جنبش باد
خوشه ها یکسره چون عقد ثریا شده اند	طارم تاک برد چرخ پراختر از یاد
شاخ پر سیب: تو گویی به مثل تعبیه کرد	باغبان طشت پر آتش سر زرینه عماد
مهرگان است و مه و عید و مه مولد شاه	طرفه این ماه به ما باب میامن بگشاد
خاصه امسال که در مسند جم، شاه جوان	همچو خورشید سراپرده به البرز نهاد
باختر باز به آیین کهن جشن گرفت	که کند خسرو ما رسم نیاکان بنیاد
اشک از چشم یتیمان بکند خشک، به مهر	گرد از روی فقیران بکند پاک، به داد
شاه چون داد کند، ملک شود آبادان	آری، از داد شود کار جهانی به مراد
شاه عادل، پدر معنوی خلق بود	به پدر تکیه کند پایه قدر اولاد
هنر شاه بود مایه دانایی قوم	ناز شاگرد خردمند رود بر استاد
مهرگانهای دگر خوبتر آید به وطن	از همایون نظر خسرو فرخنده نهاد
سیمگون برف، کند خانه زارع معمور	سهمگین ابر، کند مزرع دهقان آباد
نوبهار آرد و ابر آرد و باران آرد	از در و دشت وطن قافله مشکین باد
همت مردم این مرز، شکافد دل کوه	سیم بیرون کشد از سنگ و ز خارا پولاد

خاور و باختر ملک، به هم گردد وصل
از لب سند شود تا لب جیحون سر سبز
خط آهن چو برآرد زدو جانب فریاد
شود از تربیت شاه به کشور هر روز
وز در مرو شود تا خط خیبر آباد
خسروا! دادگرا! پادشاه! شیردلا!
دستگاهی دیگر از علم و صنایع ایجاد
باد این خاک ز سیلاب حوادث مامون
ای دل اهل وطن گشته به نیروی تو شادا!
باد این مرز ز آسیب مصایب آزاد



شعری که محترم روان فرهادی مرتجلاً نوشته کرده بود، و بعد از ختم دیکلماسیون به خانم حبیبی داد:

مهرگان آمد و از مهر جهان را جان داد
روح افسرده این خطه گهواره شعر
نقد زر از کف هر شاخ بهر سو افتاد
تا که بشنید نوای تو بشد یکدم شاد
مادر دهر بسی شد که کسی چون تو نزا
مرحبا بر تو خلیلی که نداری همتا
همچو بلبل به تمنای وطن نا له کند
این خیراچو خلیلی شنود در پیغداد

گر نمادست سخن همچو زمان غزنین
نظم و نثرت بدهد شوکت پارینه بیاد
تا که خواندست شفیقه سخن نغز ترا
مهرگان است که (بر ما در شادی بگشاد)
مرحبا بر تو شفیقه باد دو چشمش روشن
آفرین بر تو و بر قدرت آواز تو باد
مرحبا آنکه به خاطر بسپردی همه شعر
آفرین آنکه بخواندیش به پاس استاد
آنچنان نیز ادا کرده ای هر مصره آن
داد شهکار ادب طرفه ادای تو بداد
همچو بلبل به تمنای وطن ناله کند
این خبر را چو خلیلی شنود در بغداد

گوینده یا دیکلاماتریس معروف خانم سرلک عضو هیأت هنری ایران که جهت شرکت در مراسم سالگرد 22 میزان به کابل آمده بودند و باید با تمثیل موسیقی دیکلمه می کرد با معذرت مودبانه و حاکی از نزاکت گفت: "با آن شعر استاد سخن خلیلی و با آن قدرت حافظه، بلاغت و آواز، که خانم حبیبی دیکلامسیون نمود بهتر است امشب تنها با همین خاطره بود."

و خانم سرلک با همین معذرت دیکلمه نکرد





خانم و آقا حبیبی در ضیافت شام به افتخار معاون رئیس جمهور آمریکا آقای Spiro Agnew و خانمش که با دعوت پادشاه افغانستان به کابل آمده بودند. آقای نور احمد اعتمادی صدر اعظم وقت هم در عکس دیده می شوند .



خانم حبیبی با خانم سفیر امریکا در یکی از ضیافت های شام در باغ بالا سال ۱۳۴۹ شمسی



شفیه حبیبی بر علاوه گویندگی کار های اجتماعی دیگر هم داشت مثلاً وی معاون کمیته تبلیغات (انجمن همکاران خاړندوی) بود که مربوط به (دافغانستان خاړندوی تولنه) بود، نقش بارز خاړندوی در خدمات اجتماعی و کمک و معاونت رضاکارانه ب مردم بود. د افغانستان خاړندوی تولنه بیشتر از جوانان لیسه ها و پوهنتون های دختران و پسران کابل و ولایات پر نفوس کار می گرفت، انجمن واحد کمیته های مختلف کار بود. کمیته تبلیغات علاوه از نشر مجله و اخبار اجتماعات و فعالیت های انجمن و کمیته های مربوطه آن میز های مدور رادیویی نیز نشر می کرد. خانم حبیبی مهمتم مجله انجمن همکاران خاړندوی بود و در یک نشریه فوق العاده ضمن نشر اهداف متری افغانستان خاړندوی تولنه و لوح (پندار نیک، کردار نیک و گفتار نیک) متن پر معنای رییس این انجمن دوکتور محمد عزیز سراج با اشاره به رول جوانان را نشر نمود که امروز هم بعد از چندین دهه در راه درمان امراضی چون جهل فقر و مرض که دامنگیر همه جوامع رو به انکشاف و بویژه افغانستان شلاق خورده می باشد قابل درک ست: (درد ها، پس مانی ها، و محرومیت ها و همه

گونه مشکلات در برابر عزم آهنین، هر یک نابود می شوند، این ها مانع پیشرفت نیستند، مشروط باینکه همه یکجا در برابر آنها برآییم. ما محتاج یک جمعیت منور، با درد، نیرومند و توانا هستیم تا در مقابل این مشکلات پنجه دهیم و کابوس را از خود دور کنیم).

شعار خاوندوی: تیار اوسی (آماده باش)

روش خاوندوی: انجام یک کار نیک در هر روز _ معاونت و کمک به دیگران و خدمت به مردم.

سه نکته مهم علامت خاوندوی : وفا- اطاعت- خدمت

حلقه اتحاد جهانی خاوندوی: برادری- باهمی

سلوک خاوندوی: چهره خندان - قیافه با نشاط

معیار شخصیت خاوندوی: شرافت

خصلت خاوندوی: اتکا بخود- اعتماد بنفس

آموزگار خاوندوی: خود آموزی

علامت ممیزه خاوندوی: دستمال و نشان خاوندوی

سلام خاوندوی: زمرد با دو انگشت / شگی وال و پالندوی با سه انگشت

فصل دوم



سردار محمد داوود (۱۳۵۲ - ۱۳۵۷ شمسی) مؤسس جمهوریت در افغانستان که مؤسس تلویزیون ملی افغانستان هم می باشد.

سردار محمد داوود در ۲۶ سرطان ۱۳۵۲ بر اریکه قدرت جا گرفت و خانم حبیبی در همان شب ۲۶/۲۵ اولین پسرش را بدنیا آورد و در تمام شب در کلینیک جوار پارک شهر نو که نزدیک وقایع بود فیرها و آتش باریها را از دور می شنید و تماشا می کرد. در اوایل جمهوریت داوود خان برنامه در رادیو افغانستان تولید نمودند بنام جمهوریت که شفیقه حبیبی و مهدی ظفر دو نطق درجه اول رادیو گویندگان زبان دری آن برنامه و نبی پاکطین پرودیسر و گوینده ای پشتو بود. برنامه روش سیاسی داشت با اشعار رزمی و حماسی و متون سیاسی، اشعار این برنامه را اکثرا شفیقه حبیبی با سبک بخصوص خودش دیکلمه می کرد. که جایزه درجه اول دکلامسیون را هم از وزارت اطلاعات و فرهنگ بدست آورد بطور نمونه یک شعر زیبای حماسی را این جا نقل می کنم:

کیم من؟

طایر سیمرغ سیری،

کز فراز قله تاریخ انسانها

نظر گسترده ام بر بی کران پهنای دورانها

و می بینم.... زمانرا هست راهی پیچ اندر پیچ،

فراز اندر فراز و شیب اندر شیب

و می بینم.... سپاه نسل های آدمی را اندرین معبر

که آهنگ سفر دارند

و جاویدان به فردا های آرمان ها نظر دارند

و می بینم.... که هر نسلی ز ره وا ماند، می میرد

و نسل پیشرو هر جا عنان زندگی در دست میگیرد

و می بینم.... حیات و زندگی جز رهنوردی نیست در تاریخ

توقف مرگ و نابودیست در تاریخ

ولی چون امتدادِ جاده
 از اعماق جنگل ها
 و از ژرفای ظلمت ها گذر دارد
 هزاران غولِ غارتگر،
 هزاران رهنِ وحشی
 درین معبر نظر دارد،
 به هر گامی سفر صدها خطر دارد
 و می بینم... به سیر کاروانِ زندگی،
 کأن صعب پیکار است
 بسی رخشنده مشعل ها،
 بسی نور افگنانِ رهگشای تیرگی افروز در کار است
 و می بینم... که این مشعل
 و این نور افکنِ روشنگرِ ره های ظلمانی
 بود فرهنگِ انسانی
 به هر پیمانه که این مشعل، درخشان و فروزان است،
 سفر در جادهٔ تاریخ آسان است
 و مرگ از زندگانی ها گریزان است
 و می بینم ...چو فرهنگ است نورانی،
 دیگر اندیشه پر نور است
 خرد جولانگرِ آینده های روشنِ دور است

عواطف ، رهبرِ عشق است و احساسات ، هماهنگِ آرمان های پر شور است
 سعادت ، آدمی را خنده پیروزی های مست و مغرور است
 و می بینم.... چو غولانِ چپاولگر
 ره تاریخ بر بندند.

نخست از کاروان ها مشعلِ فرهنگ می گیرند
 بلی من خوب می بینم که در پهنای دوران ها،
 هر آن نسل و هر آن ملت که فرهنگش فرو میرد،
 دیگر محکومِ این وا ماندگی و مرگ و ادبار است
 دیگر محرومِ عشق زندگانی شمع بار است.
 هلا ای همرها، ای رهنوردانِ زمان پیمای افغانی ،
 من اینجا از فراز قلّه تاریخ می بینم....
 که دزدانی که ره بستند بر ما روزگارانی
 و هست و بود ما بردند
 فروزان مشعلِ فرهنگِ ما را نیز افسردند
 که اکنون بیشتر از شعله های رهگشا ،
 زان دود میخیزد
 و بیش از روشنی آرزو ها،
 زان غبار یاس میریزد
 هلا ای همرها، رسته از دزدانِ چپاولگر،
 که آهنگِ سفر دارید زی دنیای عیش انگیز مستی زای جان پرور

به این مشعل، به این فرهنگ، عبور از جاده تاریخ دشوار است، خطر بسیار بسیار است
 چو بر خیزید و مشعل های فرهنگ نوینی را بر افروزید
 دیگر انگاه سفر سهل است
 مبارکباد، پیروزید.



شفیقه حبیبی و مهدی ظفر دو گوینده درجه اول رادیو تلویزیون ملی افغانستان در سالیان متمادی - بر اساس
 تحقیق پروفیسور عبادی، استاد تخنیک ژورنالیزم در فاکولته ژورنالیزم پوهنتون کابل آواز شفیقه حبیبی منحنی
 صدای زیر (Treble) استندرد و آواز مهدی ظفر منحنی آواز بم (Bass) استندرد تعیین شده اند.

تبصره محمود فارابی، یکی از پیشگامان رستاخیز شعر آزاد عروضی در افغانستان راجع به صدای شفیقه حبیبی:

"واقعاً این داد خداست و من تحقیق پروفیسور عبادی را تصدیق میکنم و سال هاست به این عقیده ام که شما یک خانم حنجره طلایی هستید که نظیر شما در جهان کم است؛ چنانچه مثلاً در دنیای موسیقی در میان یک ملیارد نفوس هند فقط خانم لتا منگیشکر چنین امتیاز و افتخاری را داشت. و شما این موهبت الهی را در دنیای سخن دارید."

اواخر سال ۱۳۵۶ شمسی و ماه حمل سال ۱۳۵۷ شمسی تلویزیون ملی افغانستان که کمک کشور جاپان به رییس جمهور محمد داوود بود، آغاز به نشرات امتحانی نمود که هر پنجشنبه از ساعت ۶ تا ساعت ۱۰ شب ادامه داشت. مجموعاً، سه سرویس خبر پشتو و دری نشر شد که هر سه برنامه اخبار دری را شفیقه حبیبی با یک نطق مرد اجرا نمود. مسئول تلویزیون می گفت که اسمای تمام گویندگان دری و پشتو، خانمها و آقایان را خود رییس جمهور محمد داوود طلب نمود و انتخاب کرد، که برای نطقه زبان دری اخبار ساعت ۸ شب فعلاً فقط شفیقه حبیبی را انتخاب نمود.

شفیقه حبیبی در آنروزها تا سالیان چند دوره های انقلابی را یکی پی دیگر چون ستاره درخشان رادیو و تلویزیون و گاهی محافل ادبی سپری نمود.



بدین منوال سالیان شگوفایی گویندگی آغاز شد، شفیقه حبیبی قله های موفقیت را یکی پی دیگر می پیمود چنانکه جوایز درجه اول گویندگی و دیکلاماسیون را از ان خود می نمود و مکاتبی در گویندگی و نطاقی بمیان آمد که سرحلقه آن بازهم شفیقه حبیبی بود.



د افغانستان جمهوري دولت

د اطلاعاتو او کلتور وزارت

د مطبوعاتي او کلتوري جوايزو است

محترمه ميرمن شفیقه حبیبی !

د افغانستان د جمهوري دولت د اطلاعاتو او کلتور وزارت

له دې کبله چې تاسې د ۱۳۵۳ کال د نکلما ترس په حیث ټاکل شوي او

د جایزې په کټلور بریالی شوي دې تاسو ته مبارکي وائی او د افغان

او جبهاني پوښي او فرهنگ د خدمت په لار کې ستا

د زیات بریالیتوب هیله کوی .

پوهاند دا کتبه نوین

د اطلاعاتو او کلتور وزیر

نور

شفیقه حبیبی باری گفته بود "من در قسمت دیکلمه اشعار پروگرامهای ادبی با نطاقان موافق نیستم، زیرا نطاقان شعر خوان رادیو هر نوع شعر را به شیوه اشعار رومانتیک میخوانند."

او حق داشت زیرا شعر که ترجمان احساس شاعر است توده ها را به شور می آورد. شور احساسی، عاطفی و هم رزمی و حماسی. چنانکه ادبیات خود مکاتب فکری دارد. روی سخن حافظ و سعدی به اجتماع است، خیام بی پرده می سراید، بیدل به لاهوت رو میبرد، کلیم و ندیم چه نازک خیالی هایی که ندارند.... در دیکلامسیون این همگان باید بود و باز هم شور و سوز باید آورد... از بیدل: سرشکم نسخه ای دیوانه کیست... استفهام است و پرواز است و پند ... شعر "پی رهبر" در برنامه رادیویی جمهوریت اول، شلاق می زند و به وحدت و عمل انقلابی جهت آبادانی کشور می گمارد، و پارچه شعر "فرهنگ" درهمین برنامه از بی فرهنگی و فقدان مفکوره و هویت ملی هوشدار می دهد.... ودیکلاماتور یا دیکلمتریس این همه معانی را با لحن، آواز و موسیقی کلمات تداعی می کند....

سابق دوره گردانی داشتیم، گهگاهی اشعار شاهنامه را با الحان حزین و پر سوز می سرآیدند و می گذشتند. اکثر نطاقان ما نیز این شیوه را برگزیدند زیرا معمول بوده است و سهل.



پشتون بزم، اسد سال ۱۳۵۵ شماره ۵

یک گوینده در خواندن خبر ، باید بیطرف باشد و احساس خودش را هرگز دخیل نسازد....

راپورتر: گل احمد ذهاب نوری

من بازهم بخشی ازین مصاحبه را این جا می آورم:

نوری : او دیرینه گوینده رادیوست. صدایش آهنگی خاص دارد، روزی شعر می خواند، زمانی تفسیر و مضمون و مطلب و بیشتر اوقات هم اخبار دری شب را با صدای طنین دارش می شنویم.

این بار محل گفتگوی ما خانه اوست، با عکاس مجله وارد منزلش می شویم، منزلی کوچک ولی زیبا... در گوشه و کنار زینه ها گلدان های گل که نمایندگی از ذوق خانه داری اش میکنند... کمی بالاتر خودش ایستاده است با لباس ساده و با جبین بشاش....

سخن بر سر اوست سخن بر سر شفیقه حبیبی است. او در زمره گویندگان انگشت شمار رادیو افغانستان است، گویندگانی که به زعم شنوندگان رادیو موفق اند و پیشقدم....

می پرسیم: امروز در قطار نطاقان ورزیده رادیو قرار داری، نظر خودت چیست؟

او لبخندی می زند و بعد میگوید: البته قضاوت این موضوع بدست شنوندگان است، آنها اند که از عقب رادیویشان بر موفق بودن یا نبودن یک گوینده قضاوت میکنند.

سوال، شفیقه جان خودت بیشتر خبر ها را می خوانی و راستی هم درین راه موفق استی به نظر خودت برای گوینده خبر خوان چه شرایطی ضروری است؟

جواب: در قدم اول برای کسیکه خبر می خواند یک بی طرفی مطلق لازم است، گوینده باید خود را از جریان ها دور بداند و خبر را بدون دخیل ساختن احساس خود بخواند البته با عقیده به مطلبی که می خواند ولو این خبر مربوط به خود گوینده هم باشد و بر احساساتش تاثیر نموده باشد.

حال چه گفتنی ای دارید؟

او صمیمانه به صحبتش ادامه می دهد... به نظر من جوانان ما دارای استعداد های هنری خوبی هستند مثال بارز آن هم نطاقان جوان هستند. که بدون آموزش شیوه های فن و هنر گویندگی و سخنرانی شروع بکار می کنند. اما باید گوینده دست از تلاش بر ندارد و خود را تکمیل نداند. مطالعه و آگاه بودن از مسایل روز و همراه با تمرین دایمی سبب موفقیت بیشتر گوینده می گردد.

شفیقه حبیبی

از علی احمد زہاب نو ری

یک گوینده در خواندن خبر، باید بیطرف باشد و احساس خودش را هر گز دخیل نسازد گوینده شعر خوان باید احساس شاعر را لمس کند و هضم نماید و شنونده را با خود بکشانند...

او، دیرینه گوینده رادیوست
صدایش آهنگی خاص دارد، روزی
شعر می خواند زمانی تفسیر و مضمون
و مطلب و بیشتر اوقات هم اخبار دی
اسب را، با صدای طنین دارش
می شنویم...

انتخاب محل گفتگوی ما، خانقاوست
با عکاس مجله وارد منزلی می شویم
منزلی کوچک ولی زیبا... در گوشه
و کنار زینہ ما، گلدان های گسل،
نمایندگی از ذوق خانه داری اش
میکنند... کمی بالاتر خودش ایستاده
است، بالاس ساده و با جبین
بشناس...

سخن بر سر اوست، سخن بر سر
شفیقه حبیبی است، اودر زمره گویندگان
انگشت شمار رادیو افغانستان است،
گویندگانی که به زعم شنونده های
رادیو: موفق اندوگویندگانی که
پیشقدم...

میرمن شفیقه حبیبی را، زنی صمیمی
می یابیم، من و عکاس مجله را به...
اتاق کوچکی رهنمایی میکند و گفته ای
بعد دخترش هم در جمع ما حاضر میشود...
دیگور اتاق، ساده است و در عین
سادگی، بسیار جالب و مناسب... و این
خود، شفیقه را، زنی علا فمند به
خانه داری، می نمایاند... سخن از
طرف می شود و آهسته آهسته، گفت
و شنید بسر سر می رند و گویندی
می آیند...

می پرسیم:
... امروز در قمار نطافان ورزید؟

ساده، وضع کرده اند، کمی استعداد
آواز خوب، تالانداره ای فصاحت و
بلاغت بالاتر از صحبت های عادی و
سواد به اندازه لازم: صفاتی است،
که دارند آن، می تواند بهیشت یک
گوینده و نطاف شروع بکار کند...
در کشور ما، بیشتن گویندگان بسا
همین بگونه شروع بکار کرده اند و
خود سالها زحمت کشیده اند، ناخود
آراما ناز کیشی ها و خم و بیج های
دشوار این فن آشنا بسازند...

او- گاهی برای تائید حرف هایش،
مکت میکند و بعد ادامه میدهد:
... من عقیده دارم که معیار مو فف
بودن یک نطاف، بالاتر از آن است که به...
چند کلمه بتوان تعریفش کرد و نظر
دارم که برای گویندگانی که تازه این
راه را در پیش می گیرند، بهترین
مدلی- افلا مدلی کوتاه - از تجارب
گویندگان سابقه دار، استفاده کنند
چند ماهی به طور دقیق و با تلاشی
بیکر، به تهرین اختصاصی گویندگی

رادیو قرار داری، درین مورد نظر خودت
چیست؟
اولیختی میزند، بعد میگوید:
... البته قضاوت این موضوع، بدست
شنونده است، اونست که از عقب
رادیویش، بر موقوف بودن یا نبودن یک
گوینده قضاوت می کند، اما به عقیده
من هنوز باید سالها زحمت بکشم و راه
درازی را بیاموزم، تا بتوانم خود را،
گوینده ای موفف بخوانم... امروز
برای گوینده ما، معیاری در حقیقت



شفیقه حبیبی: من عقیده دارم که معیار موفف بودن یک نطاف، بالاتر از آن است که به چند کلمه بتوان تعریفش کرد...

مصاحبه شفیقه حبیبی با گزارشگر مجله پشتون بزغ

فصل سوم

و نفس در سینه آزاد شد

دلو ۱۳۵۸

در روز های نخست حکمروایی خویش، ببرک کارمل متوفی، در قصر چهلستون که هنوز بدست عدا با خاک یکسان نشده بود اقامت داشت، تلفن کرد و مرا دعوت نمود. به آن قصر تاریخی رفتم، با جنرال عبدالقادر در اطاق انتظار آشنا شدم. او خود را معرفی نمود و نشستیم. بعد از وقفه خاموشی پرسید "شما با خانم شفیقه حبیبی گوینده تلویزیون قرابتی دارید؟" از بی خبری اش تعجب کردم، اندکی مکث کردم و گفتم به اصطلاح مردم قندهار، او نزد من نشسته است.

با صداقت و هم خود داری قریب به اجبار افزود "من در زندان پل چرخی بودم و همه روزه شام مکلف به تماشای تلویزیون و شنیدن اخبار عمده آن بودیم. بلا استثنا، زن جوانی بروی صفحه تلویزیون ظاهر می شد، خبر می گفت و تبصره میداشت. با چنان درستی و عقیده که همه گمان بردیم، او باید عضو رژیم بر حال باشد و با آنها هم قریب، چون اکثر محبوسین سیاسی و علی الخصوص من آماج حمله بودیم، تصمیم داشتم تا این زن، این آواز و این لحن و ندا را اگر روزی زنجیرهای محبس از هم بگسلد، برای همیشه خاموش سازم." در خود فرو رفت و با ذوق و اعجاب قریب طفلانه بیفزود: "اما درین شب ها که رفیق کارمل بر اریکه است، بازهم به همان ساعت، همان زن، همان نطقه و با همان فصاحت و جذبۀ گویندگی خود، اخبار می گوید و تبصره می خواند، چنانچه گویی از منسوبین ما باشد. تصمیم را عوض کردم و بر او سلام گفتم. اکنون که او....." نفس در سینه آزاد شد، "گرچه من همیشه صداقت و رک گویی در سخن را از انچه حیل و حتی "حیلۀ شرعی" گویند و باعث آزار واذیت مخلوق با شد مَرَجَح دانسته ام. حرفش را گرفتم و گفتم: این یک عطیه ای الهی است که ارزانی میدارد، به آنکه خود بخواهد. یکی را پادشاه، آندیگری را جنرال و فردی را گویندگی و استعداد گویندگی و فهم تحلیل در قرآت و خوانش می بخشد او شور می افریند و به اندیشه وامیدارد

نبرایلی از هنر و سرمدان

اعتبار نامه ها و جوایز بر گزیدگان توزیع گردید

عزیمت

پوهنیدار لطیف ناظمی رئیس نشرات رادیو افغانستان در رأس هیاتی برای دیدن شعب نشراتی رادیو های جمهوری دموکراتیک آلمان و چکوسلوواکیا روز ۱۷ -

جوفا از کابل عزیمت کرد . هیات طی این مسافرت در باره تو سه همکاری ها بین رادیو افغانستان و رادیو های کشور های متذکره مذاکراتی انجام خواهد داد و قراردادی میان افغانستان و رادیو هنگری عقد خواهد نمود .

سفر هنری

در دنباله تبادل آثار فرهنگی و برگزاری محافل هنری به خاطر ایجاد دوستی بیشترین توده های افغان ، شوروی روز ۲۵ جوفا یک گروه هنری از آواز خوانان و نوازندگان رادیو تلویزیون تحت ریاست دکتور صادق فطرت - ناشناس - جهت اجرای کنسرت های هنری، عازم اتحاد شوروی گردید .

این گروه هنری شامل بیست و پنج - هنرمند شناخته شده کشور است که در شهر های تاشکند و دوشنبه کنسرت هایی اجرا خواهند نمود .

رئیس هیات ژوری در میان کف زدن های حاضران ، به آن نان توزیع گردید . محفل با کنسرت هنر مندان رادیو تلویزیون و صرف عصریه حوالی ساعت شش شام پایان یافت .

رادیو افغانستان طی سه پروگرام فوق - العاده «هفت او رنگ» خویش گفت و شنید بر گزیدگان را بخش نمود و تلویزیون جمهوری دموکراتیک افغانستان در پروگرام «تلویزیونی مجله» فشرده راپور تازی درین باره نشر کرد .

مجله «آواز» به نشر آلبوم های رنگه بر گزیدگان ازین شماره آغاز کرده است و در شماره های آینده نیز میکوشد تا عکس ها و مصاحبه های کاملاً اختصاصی پیرامون زندگی و کار های این بر گزیدگان تهیه و چاپ کند، همچنان تحفه های ناچیزی را برای نظر دهندگان این همه پرسی تقدیم میکنیم و در شماره آینده نامهای آنانرا به حکم قرعه اعلان مینماییم .

روز هفتم جوفا ، تالار رستوران باغ بالا شاهد محفل شکوهمند توزیع جوایز و اعتبار نامه های هنر مندان و گویندگان برگزیده و پروگرام های پر شنو نده رادیو و تلویزیون بود .

پس از تلاشی های پیگیر کار مندان و همکاران مجله آواز، بر گزیدگان مردم در نظر خواهی این مجله تشبیت گردیدند و ...

مجله آواز همراه با تحفه ها و جوایز نقدی و جنسی که تدارک دیده بود ، اعتبار نامه - های زیبایی نیز چاپ و به نام هر یک از آواز خوانان ، تشیلگران ، شعر خوانان و نطافان بر گزیده مردم تهیه کرده و به امضای مقام صلاحیت دار رسانیده بود ...

همچنان عنوانی دو پروگرام رادیو و تلویزیون - یون نیز دو اعتبار نامه و یژه تهیه شد .

این اعتبار نامه ها و تحایف هنر مندان ، نطافان و پروگرام های رادیو ، تلویزیون بعد از جاشت روز هفتم جوفا در تالار رستوران باغ بالا ضمن یک محفل شکوهمند به وسیله پوهنیدار لطیف ناظمی رئیس - نشرات رادیو افغانستان و رئیس هیات - ژوری به مستحقان آنها توزیع گردید .

درین محفل بر خی از اوکین و زارت اطلاعات و کلتور و رادیو تلویزیون جمهوری دموکراتیک افغانستان ، رؤسای مؤسسات تجارتي که تعایفی به هنر مندان گزیده شده اختصاص داده بودند و فامیل های بعضی بر گزیدگان شرکت ورزیده بودند .

در آغاز محفل سرود ملی جمهوری دموکراتیک افغانستان پخش گردید و بعد از آن، ناصر طه پوری مدیر مسؤول مجله آواز، طی بیانیه بی در - مورد گزینش ، طرز کار کمیسیون ها و اسمای بر گزیدگان روشنی انداخته و آنانرا معرفی نمود .

پس از آن اعتبار نامه های برگزیده شدگان به وسیله رئیس نشرات رادیو افغانستان و

آواز



رئیس نشرات رادیو افغانستان اعتبار نامه یکتن از نطافان برگزیده را به وی می سپارد

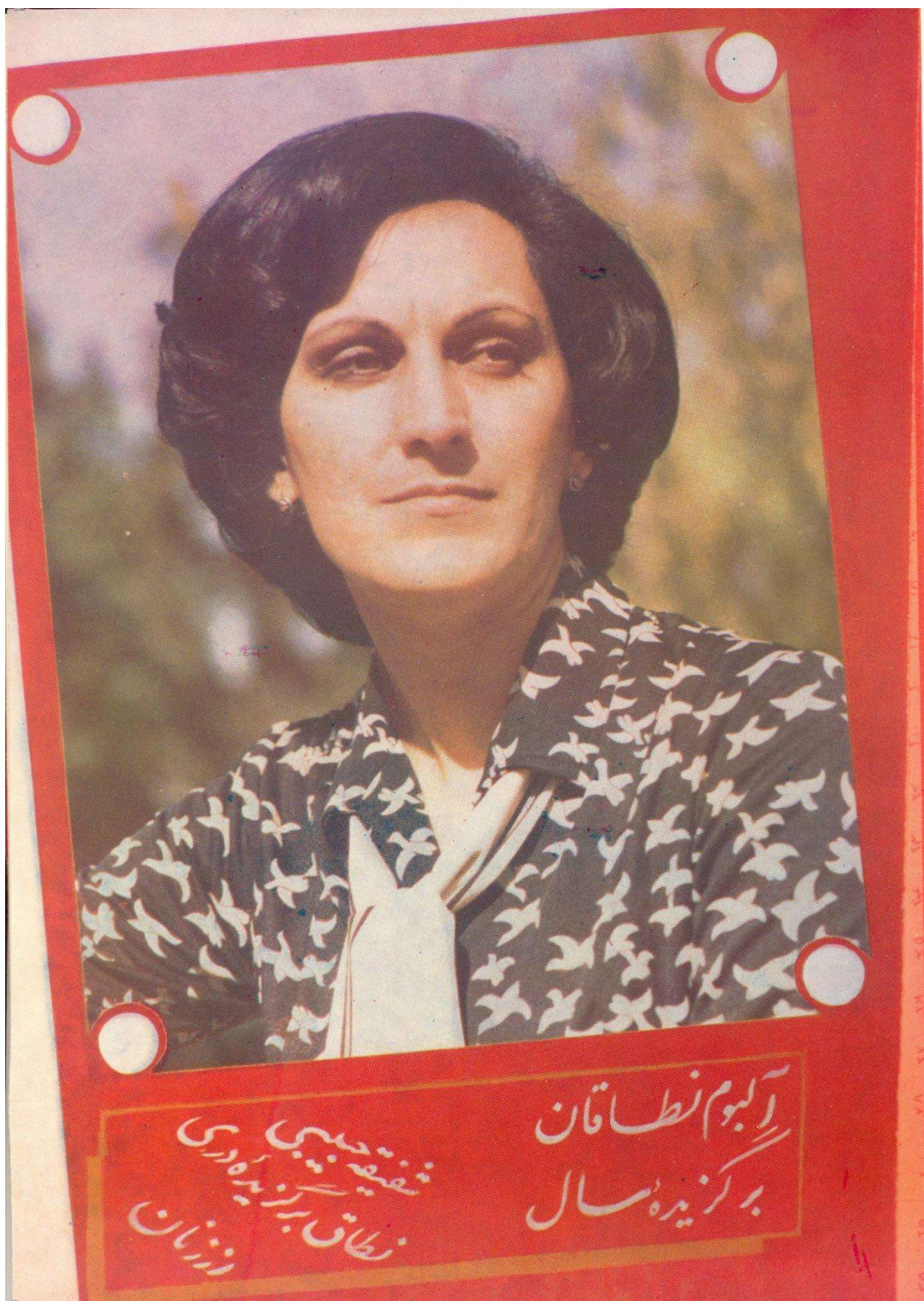
اعتبار نامه ها و جوایز برگزیدگان توزیع شد:

پس از تلاش های پیگیر، کارمندان و همکاران مجله آواز، ارگان نشراتی رادیو تلویزیون افغانستان، برگزیدگان مردم در نظر خواهی این مجله تثبیت گردیدند. مجله آواز همراه با تحفه ها و جوایز نقدی اعتبار نامه های زیبایی نیز چاپ نموده بود. این اعتبار نامه ها و تحایف هنرمندان و نطاقان و..... روز هفتم جوزای ۱۳۵۹ هجری شمسی در تالار رستوران باغ بالا، ضمن یک محفل شکوهمند به وسیله پوهنیار لطیف ناظمی رییس نشرات رادیو افغانستان و رییس هیأت ژوری به مستحقان آنها توزیع گردید.

مجله آواز طی یک نظر خواهی ذوقی و تلاش مسلکی از خوانندگان فراوان خویش که در عین حال بینندگان تلویزیون و شنوندگان رادیو افغانستان نیز بودند خواست تا نظریات شانرا در مورد آواز خوانان، نطاقان، شعر خوانان، ممثلان و سایر گردانندگان پروگرام های رادیو تلویزیون که بیشتر مورد پسند شان می باشد به مجله آواز بنویسند.

طی چند ماه نامه های فراوانی به دفتر مجله رسید که شماران به قریب هفت هزار بالغ میشد. هیأت معینه ژوری به ریاست ادیب توانا لطیف نازمی، با در نظر داشت خواست مردم تصویب کرد تا برای ارج گذاشتن بمقام زن و برای احترام به خواست مردم در هر بخش هنرمندان، نطاقان، آواز خوانان، ممثلان و شعر خوانان مرد وزن را جداگانه به اساس بیشترین آراء برگزینند.

بدینسان و بعد از شمارش دقیق آراء، شفیقه حبیبی نطاق برگزیده دری از بین زنان در پهلوی نخبه گان عالم هنر چون استاد سر آهنگ، برگزیده ترین خواننده در میان کلاسیک خوانان بایستاد. و در راه کسب شهرت ملی قدم برداشت.





وزارت اطلاعات و کلتور
رادیو تلویزیون جمهوری دموکراتیک افغانستان
مدیریت مسؤول مجله آواز

محترم شفیه حبیبی

در نظر خواهی مجله آواز - ارگان نشراتی رادیو تلو یزیون جمهوری
دموکراتیک افغانستان - شما که آرای بیشتری داشتید، به حیث
(نطاق ملی) برگزیده مردم شناخته شده اید.
وزارت اطلاعات و کلتور این پیروزی را برای شما شادباش گفته،
موفقیت بیشترانرا آرزو می برد.

دکتور حیدر مسعود
معین نشراتی وزارت اطلاعات و کلتور



اخبار ۸ شب تلویزیون ملی، گویندگان: شفيقه حبيبي و حسين انوش



اخبار ۸ شب تلویزیون ملی، گویندگان: شفيقه حبيبي و احمد شاه شهاب



اخبار ۸ شب تلویزیون ملی، گویندگان: شفیقه حبیبی و عنایت شریف، مدیر اخبار تلویزیون ملی



اجرای تبصره سیاسی شب تلویزیون ملی، گوینده: شفیقه حبیبی



استعداد، دانش ورزشی و درخشش آواز شفیقه حبیبی، او را در تفکر و انظار مردم برگزیده و بی بدیل ساخت، و باری مدال های صداقت و نشان افتخار را کسب نمود.

فصل چهارم

دوره مجاهدین

زمستان سال ۱۳۷۴ شمسی، در حالیکه دولت اسلامی پروفیسور برهان الدین ربانی در پی ایجاد یک محور صلح که در آن دولت و سایر نیروها در جهت قطع جنگ، حفظ صلح و تأمین امنیت سهم مشترک داشته باشند، ناامیدانه می‌کوشید.

در سنبله ۱۳۷۴، شفیقه حبیبی ریاست انجمن خواهران ژرنالیست رادیو تلویزیون و افغان فلم را متقبل شد تا جهت دفاع از حقوق زنان رادیو تلویزیون و افغان فلم و با تدویر کورس‌های آموزشی متنوع و کنفرانس‌ها بتواند آگاهی آن زنان را بلند ببرد.

در همین زمان و در حالیکه هر ساعت و هر روز خطر هلاکت به زیر بمباران راکت‌های کور موجود است، شفیقه حبیبی به رادیو می‌رود و به بهبود انجمن زنان ژورنالیست می‌اندیشد. امروز او با

محترم واصف باختري ساعت ۱۰ قبل از ظهر وعده ملاقات دارد تا در مورد تدوير يك مشاعره مناظره گونه توسط اعضای انجمن با وی مشوره کند، او بساعتش می نگرد ساعت ده و نیم است. در دفتر انجمن تلفن وجود ندارد، هنوز در کابل تلفن های انلوگ معمول است، لهذا خانم حبیبی برای صحبت تلفنی با محترم باختري به سكرتريت ريا ست به تعمير ديگر ميرود و هنوز به تلفن تماس نگرفته كه سه راکت بسیار قوی دیوار صوت را شکستاده و به ساختمان تلویزیون اصابت نمود، دقایقی به خاموشی گذشت و بعد سكرتر ریس جویای معلومات شد، گفتند يك راکت مقابل دفتر انجمن اصابت نموده و مستخدم دفتر كه يك خانم مسن بود به شهادت رسیده و دفتر كاملاً تخریب شده، راکت های دیگر هم به صحن رادیو اصابت نموده و چند تن شهید شده اند. خانم حبیبی را از رفتن به دفترش مانع شدند و همه مامورین را رخصت نمودند جز کسانی كه مسئولیت داشتند.



شفیقه حبیبی رییس، و اعضای هیأت رهبری انجمن خاوران ژورنالیست رادیو تلویزیون و افغان فلم



میرمن

ارگان نشراتی مؤسسهء عالی نسوان

فصلنامهء خزان و زمستانی ۱۳۷۴



قیمت يك شماره (۱۵۰) افغانی

شماره مسلسل (۷۲ - ۷۳)

نطاقی يك مسلك ويك هنر دريك ساخت معين است حجاب جزء فرهنگ ديرينه زن مومني افغان است

شفیقه حبیبی

مباحث از مساهراتی

از حسن نظر تان تشکر
سي سال است که بحیث
گوینده اخبار هشت و هشت
ونیم شب در رادیو تلویزیون
اجرای وظیفه نموده ام با
وجودیکه مشکلات خاملي
در گذشته امکانات کار
در بیرون از منزل بر ابرام
محدود نبوده .

اظهار کلمات و جملات است
بدون تاثیر و حصول
غایه مطلوب .
لطف نموده در مورد
کارهای روزانه تان
در رادیو صحبت نمائید .
گویندگی در رادیو
تلویزیون و پیشبرد
انجمن خواهران رادیو
تلویزیون و افغان فلم .

به سلسله شماره های
قبلي خود درین صفحه
(میرمن) شمارا
به خواهرانی آشنا
میسازد که در عرصه
های مختلف اجرای
وظیفه نموده و در کار
خبریش مرفق و مختار
میباشند ، اینک شمارا
به خوانش گفت و شنودی
دعوت مینمائیم که با
محترمه شفیقه حبیبی
نطاق خوش صدا استاد
مغرب و مسئول انجمن
خواهران رادیو
تلویزیون و افغان فلم
صورت گرفته است .
شما نظر تانرا
در مورد شیوه نطاقی
تنحیث يك نطاق ابراز
نمائید ؟



محترمه شفیقه حبیبی نطاق ورزیده رادیو تلویزیون دولت اسلامی افغانستان

داریم شما مسئول
خواهران در رادیو
تلویزیون هستید
در مورد کار و فعالیت
زنان انجمن معلومات
بدهید خالی از دلچسپی
نخواهد بود و اینکه از
کدام تاریخ به فعالیت

مدت چند سال
میشود که شما بارادیو
تلویزیون همکاری
دارید ؟ چرا وظیفه
رسمی ندارید
با وجودیکه يك زن
با استعداد و فعال هم
هستید ؟

نطاقی يك مسلك
ويك هنر در يك ساخت
وجود معين است بدین
شرط که اساسات فني
و مسلكي آنرا باید
دانست هنر ادای کلمات
و فهم ارزش ادبی آنرا
باید داشت آواز رسا
و مرغوب پالپ ها
و دندانهای مساعد برای
تلفظ و بیان امریست
الزامی در غیر آن نطاقی

آغاز نموده اید ؟
انجمن خواهران رادیو
تلویزیون و افغان فلم
که به توجه
ورهنمایی رایاست
عمومی رادیو تلویزیون
از سنبله ۱۳۷۴ بدینسو
شروع به فعالیت نموده
در اصول کار خود يك
نهاد فرهنگی و آموزشی
و اجتماعی غیر وابسته
است .

در عین زمانیکه
در همه کورسهای
مبدی خواهران رادیو
تلویزیون قرآن پاک فقه
عرف و زبان انگلیسی
را آموزش بینند
با تدویر کنفرانس ها
و برنامه های رادیویی
و تلویزیونی جامعه
افغانی را در آگاهی قرار
میدهند و سعی بر آن

میرمن ۵

خانم حبیبی در مصاحبه با مجله میرمن، ارگان نشراتی موسسه نسوان، در مورد حجاب مطابق آنچه در قرآن مبارک آمده است می‌گوید: "حجاب جزء فرهنگ دیرینه زن افغان است." در مورد سوال دیگر شیوه نطاقی: خانم حبیبی چنین می‌گوید: "نطاقی یک مسلک و یک هنر در یک ساخت وجودی معین است، بدین شرط که اساسات فنی و مسلکی آنرا باید دانست، هنر ادای کلمات و فهم ارزش ادبی آنرا باید داشت، آواز رسا و مرغوب، بال‌ها و دندان‌های سالم و زیبا برای تلفظ و بیان و زیبایی گوینده، اخلاق حمیده، دانش و آگاهی کامل به زبانی که نطاقی باید کرد و پشت کار و تلاش مستدام، امریست لازمی، در غیر آن نطاقی، اظهار کلمات و جملات است، بدون حصول هدف مطلوب. سوال دیگر، لطفاً در مورد خانواده تان بگویید: "یک پسر و دو دختر دارم، پلوشه حبیبی تحصیلات خود را چون پدرش در ژورنالیزم مسلکی و سیاسی افغانستان تا درجه دوکتورا در خارج از کشور تکمیل نموده و همانجا است. دختر دومم، درخانی فهیم حبیبی، لیسانس زبان و ادبیات انگلیسی می‌باشد.

اما انقلابات پی هم و دوری دخترش پلوشه از وطن برای تحصیل و بسته شدن راه‌های مراسلاتی و تلفنی برای زمان طولانی با آمدن طالبان در افغانستان، باعث می‌شود که شفیقه حبیبی از شهادت پلوشه در دیار غربت ماه‌ها بعد خبر شود که فرزند دل‌بند و با افتخار و دانشش را شهید نموده‌اند. خودش برای سالیان متمادی در سوگ و غم می‌نشاند.



شهید دوکتور پلوشه حبیبی

شفیقه حبیبی در عین زمان چون نطق اخبار عمده شب و زمانی بحیث نطقه پر صلابت با همان طنطنه و تاثیر در آواز مانند پار و یا گاهی فراتر از آن، صفحات برگزیده تفسیری را از مجلدات کشف الاسرار، مناقب العارفین و سیرت النبی قرأت و دیکلمه میکرد. پارچه معروف بنام "آمنه" مادر رضایی پیامبر اسلام از همین ایام است که با چند متن ادبی زیبای دیگر در آر شیف رادیو وجود دارد.

بتاریخ 1996/6/15 میلادی مصادف با ۱۳۷۴/۳/۵ هجری شمسی، مکتوبی از شاغلی حمید الله مخمور پسر جناب مرحوم مخمور معروف به (چاردیوال) از نویسندگان و منتقدین سالیان سلطنت ظاهر شاه که بحیث رئیس آژانس باختر و مشاور وزارت اطلاعات و کلتور نیز در آنزمان ایفای وظیفه میکرد، به من دکتور محمود حبیبی مواسلت میکند تا موصوف در "سالنامه افغانی" که محترم حمید الله مخمور تهیه آنرا در دست دارد، راجع بمسایل ملی آنسالیان ادبار چون پرنسیپ های عمده و اصول بنیادی قانون اساسی آینده افغانستان، پرنسیپ ها و مسایل اصلی تحقق دیموکراسی در افغانستان و دیگر چالش های عمده از این قبیل که دامنگیر ملت افغان بوده است، ابراز نظر نموده آنرا غرض نشر در سالنامه متذکره ارسال نمایم.

من در پاسخنامه مفصلی که به عزیز القدر ارجمند حمید الله جان مخمور رقم داشتم، که اینجا از چند پراگراف نوشته نقل میکنم که به اوضاع بخصوص آن ماه ها، هفته ها و روز های تراژیک و مرگبار مردم و بخصوص ساکنین پایتخت ارتباط می گیرد.

ارجمندم، سی و پنج سال یا بیشترايام، بعد از ختم تحصیل در خارج، در همین دیار و با این زادگاه مالوف بودن و از این جا بر ماحول، دور دست ها و جهان نظر داشتن، احساس داشتن گاهی تا فرامرز گوشت و اعصاب و اندیشیدن، انسانرا ممکن در پایان کار، به حالت جنونی اندر کند که ناشی از لمس واقعیت ها و بر خورد با آنها با همه عریانی، سرسختی و هم سماجت آن است، واقعیت های مملکتی در انقلاب کم و یا بی نظیر تاریخ ... و با اندیشه وآگاهانه، شاهد و ناظر اکثر از سکوی قدرت دولتی - سیاسی بودن و باز و حال، این احساس ناتوانیهای ما کمترینان.

در ساعتی که این سطور پریشان را می نوشتم، هواپیمای جت جنگنده، دیوار صوت را بر فراز مخروطه های کابل در کمترین ارتفاع بشکست و بمبی را فرو ریخت و ناپدید شد. خاموشی سنگین همه را فرا گرفت. قلب ها در آن لحظات از حرکت گویا باز ماند. گلو ها فشرده واعصاب خرد و خمیر، از میز نوشته ام بلغزیدم و بسوی درب اطاق رفتم، و ایستادم و در پرت و پریشانی مغز اندیشیدم، ممکن است نواسه ام "عمر سعید" در اطاق مجاور سخته یا غش کرده باشد. با همان اعصاب و حجرات تفیده دماغ، که تصورش را بسیار دور افتادگان این ماتمکده بمشکل توانند یا هم اصلاً هیچ نتوانند - درب را گشودم و به حجره دیگر داخل شدم. طفلک سه ساله را بدو نتوانستم از کسی

تمیز دهم که مادر کلانش "شفیقه حبیبی" بود، هردو چنان ملحق و پیوسته بهم بودند بعد دستان کوچک را دیدم که بر گوش ها فشرده شده چهره رنگ پریده، سرش را بخود کشیدم، بسویم با وحشت وتضرع گنگ می نگریست من و مادر کلانش هم گنگ بودیم. اما اشک در چشمان وعقده در گلو بود، عقده های ناتوانی، حقارت با احساس روحی هیچ بودن. پس بیایید و از ما قلیل الفهم کثیر التقصیران، باز ماندگان این جا، سوال دریافت راه حل معطله نمایید که آنرا و دریافت آنرا دیگر به شاهراه غیب و صل نموده اند. ویا از ما طلبید که آنسوی پنداری که نه ترا، نه گذشته و تاریخ و هم فرهنگ ات را، هویت واعتباری قایل است، به چه می اندیشی؟ این دیگر ممکن قصوری باشد از نوع مشهود، در گیر و دار موسسه بنام سازمان ملل متحد ویا در بازی بزرگ تاریخ اما دیگر با بازیگر یکتا. این مرغان رشته بر پا، صرفاً امان می طلبند و دوری از مایده ای زمینی از خود بهتران را، و آب نیمه گرم ونیمه پاک در حلقوم مادر مردگان

بیا تا کار این امت بسازیم

قمار زندگی مردانه بازیم

چنان نالیم اندر مسجد شهر

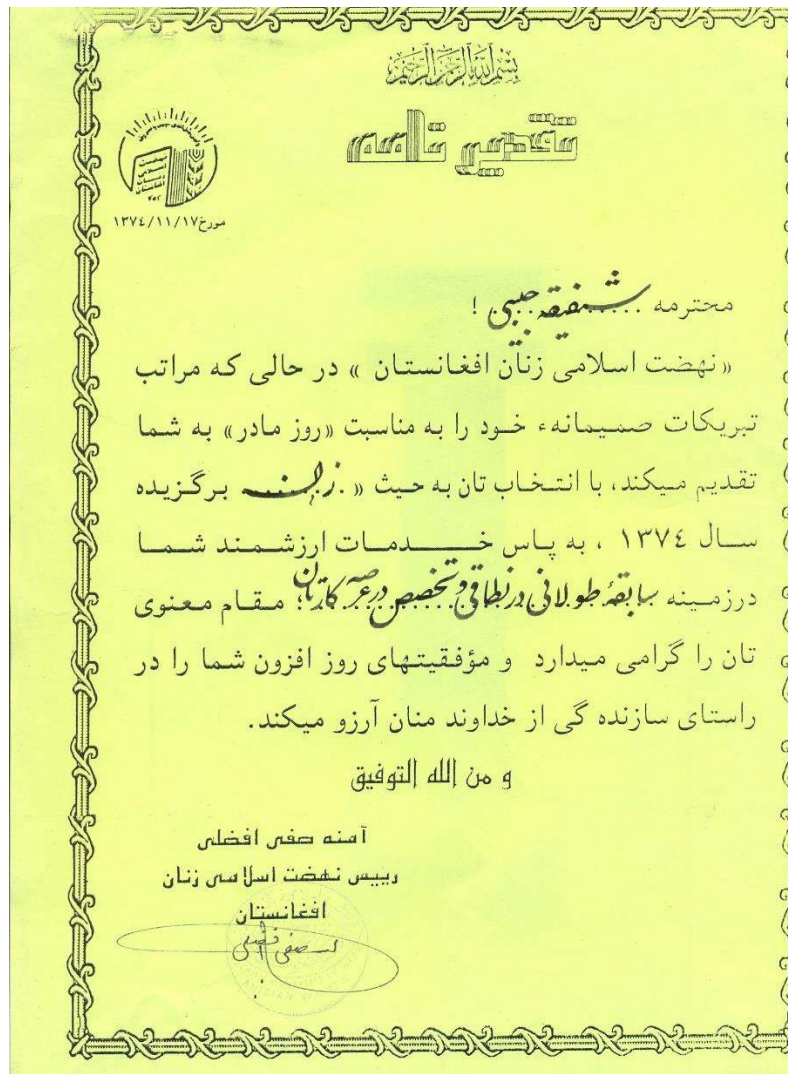
که دل در سینه ملا گدازیم

"بیاران طریق" اقبال

کابل اخیر سنبله ۱۳۷۵

هفدهم رمضان مبارک مصادف با مشرف شدن بی بی خدیجه کبرا (رض) بدین اسلام، برای اولین بار در کشور ما در ۱۷ رمضان سال ۱۳۷۴ روز مادر طی محفل با شکوهی توسط نهضت اسلامی زنان افغانستان تجلیل گردید. این از لحاظی بود که در زمان پیامبر اسلام زنان دوشا دوش مردان در پیشبرد اهداف عالی اسلام و تحقق حقوق تازه یافته شان تلاش نمودند و بی بی خدیجه کبرا اولین زوجه حضرت پیغمبر در راه پیاده کردن رسالت پیامبر بزرگ اسلام و معنای نهضت نوین زنان، تا پای جان زحمت کشید.

نهضت اسلامی زنان افغانستان در بزرگداشت روز مادر، شفیقه حبیبی را بحیث زن وفادار و متعهد به شوون اسلامی و ارزش‌های والای انسان، زن برگزیده سال انتخاب و مقام معنوی اش را بی‌پاس خدمات ارزشمند و تخصص در عرصه کارش با تقدیر نامه گرامی میدارد.



سلطان‌ه رحیم؛ گزار شگر نشریه المومنات در مصاحبه اش با زن برگزیده سال در ابتدای مصاحبه بنابر ایجاب، از شفیقه حبیبی نام می‌برد، گویی می‌خواهد از تلاطم امواج بسوی دوردست‌های روشن پرواز نموده و می‌نویسد:

(شفیقه حبیبی نام آشناییست که ما همواره صدای موزون و گیرایش را از طریق سرویس اخبار و برنامه‌های رادیو شنیده ایم، وقتی شعری را با دل انگیزترین نحو بیان به دیکلمه می‌گیرد شنونده

را بسوی بیکران بحر عواطف بسیر می کشاند و لحظه های شادی آفرین را همچون باغستان پر از گل های عطر آگین تصویر می کند. او نطاقیست در اوج افتخار که در رشته برگزیده اش سابقه طولانی و استعداد فراوان دارد و با طرز بیان زیبا و تلفظ رسا، شنونده را همراه با قایق طلایی زمان تا آنسوی اقیانوس ها ره می دهد.

شفیقه حبیبی که در راستای گزینش هنر نطاقی هدفمندانه گام برداشته است، دیکلماتور و مادر مهربانیست که با وسعت آئینه اندیشه هایش پیوسته روح ایثار و فداکاری همچون خون در تار و پود وجودش جاری است.

صفحه ششم
المومات
۱۷ دلو ۱۳۷۴ هجری خورشیدی

آواز رسا، تلفظ دقیق کلمات، پشتکار و استعداد نطق را تکمیل میکند



جواب: نطاقی هنریت که بیشتر به آرامش اعصاب ضرورت دارد وقتی روح تا آرام بود مطلب را چشم می بیند و زبان ادای کند ولی روح بازبان و چشم هنوز نمی باشد از همین جاست که بعضی از اشتباهات رخ میدهد تسلا همه پرایلم های مناشی از شرایط جنگ می باشد ولی بازهم نطقان ما با نهایت علاقتندی درشت مگروتن رادیو زبرد تلیزینون قرار میگرفت تا وظیفه خوش را به وجه احسن انجام دهند و مطالب را درست و با مهارت ادا کنند.

مصاحبه کننده: سلطانه رحیم

کابل میباشم
سوال: شما که در هنر برگزیده تان تجارب و اندوخته های فراوانی کسب کرده اید بهتر است تا با استفاده از تجارب تان زمینه ها و راههای دستیابی در این عرصه را مشخص سازید.
جواب: برای یک نطق ضرورت است تا نخست از همه خود را بازور اخلاق علم و معرفت مزین سازد. آواز رسا داشته و در ادای کلمات به گونه طبیعی تلاشی نماید ارزش دادن به شیوه ها و روش اساسی هنر نطاقی، اندوختن دانش علمی و اخلاقی و آگاهی کامل از رویداد ها و مسایل روز تشرین و مهارت و مطالعه پیگیر تلاش و پشتکار هوشی آگاهی بادیستور زبان قوانین و مقررات همان لسانی که نطق به آن صحبت می نماید همچنان پابندی و علاقتندی به وظیفه جز صفات اصلی یک نطق خوب محسوب میشود نکات فوق بیسانگر چهره واقعی یک نطق و گوینده خوب میباشد و واضح تر -

پایدگفت که موضوعات بالا مکمل و تکمیل کننده یک نطق میباشد.
سوال: در باره آفتنخاراتی که در این عرصه به دست آورده اید حرفهای تازه بگوئید.
جواب: در سال ۱۳۴۳ برای اولین بار جایزه اول سال را در شمار نطقان بسیار خوب و در زبده و سابقه دار همچون نظیفه کبیر سراج و کریم روینا به دست آوردیم علی الرغم آنکه حیات ژوری خیلی سخت گیر در راس اعضای جوایز قرار داشت به همین گونه در سال ۱۳۵۳ نیز افتخار جایزه اول سال را در بین همه نطقان رادیو کسب نمودم و همچنان در سال ۱۳۵۹ جایزه درجه اول سال را به دست آوردم خلاصه تاکنون در تمام هنر نطاقی یک نشان افتخار دومال صداقت و لیاقت را اخذ نموده ام

سوال: آیا در این عرصه شاگردانی راهم تحت تربیه گرفته اید
جواب: در سال ۱۳۴۹ دو دوره کورس نطاقی را تدریس نموده ام همچنان در سال های ۱۳۵۶، ۱۳۶۸،

و ۱۳۷۰ سمت تدریس کورس ها را در رادیو به عهده داشتم.
سوال: بهتر است یکی از خاطرات تانرا که حتما دنیای نطاقی خاطره های زیادی را در خود نهفته دارد ابراز نماید؟
جواب: بساد دارم روزی را که در یکی از محافل شعری را از استاد خلیلی دیکلمه نمودم. شعر آنقدر در روح و روان حاضرین تاثیر به جا گذاشته بود که بکتن از دیکلمه توران ایرانی بنام پروین سرلک از خوانش شعر بعد از من ابیا روزید برای آنکه شعر را با قوت تمام دیکلمه نموده بودم متعاقب آن محترم روان فرهادی فی الید یعه شعری سرود ند واز دیکلمه شاعر به نیکویی یاد نمودند. میتوانم بگویم که قصه فوق از جالب ترین خاطرات زنده گی ام میباشد.
سوال: در حال حاضر وضعیت نطقان و گوینده گان را در رادیو و تلوویزیون چی گونه ارزیابی می نماید؟

مصاحبه شفیقه حبیبی با (غم زمان) از نشریه المومات

سپس پر سه شگر ارزیابی و وضعیت گویندگی را در آن بحران کابو سی از وی جویا می شود و خانم حبیبی با خونسردی همیشگی اش میگوید: "برای یک نطق ضرور است تا نخست از همه خود را با زیور اخلاق، علم و معرفت مزین سازد. آواز رسا، تلفظ دقیق کلمات، پشتکار، ارزش دادن به شیوه

ها و روش‌های هنر نطاقی، اندوختن دانش علمی و آفاقی و آگاهی کامل از رویدادها و مسایل روز، تمرین و ممارست و مطالعه پی گیر، فهم دستور زبان همان لسانی که نطاقی می کند. نکات فوق بیانگر چهره واقعی یک نطاق و گوینده ای خوب می باشد.

سوال: آیا درین عرصه شاگردانی را هم تحت تربیه گرفته اید؟

جواب: "در سال ۱۳۴۹ هجری شمسی دو دوره کورس های نطاقی را تدریس نموده ام، همچنان در سال های ۱۳۵۶، ۱۳۶۸، ۱۳۷۰ و ۱۳۸۲ شمسی سمت تدریس کورس های نطاقی و فن سخنرانی را در رادیو افغانستان به عهده داشتم، هر دوره کورس برای دو ماه می بود، مراجعه کنندگان زیاد می بودند. اما در یکی از استدیو های رادیو از طرف رییس رادیو، مدیر نطاقان رادیو و استاد کورس (خانم حبیبی) امتحان عملی گویندگی در مقابل میکرافون گرفته می شد، برای ارزیابی آواز، لهجه و سواد شخص. و در حدود ۳۰ نفر گوینده انتخاب می شد و کورس دایر می گردید. و من مسئولیت تدریس را داشتم.



یك دسته از شاگردان كورس نطاقی رادیو افغانستان با استاد كورس شافغلی مهربان نظردی

تعداد از شاگردان کورس نطاقی و کارمندان رادیو افغانستان (در وسط شفیقه حبیبی و استاد کورس مهربان نظردی و تاجکی، شکریه رعد، جمیله انوری، فتاح روشنگر، اکرم عثمان، آقای خیبری و تعداد دیگری متاسفانه نام هایشان فراموشم شده) در صحن تعمیر رادیو افغانستان، سال 1343 هجری شمسی

درین سالیان برخورد و اضطراب ۱۳۷۵ که هر آن خطر تازه تهدید میکرد و ملت داشت به ناامیدی ها رو می‌آورد. روز نامه با خطوط محکم روشنفکری، سیاسی و اجتماعی بنام "دریخ" همه روزه در محافل ادبی و سیاسی کابل نقل روز و مضامین آن مورد بحث و گفتگو بود، و خانم حبیبی به حیث گوینده پشستاز و مسئول زنان رادیو - تلویزیون و افغانفلم، همچون زن صدیق افغان با دیانت و روشنگر ثابت بر موضع فکری خویش در جواب سوال خبرنگار آن روزنامه. زن چه نقشی در جامعه امروزی دارد؟ اظهار داشت: "جامعه امروزی به زنان وطن‌دوست، آگاه و هدفمند برای باز سازی کشور ضرورت دارد. نباید کوچک دید، امروز نیمی از پیکر جامعه را زنان تشکیل می دهند و زن مستقیماً در سازندگی جامعه سهم دارد. چه خوبست که زنان این نقش را با فرهنگ غنامند افغانی توأم سازند. سوال: چرا زنان افغان منتظر اند که مردان از حقوق آنها صحبت کنند؟ بجواب سوال شما باید بگویم در کنفرانسی که از طرف انجمن خواهران رادیو تلویزیون تدویر یافته بود، من گفتم در کشور ما تصمیم گیرندگان حقوق زنان اکثراً مردان بوده اند، ما از برادرانیکه از حقوق ما دفاع کرده اند سپاسگزاریم ولی علت اصلی این امر بی اطلاعی اکثر زنان از قوانین شرعی و مدنی و کمبود مطالعه و کسب دانش است.... سوال: آیا زن می تواند نقشی در سیاست جامعه خود داشته باشد؟ جواب: "چرا نه، تاریخ و تحولات اجتماعی نشان داده که وقتی سخن از تحول متوازن جامعه مخصوصاً در دوره های بعد از جنگ ها بمیان آمده برای پی ریزی جامعه فردا نیمه آن متشکل از زنان بوده.

سوال: زن افغان چرا احساس حقارت می کند؟

جواب: "یکی از آگاهان افغان می گفت زن افغان به مراتب خواسته است که زن رییس باشد تا خودش رییس اداره باشد. این احساس کهنتری به نظر من ناشی از سرکوب شدن زن است که با شلاق های تعصب، تبعیض و خشونت همواره کوبیده شده است. سوال: ارزش های جامعه ما چقدر به زن حق میدهد که در فعالیت های اجتماعی سهم بگیرند، آیا می شود این ارزش ها را نادیده گرفت؟ جواب: "عدالت خداوندی، شریعت اسلامی، وجدان انسانی و منشور حقوق بشر، اعاده حقوق بشری و طبیعی زنان، این کتله عظیم بشریت را بطور جدی در نظر قرار داده اند، اما متأسفانه بعضی از ارزش های موهوم و ر سوم کهن، دست و پا گیر زنان است که در مورد آنان محدودیت ها و تبعیض ایجاد کرده که عمیقاً مایه تأسف است.

دریغ
صفحه نوم

جامعه امروز ما به زنان با دیانت با تقوا، وطن دوست، آگاه و هدفمند ضرورت دارد

مصاحبه با شفیقه حبیبی رئیس انجمن رادیو تلویزیون افغان

تحولات اجتماعی، نشان میدهد که وقتی سخن از تحول متوازن جامعه مخصوصاً در دوره های بعد از جنگ ها میمان آمده برای پی ریزی جامعه، فردا نیمه آن متشکل از زنان است.

سوال: زن افغان چرا احساس حقارت میکند؟

جواب: کسی میگفت: زن افغان به مراتب خواسته است که زن رئیس باشد تا اینکه خودش رئیس اداره باشد. و این احساس خود کمتر بینی، ناشی از سرکوب شدن زن است که با شلاقهای تعصب، تبعیض همواره کوبیده شده اند.

سوال: ارزش های جامعه ما چقدر به زن حق میدهد که در فعالیت های اجتماعی سهم بگیرند آیا میشود این ارزش ها را نادیده گرفت؟

جواب: عدالت خداوندی، شریعت اسلامی، وجدان انسانی و منشور حقوق بشر اعاده حقوق انسانی و طبیعی زنان، این کتله عظیم بشریت را جدا

کسرا شکر: رحمت الله بیگانه

سوال: زن چه نقشی در جامعه امروزی دارد؟

جواب: جامعه امروز افغانستان به زنان با دیانت، با تقوا، ایشارگر، وطن دوست، آگاه، هدفمند برای باز سازی کشور ضرورت دارد، نباید کوچک دید، امروز نیکی از پیکر جامعه را زنان تشکیل میدهند و زن مستقیماً در سازنده گی جامعه سهم دارد، چه خویست که زنان این نقش سازنده را با فرهنگ غنامند افغانی توأم سازند.

سوال: به نظر شما زنان در کجای جامعه باشند؟

جواب: سوال شما عنوان کنفرانسی بود که از طرف انجمن خواهران در رادیو تلویزیون راه اندازی شده بود، که انعکاس خوبی هم داشت. من به این اعتقادم که زن افغان نباید از فعالیت های اجتماعی،

کشور ما تصمیم گیرنده گان و پیشتازان نهضت زنان اکثراً مردان بوده اند. ما از برادرینکه از حقوق ما دفاع کرده اند سپاسگذاریم. ولی علت اساسی این امر بی اطلاعی اکثر زنان از قوانین شرعی و مدنی و کمبود مطالعه



مصاحبه شفیقه حبیبی با نشریه دریغ

قریب سه ماه قبل از سقوط پایتخت کشور، نشریهٔ جمعیت اسلامی افغانستان بنام هفته نامهٔ شهر، بتاريخ 18 جولای 1996 میلادی برابر با ۱۳۷۵/۴/۲۸ هجری شمسی، صفحهٔ اخیرش را قریب همه وقف گویندهٔ ممتاز می نماید و با نشر آخرین فوتوی آن روزگار، شفیقه حبیبی مقابل میکرفون، تحت عنوان کم نظیر (الماس نور) چه زیبا و پر محتوا نوشته که مطالب آنرا بایستی همهٔ آنانی که نطایق و گویندگی را رشته و مسلک خود انتخاب می کنند بدقت و امعان نظر بخوانند.

"زمانیکه آواز شفیقه حبیبی را می شنوی، چنانست که گویی دریایی از نور در رگهای وجودت جاری میگردد، صدایش آنچنان پر جذبه، نواز شگر و لطیف است که وقتی به آن گوش فرا میدهی، تنهایی در وجودت میشکند. در صدایش وسعت رویش و پایش نهفته است.... انسان می خواهد او شفیقه حبیبی فقط بگوید و ما سرا پا گوش باشیم.

صفحه هشتم

شهر

۱۳۷۵/۴/۲۸ هـ ش

خدیجه نیلی

شفیقه حبیبی نطایق را دیوتولیزون

الماس نور

استعداد نظری، کسب دانش و تربیه مسلکی یقیناً نطایق ورزیده بار می آورد

را در سامی نهی، گوینده باید بداند که آوست که دماغ می پرورد تعلیم میدهد و تربیه میکند. خبر میدهد و مطلع می سازد. بدون او و آواز او گویا دیگران از حرکت بازمانده و ماحول در خاموشی سوال پر انگیزی فرو رفته است. او گوینده - محرری است که در همه جا با شنونده و پندیده خواست.

و فلسفه اناسری دقت است. شنونده و پندیده در آوازیهای مانوس را در می یابد. ندای آشنای را میشنود که بر آن اعتماد دارد. لذا باید اناسر با شنونده و پندیده ارتباط ذهنی و عاطفی برقرار کند. برای کسب ارتباط عاطفی ناخودمکنی باید پندیده مستقیماً صحبت کند یعنی مطلب را از حفظ بگوید. و برای برقرار ساختن ارتباط ذهنی با شنونده باید مطالب را بدون غلطی با آواز خوش، آرام و دوستانه ادا نماید که این امر در خواست اختیار، تفسیرها - اعلامیه ها - ابلاغیه ها متفاوت است. هجسرم مطالب را باید با آواز متناسب با عقیده، فصیح و با سلاطت نثر است. کسب به این صورت مسایلی چون سبب تصویرسازی دانش نطایق، فصاحت در گویندگی، آواز سربوب، دندان ها و لب های مناسب که این همه و دیعه خداوندست تسلط بر زبانی که در آن گوینده کی صورت می گیرد و نسیم یکی دوسان که در ادبیات ما رواج است. آگاهی به هر باتات سیاسی اجتماعی کشور و جهان، فهم زحمات شنونده و درک هدف پروگرام نسیم هست که فراتر میگردد. و دانش، آروش و میسر و شنیدن کلمات و طرز به خصوصی ادا و لهجه پویستن آن که نمایندگی از قدرت بر هنر گویندگی میکند این ها همه از خصوصیت های نطایقان و وزیده و معیار های اساسی برای گوینده کی است. وی در پاسخ به سوالات دیگری چنین اشاره نمود:

نطایق که خبر، مضمون شعر حماسی، غزل، قصیده و تفسیر سیاسی و با انواع مختلف آفریده های هنری و ادبی سخن را با یک آواز و یک ریتم می خواند بر شنونده آواز و یک ریتم می خواند بر شنونده و در بی موارد بی تاثیر میباشد.

است نایل آمد من به تر بیه نطایقان معشقد هنر و این وصفه را به از طریق کورس های نطایق به عهده دانسته ام استعداد نظری با کسب دانش و تربیه مسلکی یقیناً نطایق و وزیده بار می آورد. تجربه را علم میتوان شمره. به شرط آنکه آگاهانه باشد در غیر آن روح از بیهوده گی است. زنده گی هنری من وقت گویندگی و نطایق بوده است که اگر اراده خفایت چنین باشد ادامه خواهد یافت.

و همچنان باید گفت که من طی چندین شان نطایق مقام و له خود را حفظ نموده ام و هم تعدادی از جوایز اول، تقدیر نامه و نشانهای بر افتخار گویندگی را نصیب کرده ام. اما ندای سروده و تشویق آنها برای عیشیه سایه جان بخش بوده است.

خبر کاهی باعث ازجار او میگردد. خواست غزل با صراعات نازک خیالی های آن بادیگامی پارچه شعر حماسی و با قراتت متن از شاهانه، تفاوت های دارد که تنها با تسلط گویندته بر هنر نطایق و حفظ ضراحت های آواز می توان به هدف مطلوب کهنه عیارت از بیجان احساس شاعر و ناظر بر شنونده

زمانیکه آوازش را میشنوی چنانست که گویی در پای از نور در رگهای وجود جاری میگردد. صدایش آنچنان پر جنبه نواز شگر و لطیف است که وقتی به آن گوش فرامی دهی، تنهایی در وجودت میشکند. زیرا در صدایش وسعت رویش و پایش نهفته است. شفیقه حبیبی « از زمره نطایقانی است که میبایست گفت در بخش زنها هم مانند او زیاد نازیم و اگر هم است اندک و انگشت شمار. جهت تهیه مصاحبه به سراغش میرویم وی را در کانون فرهنگی انجمن خواهران رادیو تلویزیون و افغانستان که باست آرا به عهده دارد ملاقات نمودم. با صدای گسرا و پرتاثرش که انسان می خواهد که او فقط بگوید و ما فقط سراپا گوش باشیم به سوالات ما چنین پاسخ گفت:

در فن نطایق باخطابت سابقه طولانی دارم و هم نمیشود که بدون سابقه داشتن در زمینه های مختلف این هنر عسالی نامی از نطایق با گویندگی واقعی گرفت. بدین اساس نخستین تمرینات من از صوف مکتب آغاز می یابد. آن زمان در

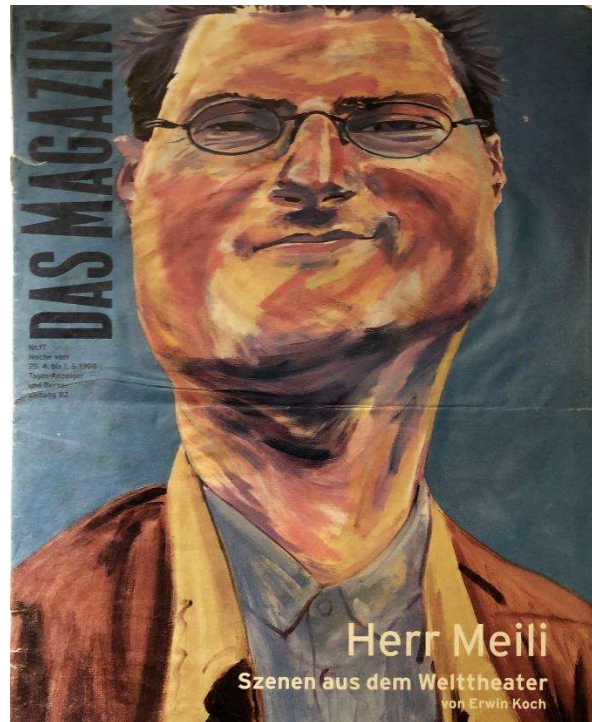
مصاحبه شفیقه حبیبی با نشریه شهر

جهت تهیه مصاحبه به سراغش می‌روم، وی را در کانون فرهنگی انجمن خواهران رادیو تلویزیون و افغان فلم که ریاست آنرا به عهده دارد ملاقات نمودم، با صدای گیرا و پر تأثیرش که انسان می‌خواهد او شفیقه حبیبی فقط بگوید و ما سرا پا گوش باشیم، او به یکی از سوالات ما چنین پاسخ می‌دهد: "خطابت و نطایق از زمانه‌های دور تا امروز توده‌ها را احساس بخشیده، بخود کشیده، و به شور آورده، و امروز وقتی از رادیو صدا بلند می‌کند و یا از تلویزیون با بیننده مطلبی را در میان می‌نهد. گوینده باید بداند که اوست که دماغ می‌پرورد، تعلیم می‌دهد و تربیه می‌کند. خبر می‌دهد و مطلع می‌سازد. بدون او و آواز او گویا دیگر زمان از حرکت باز مانده و ماحول در خاموشی سوال بر انگیز فرو رفته است. او گوینده، محرمی است که در همه جا با بیننده و شنونده خود است.

فصل پنجم

دوران طالبان

سجیه و شخصیت، کارکرد و کردار دخت اصیل افغان "ام‌البلاغه" و مبارزات خستگی ناپذیرش در جهت احقاق حقوق زنان و با تحمل آنهمه مشکلات و موانع در زادگاه و وطنش، منابع بین‌المللی، آژانس‌های خبررسانی، مطبوعات و رادیو تلویزیون بشمول اینترنت را که بعدها صفحه‌مختص به او در آن جا میگیرد سخت تحت تاثیر قرار داده و تا جاییکه نویسندگان و خبرنگاران بین‌المللی را به کابل راه بود، مصاحبه‌های متعددی با او اجرا می‌کنند و عکس‌های فراوانی از او بر میدارند که در مطبوعات جهان غرب در مجموع انعکاس وسیع می‌یابد تا جاییکه مطبوعات را در آن سالیان دشواریها و بعداً قدغن ورود و پخش نشرات بیرونی را در داخل کشور امکانات بود.



da ich glaube, dass mich niemand höre. Alle starren mich an, es war beschämend. Mein Sohn fragte mich, ob ich schon kotete, wo ich hintere. Als ich zu schauen versuchte, sah ich nicht einmal die eigenen Fäzse.»

Auf Geheiß der Taliban mussten Nazrin und ihre Kolleginnen ihre Arbeit aufgeben und daheim bleiben. Erst glaubten sie, es handle sich um eine vorübergehende Massnahme. Ihre Schülerinnen und Schüler standen am Ende des Semesters, und so schickten sie Fragen ein für die Abschlussprüfung. Nazrin bereitete weitere Unterrichtsstunden vor.

«Dann wurde mein Leben schrecklich», sagt Nazrin. «Mein Lohn wurde gemindert. Nach einer Woche musste ich mein Heim verlassen. Es gehörte der Schule.» Sie nahm Bushirt und ihre Habseligkeiten und zog zu ihrem Vater, der nur ein winziges freies Zimmer hatte. Schon bald hatte sie kein Geld mehr, da die Gesetze der Taliban ihr verboten, draussen zu arbeiten. «Ich musste alles im Bassar und in Secondhandläden verkaufen, um Essen kaufen zu können. Sogar meine Kleider habe ich verkauft.»

Nun haust Nazrin mit ihrem Sohn in dem acht Quadratmeter grossen Kämmerchen. Sie weiss, dass sie ihrer Familie zur Last fällt. Ihr Gesicht muss einmal schön gewesen sein, jetzt ist es vor Hunger und Verwundung ausgelagert und angespannt. «Was kann ich tun, um zu Geld zu kommen? Wenn ich schon nicht unterrichten darf, könnte ich wenigstens putzen oder Kleider waschen, doch weit und breit gibt es keine solche Arbeit. Und auf der Strasse zu betteln, bringe ich nicht über mich, ich bin schliesslich Lehrerin, eine gebildete Frau.»

Dann bricht der Zorn durch ihre Tränen. «Die Taliban sind unermesslich. Sie haben kein Herz, keine Gefühle. Sie sind wie wilde Tiere. Sie sind Analphabeten.» Sie spuckt das letzte Wort heraus wie eine Verwünschung.

Die Taliban (das Wort bedeutet paradoxerweise «Geliebte» oder «Studenten») kamen schwiegend in der Nacht des 27. Septembers 1996. Ihre Gegner hatten sich in die Högel geflüchtet. Die Einwohner von Kabul ahnten nichts von der Besetzung, bis sie am nächsten Morgen ihre Radios einschalteten. Aus Radio Afghanistan war Radio Sharia geworden, das einen neuen islamischen Staat proklamierte. Den Frauen wurde sogleich befohlen, zu Hause zu bleiben. Ihr Platz sei bei der Familie.

Seither patrouillieren Angehörige der religiösen Polizei, der «Abteilung zur Förderung der Tugend und zur Verhinderung des Lasters», mit Kalaschnikows und Stahlkabeln durch die Strassen Kabuls. Sie überwachen das Leben der Menschen ihres islamischen Staats bis ins kleinste Detail. Bildung ist den Frauen untersagt, Schulen und Universitäten sind für sie gesperrt. Sie dürfen ausserhalb ihres Heims nicht arbeiten mit Ausnahme der unentbehrlichen Stellen in Frauenabteilungen der Krankenhäuser. Mit anderen Männern als ihren Familienangehörigen zu sprechen ist ihnen ebenso verboten wie die Teilnahme an gesellschaftlichen Anlässen – ausser an Hochzeiten und Begräbnissen, wo die Geschlechter aber strikt getrennt werden. Westliche Kleider und Schminkzeug sind nicht erlaubt; Berichten zufolge wurden Frauen, bei denen man Lippenstift

entdeckte, hunte, die Lippen versümmelt, Öffentliche Toiletten und Bilder für Frauen sind geschlossen worden.

Männern ist im islamischen Staat westliche Kleidung ebenfalls verboten. Sie dürfen sich nicht rasieren, müssen lange Bärte tragen. Bei Stichproben reiben die Strennpolizisten den Bart von Verdächtigen mit einem Tuch. Bleiben darin abgeschnittene Haare zurück, gibt's auf der Stelle eine Prügelstrafe. Umgekehrt müssen die Männer ihre Kopfhaare so weit zurückschneiden, dass sie beim Betreten des Teppichs nicht durch Berührungen entweihten.

Diaconisch bestrafen die Taliban Homosexualität und den Besuch von Prostituierten. Im März meldete Radio Sharia, dass zwei Männer im Alter von 22 und 18 Jahren, die Analverkehr gestanden hatten, bei lebendigem Leib begraben wurden. Ein Bulldozer hatte eine Mauer über die beiden geschoben.

Die düsteren Folgen der Taliban-Politik sind auf einer Fahrt durch das Zentrum von Kabul nicht zu übersehen. Wo einst junge Männer in Jeans und junge Frauen in Minirockchen das Nachfröhen in der westlich orientierten Stadt genossen, huschen heute Frauen in Burkas durch die von Ruinen gestauten Strassen. Eine postapokalyptische Szenerie. Viele Frauen sind Kriegswitwen, die wegen des Arbeitsverbots in wachsender Zahl gezwungen sind, zu betteln. Andere werden psychisch krank, weil sie daheim gefangen sind. Laut Angaben eines Arztes in Kabul sind westlicher medizinischer Hilfsorganisationen haben Selbstmorde bei Frauen epidemische Ausmasse angenommen. Fast die Hälfte der 1,2 Millionen Einwohner der afghanischen Hauptstadt ist auf die Unterstützung westlicher Hilfsorganisationen angewiesen.

Frauen zu fotografieren oder mit ihnen zu sprechen ist im Regime der Taliban ein Verbrechen. Bei unserem Besuch wurden wir vom Ausseministerium daran erinnert, dass nach islamischem Gesetz jegliches Fotografieren von Lebewesen verboten ist, und es wurde uns verboten, Afghanen bei sich zu Hause zu besuchen. Um sicherzugehen, dass wir diese Vorschriften einhielten, teilte man uns einen offiziellen Übersetzer und einen Fahrer zu. Wir mussten sie jeweils ablenken, und zu einem bestimmten Zeitpunkt zogen wir zwei andere, inoffizielle Übersetzer bei. Alle Frauen, die zitiert werden, wollten ihre Geschichte erzählen. Zu ihrem Schutz haben wir Namen und gewisse Details geändert.

In einem kleinen versteckten Zimmer steht ein vierjähriges Mädchen auf und liest aus ihrem Lehrbuch vor. Es ist so klein und aufgeregt, dass die Mitschülerinnen und Mitschüler lachen. Doch unbemerkt macht es weiter. Es wird in einer Untergrundschule unterrichtet, die den Taliban zum Trotz zu Hunderten in ungenutzten Zimmern, Salen oder Ruinen aufgebaut werden. Das ist eine kleine Rebellion, doch für die Mutter eine grosse Hoffnung.

Die Taliban wissen, dass es solche Schulen gibt. Sie wissen auch, dass entgegen ihrem Verbot Kraben und Mädchen gemeinsam unterrichtet werden. Es gibt sogar Taliban, die dort heimlich ihre Töchter unterrichten lassen. Die Lehrer hier sind stolz darauf, ihre Arbeit zu zeigen, gleichzeitig haben sie schreckliche Angst, dass Polizisten unsere Anwesenheit entdecken.

Die Kinder der Stadt sind schwer traumatisiert. Eine Studie des Kinderhilfswerks Unicef, die im August 1997 mit 300 Kindern

نشریه (Das Magazin)، مجله معروف سوئسی که بزبان آلمانی در کشور سوئیس به نشر می‌رسد. در شماره 98/5/1 مطابق ثور ۱۳۷۷ خویش بقلم Stephen Grey ستیفن گری خبرنگار هفته نامه معروف برتانوی بنام Sunday Times سندی تایمز، در دهلی و فوتو راپورتی (هاریت لوگان Harriet Logan) بصورت نتورک یا کار مشترک، بروی ۱۲ صفحه بزرگ، راجع به اوضاع افغانستان تحت رژیم طالبان با شرح مبسوطی از زندگانی دشوار شفیقه حبیبی و فامیلش در کابل به چاپ رسانیده بود که مورد توجه بخصوص خوانندگان و منتقدین در جهان قرار می‌گیرد. تخریبات و نا بسامانی های کشور بویژه کابل، روزگار شفیقه حبیبی و فامیلش با عکس های متعدد در قوت عمل و ابتکار در محدودیت های فراگیر جلو نطقه برگزیده، خواهان آزادی های اساسی زنان در حفظ رسوم و عنعنات پسندیده افغانی، درین راپورتاژ توضیح و ترسیم میگردد.



سرخط روزنامه تورنتو، تحت عنوان (عقب پرده ها)، که با اسم شفیقه حبیبی آغاز میشود

روزنامهٔ پر تیراژ کشور کانادا The Toronto Star Context که تحلیل، تبصره، راپورهای جهانی و علوم را سر لوحهٔ خود نموده است در صفحه اول خود عکس بزرگی از زنان چادری پوش چاپ می‌کند و صفحه دیگرش را با عکس بزرگ و زیبای شفیقه حبیبی مزین ساخته است. این صفحهٔ خود را در 15 دی‌سامبر 1996 مطابق ۱۳۳۵ قوس، وقف تشریح اعمال طالبان حاکم بر افغانستان می‌دارد. مضمون زیر عنوان (عقب پرده ها) به قلم پاول واتسون PAUL WATSON راپورتر جهانی دفتر آسیایی روزنامه چنین آغاز می‌کند "طی شانزده سال جنگ، آنگاه که کمتر کسی می‌توانست آواز خود را در صفیر گلوله‌ها و غرش توپ‌ها بلند کند شفیقه حبیبی صدای مصفا و با ثبات افغانستان چون گویندهٔ زن مورد احترام بخصوص بوده است، باری سالی قبل او بروی پستی یکی از مجله‌های ملی کشورش همچو الیزابت تایلر جوان و شاداب بنظر می‌رسد. پاول واتسون کانادایی راپورتاژ مفصل خود را بعبارات آتی خاتمه می‌دهد: اگر خانم حبیبی حق بجانب باشد پس طالبان زمانی احتمالاً خواهند دانست که بدون مشارکت زنان افغانستان موارد نظر خود را نمیتوانند جنبه عملی بدهند.

F4 THE TORONTO STAR Sunday, December 15, 1996

AFGHANISTAN

Women trapped behind veils

Continued from F1

very difficult to walk in them.

She already had one in the closet when the Taliban seized power. But she only wore it when visiting villages, out of deference to rural traditions, and sometimes when shopping, to avoid her fans.

Sitting alone in her living room with two men, a reporter and his Afghan interpreter, Habibi was committing a crime.

It was also illegal for her to be photographed, because the Taliban consider picture-taking idolatry and a disgustingly vain insult to Allah.

Many of the men who lead the Taliban and fight for them refuse to be photographed, videotaped or to even have their voices recorded.

Habibi's offence was all the worse because her face was fully exposed and she covered her head with nothing more than an elegant silk scarf.

It is illegal for women to meet with men unless they are escorted and watched by a close male relative. Taliban soldiers are on constant watch, waiting to beat any offenders.

A woman caught alone with a man outside of her home, especially if her body and face are not enshrouded, is easily accused of being a prostitute or an adulterer.

The Taliban's penalty is death by stoning.

Habibi decided to use the phone to make her appeal to the new government, an achievement in itself in Kabul where few homes have electricity. Looters sold most of the wires in Pakistan.

'When women don't wear the *chadarri*, the Taliban see bad women and will have sexual relations'

— SHAFIQUA HABIBI

Habibi says she spoke on behalf of "all suffering Afghan women" to the lone Taliban official she could reach, the head of broadcasting. He only has a radio station to run because the Taliban have also banned television.

Habibi says he promised her the Taliban will be less harsh on women once they have brought security to all of Afghanistan.



IN AFGHANISTAN
PAUL WATSON



UNDER COVER: A woman in Kabul peers from behind her veil. Few dare show their face.

all the banks more than a week ago.

The children haven't eaten meat in eight months or fruit in three months. The last time they had any vegetables was two months ago, said Abumoslim Mokhtar, director of administration.

They survive on bread and a thin gruel of water and boiled rice, and there is only enough rice and flour in storage to last a month, Mokhtar said.

"The condition of the children is worse than before," Gol Chera, a 50-year-old cleaning woman, said as a little girl held an infant half her size, wrapped tightly in a thick blanket.

"But they have to be happy. They thank God for what they are given because of the present conditions we are in."

Five days ago, the new government put a mullah in charge of the orphanage — a young soldier who sits cross-legged on his swivel chair and wears a green army coat against the cold.

The mullah, Abdul Rahim Rahmat, says he has appealed to the High Council of Taliban leaders for permission to call back more female workers. He is still waiting for an answer.

"It's difficult for me," he said, as several young fighters watched from armchairs, with AK-47s propped against their knees.

تصویر بالا جریان مصاحبه روزنامه تورنتوی کانادا با خانم حبیبی را نشان میدهد

روزنامه (لوموند) اخبار معتبر پاریس، در شماره مورخ 12-13 فبروری 1999، مطابق دلو ۱۳۷۸ شمسی بتأسی از مصاحبه که با زوج شهیر وطن انجام داده می نویسد: "امروز دیگر همه خسته و در مانده اند، ملت بیشتر زمان شاه را بیاد می آورد: دوره صلح، ملت سمبول را دوست میدارد که شاه معرف آن است." خبر نگار لوموند تبصره کنان از خود می پرسد: "آیا مملکتی را می توان تنها با سمبول ها اداره کرد؟"

روزنامه معروف و تاریخی دیگر فرانسوی (لو فیگارو) تحت لوحه "کابل زنجیر های صلح توسط خبر نگار معروف خود (پاتریک دو سنت ایگزوپری) از فامیل نویسنده نامدار و پیلوت هوایی فرانسوی و مولف اثر سمبولیک و معروف (شهزاده کوچک) و دیگر آثار برجسته ادبی (آنتوان دو سنت اگزوپیری 1900-1944 میلادی) از کابل در م صاحبۀ مینویسد: "دیری نمیگذرد که او (شفیقه حبیبی) در پرده تلویزیون کابل ظاهر می شود، اما امروز دیگر هیچ و تونل تاریک، تلویزیون دیگر وجود ندارد،" شفیقه حبیبی در طول ده سال پی هم روی پرده کوچک تلویزیون دیده می شد، که امروز در تنگنای سیاهی فرورفته است، اما او ابراز پشیمانی نمیکند. "مردم از جنگ و راکت خسته شدند، امروز ما در کابل در امنیت زندگی داریم. در زمان مجاهدین، جنگها، راه گیری ها و اضافه روی ها در برابر ملکی ها بعمل می آمد. امروز طور دیگریست"

"چون شفیقه را می شنوی گویا او امنیت را بر آزادی ترجیح می دهد و یا ظاهراً چنین می گوید اما حرکاتش با سخنانش در تضاد است زیرا نمی تواند از عرضه مجله های سابقه جلوگیری کند، مجلاتی که شاهد گذشته افتخار آفرینش می باشند. با اشاره به تصویر خاکستری رنگی می گوید: (این جا در دعوت چاشتی با شاغلی پومپیدو رییس جمهور فرانسه بودیم... این جای دیگر من با شوهرم می باشم). شفیقه زن شگفته و شاد با خطوط نفیس چهره می گوید: (این جا م صاحبۀ داشتم.... این جای دیگر باز هم صحبتی....) در توالی خاطره های گذشته، نگاهش تیره می شود. (درست است که دیگر اضافه روی ها نیست.... این زمان گذشت و همه زن ها باید خانه باشند.

آیا این طبیعی است ؟

- من نمیدانم، من تمام روز در منزل، مطالعه میکنم، آشپزی می کنم، عملاً هیچ بیرون نمی روم. من قبل ازین چادری بسر ننموده بودم.

-فقدان زندگی قبلی تانرا احساس نمی کنید؟

- زمستان است و سرما، برون چه خواهم کرد؟... مرا اندوه بدل است، اما میدانم که سالیان قبل بازگشت ندارند و از گذشته چیز دیگر نمانده است، دیگر مکاتب نیست، موزیم ها، کتاب فروشی ها و منورین جا خالی گذاشته اند و من انتخابی اندر جلو ندارم، من مجبورم این جا بمانم. این وطن من است. نمیدانم آینده چه خواهد شد.



روزنامه (لوفیگارو) تحت لوحه "کابل، زنجیرهای صلح"

و "پاتریک دو سنت اگزوپیری" تحت عنوان (بین خوف و رجا) می افزاید: "و مذاکره ادامه میابد، با شفیقه که بازهم بین شک و امید، بین ترس و آرزو در جولان است.... در قفس زینه های عمارت، همسایگان "بیگانگان" را دیدند که بمنزل او داخل می شوند. او اینرا میداند و هم عواقب احتمالی این "ادخال بدون حق و صلاحیت" را، یک تحقیقات، یک جزای توقیفی و تهدید است. لیکن در عین حال چسان می توان مقاومت کرد؟ درین حالت انزوا و تنهایی، هر ویزیت و ملاقات بدبختانه

خلاف شرعیت است. و باز شوهرش داکتر محمود حبیبی شخص عادی نیست او منصوب بیکی از فامیل های بزرگ کشور و... در همه رژیم ها جا و مقام ارجمند داشته است.

با این همه که گفته شد شفیقه حبیبی میدان نسبی برای ما بود و حرکت خود را می یابد، مثلاً او چانس دارد تا هنوز هم معاش خود را دریافت بدارد. برای او میسر است تا در تلفن نه مقابل، با مسئولین طالبان حرف بزند. موصوفه گفت آنها با ما وعده هایی نموده اند. آنها گفته اند که فعلاً خواهان برقراری امنیت سراسری می باشند بعداً ممنوعیت ها را سبک خواهند ساخت، بهر حال اولتر از همه صلح بکار است.

- شما بآن باور دارید؟

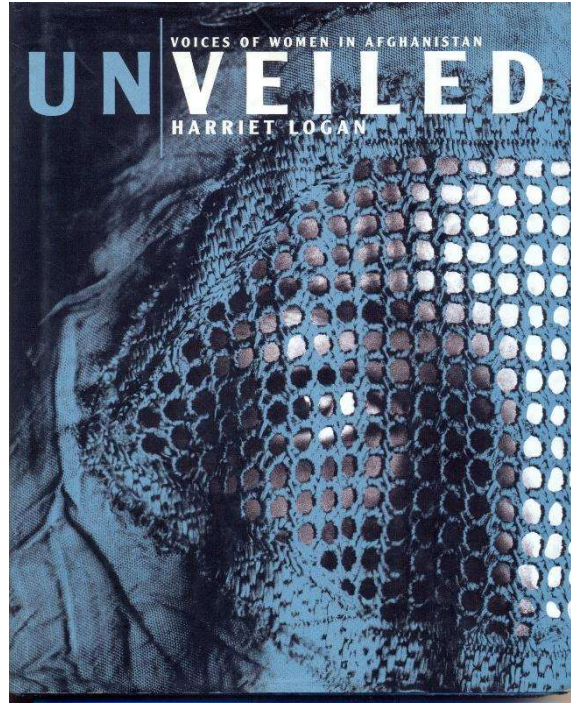
- شما بگویید من چه می توانم بکنم و چه باید کرد مگر آنکه به این وعده ها باور کنم.

ژورنالیست ورزیده (تیری گیری) در مقاله منتشره ماه جولای 1999 میلادی مطابق ۱۳۷۸ بر مجله (ریدر دایجست) که به تیراژ بیش از ده میلیون شماره در هر ماه به چاپ می رسد تحت عنوان "افغانستان بسوی تاریکی" مضمون مفصلی دارد که آقای عبدالحمید مبارز، نویسنده و تحلیل گر جریانات سیاسی کشور طی چند دهه اخیر در اثر خود بنام زن در افغانستان و جهان در سال 2002 میلادی، صفحات ۳۰۲-۳۰۳ چنین انتقال میدارد:

"در دیگر کشور ها جرایم قتل، نقل و انتقال مواد مخدر و دزدی بشکل مخفی صورت می گیرد، یعنی مرتکب میکوشد کسی مخصوصاً پولیس به اعمال او راه پیدا ننماید. مگر زنان رزمنده و فداکار با وجود مواجه شدن به عواقب وخیم، مکاتب مخفی را راه انداخته اند. اینگونه مبارزه در جهان دیده نشده و بذات خود منحصر بفرد می باشد. (تیری گیری) نویسنده مقالات در (ریدر دایجست Readers Digest) و (هیریت لوگن) فوتو راپورتر که به اخذ جوایز متعدد موفق شده است در سال 1997 میلادی مصادف با ۱۳۷۶ شمسی که کابل آمده بودند، می نویسد که: شفیقه حبیبی که حال ۵۴ سال دارد یکی از نطاقان معروف و موفق رادیو وتلوویزیون و دارای زندگی مرفه بود حال با شوهرش، در یک آپارتمان کهنه و نمناک زندگی می کند. هیأت ما طور مخفی از انظار طالبان، تو سط رهنمای خود به خانه اش داخل شدیم. چه زنان از نام ژورنالیستان

هراس می کنند و دور می شوند و آنهاييکه با ژورنالیست حرف می زنند در واقع خطر را قبول می کنند. زمانیکه با شفیقه حرف می زدم از ما خواست تا در باره طالبان چیز شدید ننویسیم. این زنی است که در کابل با مقامات طالبان تماس می گیرد تا تغییرات بیاورد او می گوید که شش سال است زندگی زنان محدود شده، با سقوط رژیم کمونستی که رژیم اسلامی آمد از روش اعتدال کار گرفت. مگر زنان را مجبور نمودند که خود را بپوشانند بدون اینکه چهره و چشم خود را پنهان نمایند. عکس را نشان داد که اخبار تلویزیون را در حالی ارایه می کرد که یک دستمال به سر داشت. مگر زندگی از سال 1996 میلادی مطابق ۱۳۷۵ شمسی کاملاً بتاریکی رفت. حال یک انجمن کوچک زنان در خانه وی جمع می شوند و کوشش می کنند که طلبان بحال زنان توجه نمایند چنانچه در اثر مساعی شان ۶ ماه معاش خواهران ژورنالیست رادیو تلویزیون و افغانفلم را که قطع کرده بودند دوباره تمدید شد، هفتاد فیصد از دوستان شفیقه فرار کرده اند، وی از خود سوال می کند که چرا وی دیگران را تعقیب نکرده؟ باز خودش جواب می دهد: چون معتقد بر مفکوره ام می باشم و می خواهم وسایلی بدست آرم که آینده بهتری را برای دختران به ارمغان آورم. چه اگر این حالت دوام کند و بماند، ما یک نسل کامل را از دست می دهیم. و ژورنالیست مجله ریدرز دایجست علاوه می کند:

"در یک اطاق کوچک مخفی یک دخترک پنج ساله کتاب قرأت خود را بدست داشت و این یکی از صدها مکتب مخفی است که بطور خصوصی تاسیس شده است. و این مکاتب در دهلیزها و خرابه ها دایر است، طالبان حال می دانند که چنین مکاتب وجود دارد، دختر و پسر در یک کورس یا صنف درس می خوانند، معلمات این صنوف افتخار میکردند که کار شان را نشان بدهند. مگر از سوی دیگر هراس داشتند."



تصاویر مجله *Unveiled* - فوٹو راپورٹر - ہاریت لوگن

I was a newsreader on television from the age of fifteen. My husband was educated in Paris and became a diplomat. He later worked as a government minister. We had a mansion, servants, and security guards, but when the fighting started with the Taliban, we had to abandon all of this. Of course, my husband lost his job, and now we live in the Microrayons.

These photo albums are like my obituary—they don't even seem real anymore. Look, here I am with [former president of France] Georges Pompidou.

When the Taliban came, three hundred other women at the television station and I were dismissed from our jobs. We have been at home ever since. When we were told to go home, we hoped it would not last. It felt like going back in time—as if the women were going into the shadows or being locked underground, and we did not know for how long. It is going to be a long, long struggle to restore our position.

It has been so difficult for the women of Afghanistan to progress. In 1959, we were told that we no longer had to wear burkhas, and it was at that time that I started to work at the

radio station in Kabul. It was a happy time: we were the first women to do such jobs. And ever since then, things continued going forward, until the time of the Taliban. I wonder if my generation went too far. In the 1970s, when the Communists took over and I went into television, our culture became almost completely European. At that time, everything here was westernized: the clothes, food, our whole lifestyle. They even showed dancing on television! But it was only here in Kabul. The rest of the country, the illiterate people, were living in another world. What's happening now is a reaction to that separation between the two worlds.

At the beginning of the mujahideen rule, I wore pants and a long coat and a scarf over my head. Men and women still worked together in the office.

A big question for me is, why don't I leave now? Most educated people in this country have gone. I think I stay because I am a religious woman. I also stay because if all of the educated women of Afghanistan left, what hope would there be for others? It is our responsibility to work with the Taliban to make things better.

I believe the destiny of everyone belongs to Allah.

My career is over now. I am not the person that I was: my brain is tired. The past is the past. Now, all I want to do is find a good way of providing some future for young girls. At the moment, they have no destiny. I have to campaign for them. If this situation goes on, we will lose a whole generation.

شفیقه حبیبی در خلال گفتگو و مصاحبه با هاریت لوگن از مجلهٔ *Unviold*، با یادآوری از زندگی و دوران گذشته، آلبوم عکس هایش را برای آنها به نمایش میگذارد. در یکی از این عکسها، به عکسی اشاره میکند که شفیقه حبیبی را با رئیس جمهور فرانسه آقای Georges Pompidou نشان میدهد.

آقای پوپیدو در آنوقت یعنی سال 1969 میلادی، صدر اعظم فرانسه بود که بعداً رئیس جمهور فرانسه انتخاب شد. و به حیث مهمان پادشاه وقت محمد ظاهر شاه، با هیأت همراه شان برای دیدن مسابقهٔ بزکشی وارد کندز شده بودند. درین موقع دوکتور محمود حبیبی والی کندز و مهماندار هیأت بودند.





در قطار اول، از سمت چپ، شخص سوم خانم شفیقه حبیبی، و در کنار ایشان نور احمد اعتمادی صدر اعظم وقت، سکرتر جورج پامپیدو، جورج پامپیدو صدر اعظم کشور فرانسه و خانم صدر اعظم افغانستان



صدر اعظم اعتمادی در حال پذیرایی از جورج پومپیدو در میدان هوایی قندز



جورج پامپیدو در حال مصاحفه با یکی از چاپ‌اندازان

در ادامهٔ مصاحبه شفیه حبیبی میگوید: شناختن دوستانم برایم نا ممکن است، حتی زمانیکه در سرویس در پهلویم نشسته میباشند. حالا که در سرویس ها می نشینم، کلینر تکت ها را جمع آوری میکند و بالای من فریاد میزند چون مرا نمی شناسد. اما قبلاً برویم لبخند میزدند و میگفتند: شفیه حبیبی در سرویس با ماست!...

خواهران

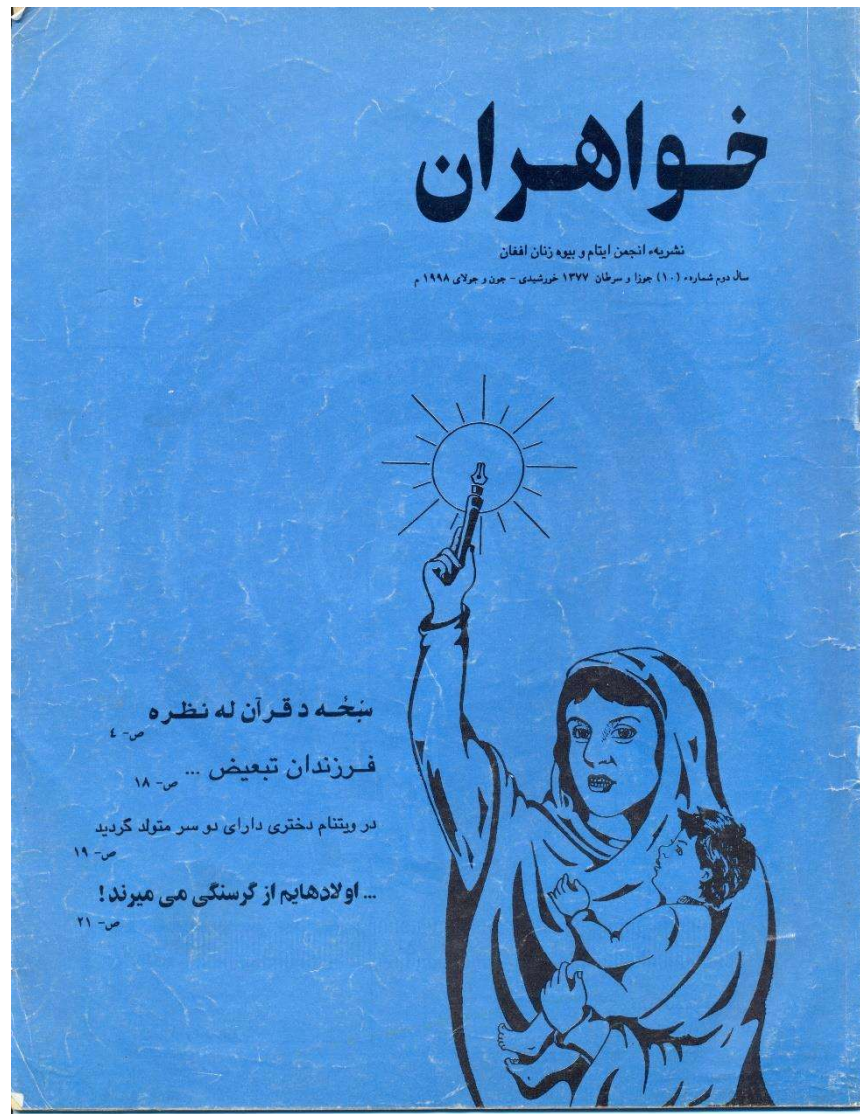
مجله " انجمن ایتم و بیوه زنان افغان " منتشره پشاور بنام خواهران در شماره جوزا - سرطان ۱۳۷۷ ، تحت عنوان: " مرواریدی از دریای نور " امنیت و اسارت... .

مصاحبه دلچسپی است توسط خانم مرضیه عدیل با خانم شفیقه حبیبی:

تاریخ رادیو و تلویزیون بالنده است که گویندگانی خوش صدا و محبوب داشته است، گویندگانی که به مقام ارجمند استادی رسیده اند، محبوب القلوب شنوندگان رادیو و بینندگان تلویزیون شده اند و به شهرت، نام نیک و پر افتخار دست یازیده اند. یکی از این گویندگان عزیزی که صدایش هنوز در گوش ها طنین دارد و نامش چه در میان همکاران هم مسلکش ، چه در میان کارمندان رادیو و تلویزیون و چه در میان سایر مردم عام جامعه نامیست قابل احترام و گرامی، محترم شفیقه حبیبی است، گوینده توانا و خوش صدا، او که سالهاست منحیث یک گوینده آگاه و محبوب در رادیو تلویزیون کشور عزیز ما خدمات ارجمند و شایسته، انجام داده، برنامه های مختلف را با گیرایی و جذابیت تام به خوانش گرفته است.

او را یکی از جراید کشور به (الماس نور) تشبیه مینماید و می نویسد: (همانست گویی دریایی از نور در رگهای وجودت جاری می نماید... و انسان می خواهد که او فقط بگوید و ما سرا پا گوش باشیم....)

او که بارها سمت استاد کورس نطقان تازه کار را عهده دار بود دلسوزانه و با احساس مسئولیت جوانان را به شیوه های گویندگی آشنا ساخته، تجارب و اندوخته های پر بارش را برای گویندگان تازه کار انتقال داده است، مسولانه کار نیک همکاران را ستوده و به تشویق گرفته است و در مورد اشتباهات با مهربانی و حسن نیت خاص همکاران را متوجه و ترغیب به اصلاح ان کرده است. او که در پهلوی سایر زنان با احساس، نجیب، وطن دوست و با شهامت افغان، سالها خدمات شایسته را با پاکی طینت و صفای دل به وطن و وطنداران ما انجام داده است، او که یار مهربان وطنش بوده، در کنار مردمش، رنجهای ملت ستم دیده اش را با همه وجودش احساس کرده ولی نخواسته از کشورش بدور باشد.



-محترم شفیقه حبیبی، از نظر شما وضعیت زنان در کابل چگونه است؟

سوال خوبیست، وقتی برای امضای حاضری در یک اطاقک تنگ و تاریک که صرف یک پنجره دارد و زمانی اتاق دربان بوده در تلویزیون جمع می شویم، باور کنید برای من، هم خوشی دیدار دوستان و همکاران دست می دهد و هم رنج دیدن چهره های رنگ پریده و آفتاب نخورده دخترکان جوان و کدرهای ورزیده، همه از من سوال می کنند استاد آخر ما چه خواهد شد و من جوابی ندارم جز اینکه بگویم خداوند بزرگ و مهربان است

برای خوانندگان مجله دلچسپ است بدانند که بعد از آمدن طالبان به کابل در میزان ۱۳۷۵، خواهران رادیو تلویزیون، شش ماه اخیر سال ۱۳۷۵ را معاش گرفتیم، البته بدون امتیازات و در

سال ۱۳۷۶ بکلی از بست‌ها منفک شدیم. بعد تصمیم گرفتیم و هر هفته تعدادی از خواهران انجمن با من یکجا به رادیو می‌رفتیم و بدهن دروازه دخولی روی سرک قیر با چادری می‌نشستیم و به اعتراضات خود ادامه می‌دادیم تا بالاخره موفق شدیم، رییس رادیو را ملاقات نمودیم، رییس رادیو که جوان در حدود ۳۵ ساله معلوم می‌شد فوراً به پشتو گفت چادری‌های تانرا بالا نکنید فقط مادر حبیبی رویش را بالا کند و گپ بزند. بعد از شنیدن سخنان من گفت: "من به امیر المومنین خواست شما را می‌رسانم" و بعد از مدتی دوباره امر تقرر ما صادر شد و معاشات خود را گرفتیم تا زمانیکه زنان کاملاً در اسارت و بی‌ارزشی از دیدگاه طالبان قرار گرفتند و با شلاق و سنگسار از زنان استقبال نمودند.

به ادامه سوال شما، زن در جامعه افغان اکثراً فاقد حقوق شرعی، مدنی و اجتماعی و حتی بعضاً فاقد حقوق طبیعی خود بوده که تا امروز این حالت به نحوی از انحاء ادامه دارد. بطور مثال محرومیت از حق میراث، حق انتخاب همسر، حق کار و دریافت مزد و غیره موارد. گاهی که زنان در ظاهر امر حقوق مدنی و سیاسی خود را احراز کرده‌اند هم متأسفانه عمیق و بنیادی نبوده. به نظر من اول باید زن افغان را با سواد ساخت تا به حقوق شرعی و مدنی خود آگاهی حاصل کند. و آنگاه خودش بتواند از آن دفاع کند.



شفیقه حبیبی نطاق و گوینده - مستند رادیو و تلویزیون

مرواریدی از دریای نور

امنیت و اسارت!

زن در جامعه افغانی اکثراً فاقد حقوق شرعی، مدنی، اجتماعی و حتی بعضاً حقوق طبیعی خود بوده که تا امروز این حالت به نحوی از انحاء ادامه دارد.

کفتگو از: م. ح

گوینده کی هنریست والا، زیرا سخن را نیکو ساختن، به سخن روح دادن، شنونده را به خود کشیدن و قانع ساختن شنونده راز است که گوینده با هنر میتواند بدان دست یابد. چه بسا دیده ایم که رسایی و زیبایی کار گوینده گان با هنر رادیو و تلویزیون چنان پسندیده شده که ملاک عمل در خوانش جوانان محصل یا متعلم کشور و حتی کشورهای همجوار و همزبان قرار گرفته، جوانان آگاهانه و نا آگاهانه شیوه خوانش و عمل گوینده را به تقلید گرفته و از کوچکترین موفقیتی درین عرصه به خود بالیده اند.

تاریخ رادیو و تلویزیون افغانستان بالنده است که گوینده گان خوش صدا و محبوب داشته است. گوینده گانی که در کار خویش به مقام ارجمند استادی رسیده اند، محبوب القلوب شنونده گان رادیو و بیننده گان تلویزیون شده اند و به شهرت، نام نیک و پر افتخار دست یازیده اند.

یکی ازین گوینده گان عزیزی که صدایش هنوز در گوشها طنین دارد و نامش چه در میان همکاران هم مسلکش، چه در میان سایر کارمندان رادیو و تلویزیون و چه در میان سایر مردم عام جامعه نامیست قابل احترام و گرامی محترم شفیقه حبیبی است گوینده توانمند و خوش صدا، او که سالهاست متحیث یک گوینده آگاه با سواد و محبوب در رادیو - تلویزیون کشور عزیز ما خدمات ارجمند و شایسته انجام داده، برنامه و پروگرام های مختلف را با گیرایی و جذابیت تام به خوانش گرفته است.

او را یکی از جراید به «الماس نور» تشبیه می نماید که همانست گویی دریایی از نور در رگهای وجود جاری می نماید ... و انسان میخواهد که او فقط بگوید و ما فقط سراپا گوش باشیم.» او که بارها سمت استاد کورس نطاقان تازه کار را عهده دار بود، دلسوزانه و با احساس مسئولیت جوانان را با شیوه های گوینده کی

آشنا ساخته، تجارب و اندوخته های پربارش را برای گوینده گان تازه کار انتقال داده است مسئولانه کار نیک همکاران را ستوده و به تشویق گرفته و در مورد اشتباهات (غلطی های کلمات خوانده شده) با مهربانی و حسن نیت خاص همکاران را متوجه و ترغیب به اصلاح آن کرده است. او که در پهلوی سایر زنان با احساس، نجیب، وطن دوست و با شهامت افغان سالها خدمات شایسته را با پاکی طنیت و صفای دل به وطن و وطنداران ما انجام داده است. او که یار مهربان وطنش بوده، در کنار مردمش، رنجهای ملت ستمدیده اش را با همه وجودش احساس کرده ولی نخواست از کشورش به دور باشد.

- محترمه شفیقه حبیبی احساس شما از اینکه از کار و وظیفه تان بدور هستید چگونه است؟

برای من که بیش از سی سال است در رادیو و تلویزیون نطاق پیش آهنگ بودم، مشکل خواهد بود که وظیفه ام را به نظری بنگرم که گویا این رسالت ارزشمند هنری ام مؤقتی بوده است. خطابت و نطاقی از زمانه های دور تا امروز توده ها را احساس بخشیده، بخود کشیده، و به شور آورده و امروز آوازی که از رادیو پخش می شود و از تلویزیون با بیننده مطلبی را در میان می نهد گوینده باید بداند که اوست که دماغ می پرورد، تعلیم می دهد و تریه می کند، خبر می دهد و مطلع می سازد که بدون او و آواز او گویا دیگر زمان از حرکت بازمانده و ماحول در خاموشی سوال پرانگیزی فرو رفته او گوینده محرمی است که در همه جا با شنونده و بیننده خود است و چه بسا که این محرمیت در آواز روح پرور زن بیشتر محسوس است و محظوظ تر چونکه زن هم مادر است و هم خواهر بهر حال برای خواننده گان مجله خواهران دلچسپ است بدانند که، خواهران رادیو تلویزیون شش ماه اخیر سال ۱۳۷۵ را معاش گرفتیم البته بدون

بقیه در صفحه (۲۶)

مرواریدی از دریای ...

امتیازات و در سال ۱۳۷۶ بکلی از بست ها منفك شدیم، تصمیم گرفتیم که هر هفته تعدادی خواهران به رادیو برویم و بدهن دروازه دخیلی بنشینیم، مدتی این کار ادامه داشت تا بالاخره به اعتراضات و عرایض ما توجه گردید در ماه میزان امر تقرر دوباره ما صادر شد و به این صورت با مبارزه مسالمت آمیز و دوامدار خود حقوق خود و دیگر زنان منفك شده در اکثر ادارات و موسسات را هم اعاده کردیم. در ماه جدی حاضری ما (داغ) شد و در ماه ثور امسال در قدم اول زنان بی بضاعت و مستحق معاش خود را گرفتند.

وقتی برای امضای حاضری در يك اتاقك تنگ و تاریك كه صرف يك پنجره دارد و روزگاری اتاق دربان بوده جمع می شویم، باور کنید كه برای من هم خوشی دیدار دوستان و همکاران دست می دهد و هم رنج دیدن چهره های رنگ پریده و آفتاب نخورده دخترکان جوان و کدرهای ورزیده، همه از من سوال می کنند. استاد آخر ما چه خواهد شد؟ و من جوابی ندارم جز اینکه بگویم خداند بزرگ و مهربان است.

س : از نظر شما وضعیت زنان در کابل چگونه است؟

ج : سوال عمده ایست زن در جامعه افغان اکثراً فاقد حقوق شرعی، مدنی، اجتماعی و حتا بعضاً حقوق طبیعی خود بوده كه تا امروز این حالت به نحوی از انحا ادامه دارد. بطور مثال : محرومیت از حق میراث، محرومیت از حق انتخاب همسر، نكاح، صغیره، محرومیت از حق كار و دریافت مزد و غیره موارد، گاهی كه زنان در ظاهر امر حقوق مدنی و سیاسی خود را احرار کرده اند هم متأسفانه عمیق و بنیادی نبوده و آنچه بنام آزادی به زن افغان داده اند هم وی را در يك خط افراط و تفریط سر در گم ساخته به نظر من اول باید زن را با سواد ساخت تا مطابق به اساسات دین مبین اسلام و شریعت محمدی به حقوق خود آگاه شود و آنگاه خودش بتواند از آن دفاع كند و ثانیاً زنان افغان در هر كجای دنیا كه هستند بدون تبعیض و تعصب تحت شعار اصالت و هویت

افغانی باید با هم متحد شوند. میتنگ ها، كنفرانس ها و گردهم آیی ها یکی از راه های آگاهی و بیداری نسل جوان و علاقمندی به میهن و پرابلمهای زنان میهن است خوشبختانه در برون از کشور این امکانات برای زنان افغان میسر می باشد تا از وضع اسفناك امروز زنان کابل كه محصول بیست سال جنگ است مانند بیوه گی یا یتیمی، مهاجرت، معلولی و معیوبی، فقر تكدی كه سایه شوم خود را بالای شهر کابل پهن کرده است با خبر شوند، علاقه بگیرند، كمك كنند و از فعالیت های مثبت خود تبلیغ نمایند.

بیاد دارم در یکی از روزها كه به رادیو وظیفه اجرا می كردیم چندین راکت فیر شد كه یکی هم به دفتر نطقان اصابت نمود. همه به زیرزمینی فرار كردیم، در دقائق آرامش بعد از آن یکی از خواهران ما در حالیکه متشنج بود فریاد می زد كه همین مصیبت راکت از سرما كم شود ما دیگر هیچ نمی خواهیم اگر همان وقت کسی به آن خواهر میگفت كه راکت گم می شود ولی در عوض تو و امثال تو دیگر در ادارات نخواهید بود و در اسارت قفس چادری و چاردیواری خانه محصور خواهید ماند آیا آن خواهر قبول میکرد؟ «امنیت و اسارت» می گویند انسان هیچ حالت بیاضی نیست.

س : در مورد آینده رادیو و تلویزیون چه نظر دارید؟

ج : رادیو و تلویزیون عمده ترین وسیله تعلیم و تربیه سمعی و بصری است مخصوصاً در کشورهای انكشاف نیافته، و اینرا همه میدانیم كه با تأسف کشور ما یکی از پس مانده ترین ساحات در روی كره زمین است. گاهی این سوال را مطرح می كنند كه آیا ما فعلاً به سیر كردن شكم مردم خود نیاز داریم یا به تلویزیون؟ به اكمال و تنظیم مكاتب و مدارس و شفاخانه ها ضرورت داریم یا به تلویزیون؟ به اعمار مجدد فابریكات و موسسات برای كاریابی مردم خود ضرورت داریم یا به تلویزیون و از همین قبیل ... آنچه واقعیت است كه در افغانستان

فرهنگ فلق

ساجده میلاد

ما درین سرگیچی
و درین بهت عجیب
خویش را گم کردیم
بادبانها مانرا
برد توفان عظیم

ای مسافر برگو
كه ازین دریاچه
تا صدفهای حقیقت
چقدر باید رفت

و ازین وهم
ازین محض جنون
تا به فرهنگ (علی)

و ازین تیره شب تنهایی
تا خدا
تا به فرهنگ فلق
چقدر فاصله است.

فعلاً بدون كوه های سریفلك كشیده و آب و هوای گوارا، زمین كشت شده با ماین ها و ملت فقیر و كوییده شده دیگر هیچ چیز باقی نمانده، ما چندین نسل تلفات خواهیم داشت، برای آینده نه نیروی دماغی داریم و نه نیروی جسمانی، پس در پهلوی این نا به سامانی ها اگر قلم و تربیه برای اطفال و نسل جوان قیمتی داشته باشد مسلم است كه وسایل سمعی و بصری درین تربیت و پرورش روحی و عقلاتی و ذهنی موازی با مكاتب و مدارس نقش انكار ناپذیر خود را دارد تا نسل آینده با داشته های علمی و تخنیکي در آبادانی کشور سهم مؤثر و آموزنده بگیرند و به این نقش ارزنده باید عقیده مند بود.

به روزهای 24-25-26 دسامبر 1995 مصادف با قوس ۱۳۷۴ بدون مبالغه بیش از ۱۰۰ راکت به کابل پرتاب شد و بقرار یک تحلیل و ارزیابی از سالیان بعد تسلیمی دولت به جناب مجددی یعنی از سال 1991 تا 1996 (۱۳۷۱-۱۳۷۵) منتشره روزنامه آزاد (اراده):

"منجر به تخریب و تاراج قطعی کابل و کشتار بی رحمانه قریب حدود ۶۵ هزار شهروندان کابل گردیده"

بدین قرار و در حالیکه این سالیان امیدهای بیکران مردمان ستم دیده پایتخت کشور، در رنج و عذاب روحی و جسمانی و بربادی مادی و معنوی آنها می گذرد، شفیقه حبیبی نطق و مبلغ نستوه که دیگر آوازه اش نه تنها کشورش بلکه ممالک فارسی زبان مجاور را نیز فرا گرفته است، همچون فعال حقوق زن برای کسب حقوق مشروع زنان، ساحة فعالیت خود را از رادیو تلویزیون و افغان فلم وسعت داده و با قبول هر نوع مخاطرات، به تأسیس موسسه زنانه افغانستان (AFA) Afghanistan Feminine Association، در سال ۱۳۷۸ هجری، مصادف با 1999 میلادی، اقدام میورزد.



تصویر از اولین بورد موسسه زنانه افغانستان

وبه این صورت مبارزه علمی و عملی دیگر آغاز می‌گردد. اما قابل یاد آوریست که قبل بر آن زمانیکه مراحل نخستین تأسیس موسسه پایان می‌رسد و تأیید مرکز انسجام فعالیت های انکشافی و انسانی ملل متحد را دوست محترم ما داکتر داوود الطاف که آنوقت در کابل بود و در ملل متحد کار میکرد برای خانم حبیبی می‌آورد، آنگاه که نوبت به قبول و منظوری مقام مربوطه طالبان میرسد، آنها عکس العمل منفی نشان میدهند، زنگهای خطر به صدا می‌آید و خود مقامات رادیو تلویزیون را که در رأس آن دیگر اندیشانی قرار داشت بشمول بعضی معتدلين رژيم حاکم، آگاه از منزلت معنوی و علمی خانواده تاریخی و نخبه حبیبی، مشوره تبعید می‌دهند - همانست که در ماه قوس ۱۳۷۸، نوامبر ۱۹۹۹ شفیقه حبیبی و همسرش کابل را به قصد پشاور ترک نموده و آنجا در قربت و گویا بزیر چانه مستبدین خود رای که حاکمیت را بتدریج به عمال اجنبی می‌سپردند، موقتاً جاگزین می‌شوند. اما دوره پر تعصب نوین سفرهای زمینی متعدد و مخفی شفیقه حبیبی بین پشاور و کابل پای پیاده ویا بالای اسپ از راه های بعضاً غیر قابل تصور برای یک زن با شهرت وهمچنان پیکره او آغاز شد تا موسسه خدمت بزنان و دختران محروم کابل را قوام بخشیده باشد. این دوران و آزمون های نو با اضمحلال سلطه ای طالبان به پایان رسید.



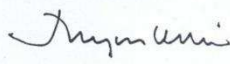
UNITED NATIONS

Office for the Co-ordinator of Humanitarian and Development Activities in Afghanistan

MEMORANDUM

To: Erick de Mul, UN Coordinator for Afghanistan (Isb)

Copy to: Meysoon Melek, Gender Adviser, UN Afghanistan (Isb)
Norah Niland, Adviser on Rights-based Programming

From: Jolyon Leslie, RCO Kabul 

Date: 8th June 1999

Re: Afghanistan Feminine Association

Please find attached a copy of the draft constitution of the AFA, an organization based in Kabul which has approached us for support.

Based on conversations in the past weeks with Mrs. Shafiqah Mehmood Habibi, the driving force behind AFA in Kabul, we felt that this might of interest. Given the network that Mrs Habibi has among educated women in Kabul, and her evident commitment to supporting the rights and aspirations of Afghan women from inside her country, I felt that AFA might represent a useful additional contact for the Office of the UN Coordinator. While AFA presently acts as a forum for discussions, debate and advocacy with the authorities, they also wish to provide practical support for Afghan women, in Kabul and elsewhere. In a context where there are already a plethora of organisations aiming to provide direct material support to Afghan women, it is my view that AFA might be most effective in the realms of advocacy and training activities.

We shall be working with AFA to develop a proposal for possible funding for such activities from UN or other sources. It would be helpful to know what other initiatives might be foreseen by the Office of the UN Coordinator in this regard, so that we can make best use of available resources.

Regards.

jolyon/mmmem86

تأیید مرکز انسجام فعالیت های انکشافی و انسانی ملل متحد از فعالیت موسسه AFA

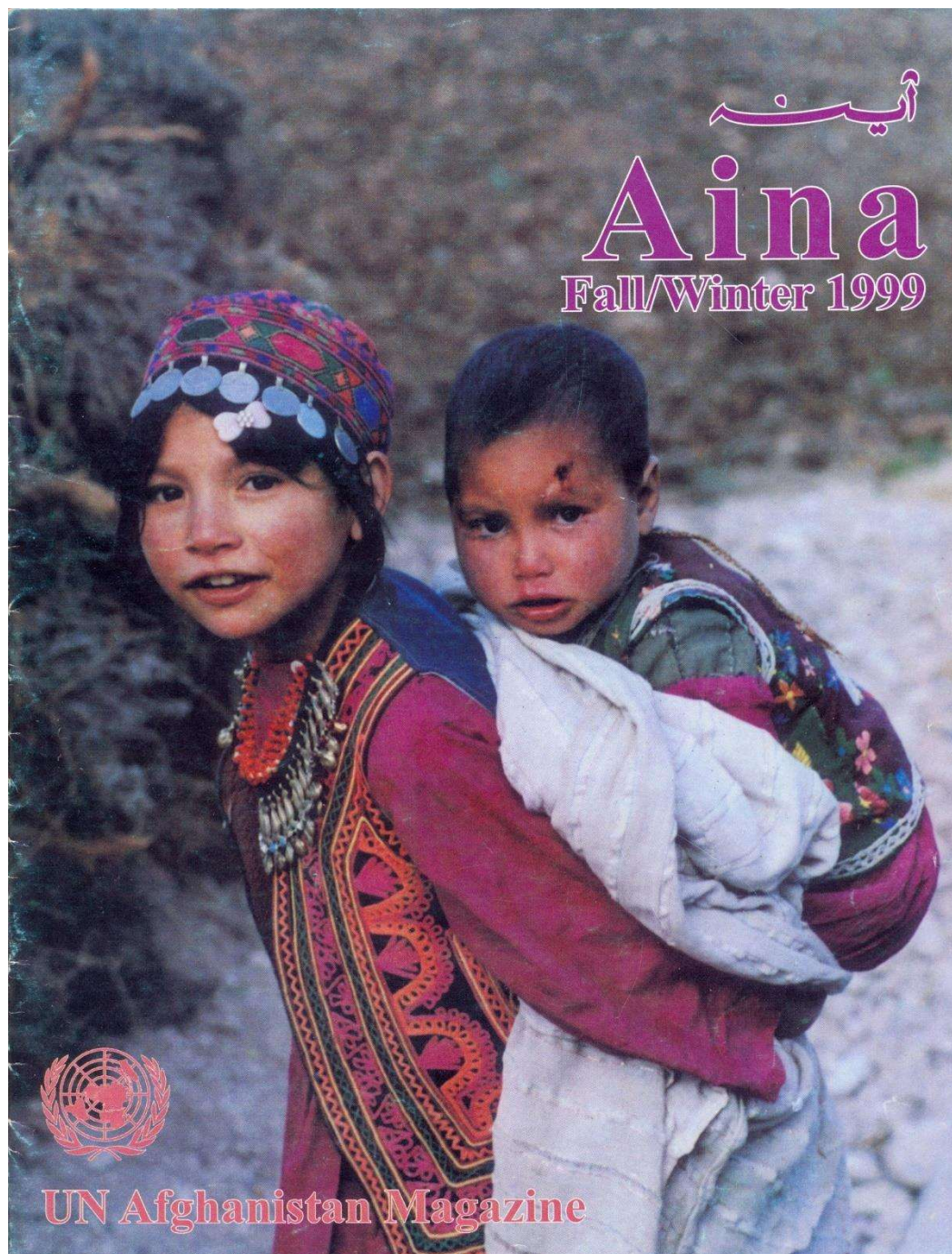
اگر سازمان ملل راه مطمئن را نشان بدهد، افغانها میتوانند آنرا تعقیب کنند...

مجله آئینه، مربوط ملل متحد برای افغانستان. در نشریه خزان / زمستان سال 1999 میلادی مصادف با ۱۳۷۸ شمسی خود، با شفیقه حبیبی، بعد از اینکه او موسسه زنانه افغانستان را تاسیس نمود، مصاحبه میکند. مصاحبه کننده: صبور سیاه سنگ.

و من مختصری از این مصاحبه را برای شما اینجا می آورم:

- شما زنان افغان را چگونه توصیف میکنید؟
- جواب: در زمان این چنین افول اجتماعی، برای ما نمایان شده است که زنان افغان برآیندی از رسوم و عنعنات خویش میباشند. زنان افغان از پس زمینه دینی خانواده خود منشأ میگیرند.
- یک زن باید درک کند که اولتر از همه او یک انسان است و بعداً مسلمان و افغان. اکثر زنان افغان در فقر مادی و معنوی و بی سواد زندگی میکنند و اساساً زندگی شان زیر خط معیار های انسانیت هست.
- زنان افغان همیشه از حقوق مدنی، اجتماعی و حتی طبیعی خویش محروم نگهداشته شده اند. زندگی آنها تقریباً به زندگی مرغ اسیر در قفسی میماند که همیشه عقب میله های زندان اند. زنان افغان در همه اعصار اسیر بوده اند، اسیر در دست برادر و پدر در زمان دختری و اسیر در دستان شوهر در جوانی و اسیر اولاد ها در زمان مادری. این چیز است که آنان قبول نموده اند. جامعه به زنان افغان آموخته است که تا زمانیکه یک جنس مذکر در کنارشان هست، احترام خواهند شد و گرمی داشته خواهند شد.
- سوال: دیدگاه شما در رابطه به نقش ملل متحد در افغانستان چیست؟
- من سالهای طولانی را در افغانستان زندگی نموده ام و دگرگونی های متعددی را در اوضاع سیاسی کشور شاهد بوده ام، در این لحظات بحرانی، از ملل متحد توقع میرود که مطابق منشور، اعلامیه جهانی حقوق بشر، کنوانسیون ها و قطعنامه ها، در ارتباط به اوضاع جیوپولیتیکی، اجتماعی-اقتصادی و فرهنگی افغانستان عمل نماید. در حالیکه یک خانم با سواد افغان شاید در رابطه به منشور و اعلامیه حقوق بشر سازمان ملل بداند؛ خانم بیسواد

افغان تنها راجع به صلح فکر خواهد کرد که باز هم به تلاش های انسانی ملل متحد نیاز خواهد داشت.



Interview:

Mrs. Shafiqah Habibi

By Saboor Siasang, UN Afghanistan

Aina: How would you describe Afghan women?

Shafiqah Habibi: In a time of such social regression, we are facing up to the fact that Afghan women are the outcome of their tradition and customs. Afghan women originate from a religious family background.

Aina: And freedom?

SH: This word sounds good, but it must be accompanied by knowledge. In this country, and particularly in the present social context, where there are few literate women, "freedom" does not seem to be a priority for us. It has to come after food, clothes, and education.

Aina: And?

SH: A woman must realise that first she is a human being, then a Muslim, then an Afghan. Many Afghan women live in material and spiritual poverty, in a state of illiteracy and in sub-human living conditions.

Aina: How do you see the position of women in Afghan society?

SH: Afghan women have always-over history-been deprived of their basic civil, social and even natural rights. Their lives very much resemble that of a jailbird: behind bars forever. The Afghan woman has been destined to live in captivity at every age--a captive in the grips of father and brothers when she is a girl; a wife to a husband in her youth and ultimately a mother captive to her

sons and daughters. This is what she herself has accepted. Society has taught the Afghan woman that she will be more privileged, respected, and safe if she has a "he" beside her.

Many Afghan women live in material and spiritual poverty, in a state of illiteracy and in sub-human living conditions.

Aina: And the prospect?

After graduation from Malalai High School and the Faculty of Journalism, Kabul University, Shafiqah Habibi headed the Journalist Sisters' Association of Afghan Radio and Television in Kabul. In 1959, when an end to purdah was decreed, she began part-time work at Kabul's radio station almost immediately. By the late 1970s, when the communists took over, she went into television as a TV presenter. After 1992, she continued her job with a scarf over her hair, but not completely veiled.

After the advent of the Taliban in Kabul, Shafiqah Habibi and her husband, Mahmood Habibi, who was governor of Kabul and a government minister, were dismissed from their jobs.

As one of Afghanistan's most famous women for decades, Shafiqah Habibi has been openly campaigning and negotiating with the local authorities for change. She has now founded the Afghan Feminine Association (AFA).

SH: In the past, present, and future, women have to respect Afghan traditions in addition to Islam. Some values have to be respected. I still believe the saying, "A woman sways a cradle by one hand and the world by the other." Obviously, neither the world nor the cradle will be safe in brutal and unskilled hands.

Aina: Have you thought of solutions to the problems mentioned?

SH: The problems are very complex. In regard to their cultural and educational problems, Afghan women can be categorised as follows: girls of school age; girls whose educational programmes are incomplete; women in rural areas; educated girls/ women. The constitution of the Afghanistan Feminine Association (AFA) envisages various solutions. Educated women can be employed for religious education, conducting literacy courses, teaching language and literature, organising religious schools, setting up libraries, and in publishing. They can also be used in establishing or providing a wide range of health care services. Qualified women can also take part in offering vocational training to less fortunate women.

Aina: What are your views about the role of the United Nations in Afghanistan?

SH: I have lived in Afghanistan for years and closely observed the vicissitudes of in-country political events. In these critical moments, the UN is expected to take action based

on its Charter, declarations, and conventions, and in accordance with the conditions (ranging from geopolitical to socio-economic and cultural) peculiar to Afghanistan. However, while a literate Afghan woman may understand and think in terms of United Nations human rights charters and declarations, the illiterate one thinks only of peace, which again requires the humanitarian efforts of the UN.

Aina: What about humanitarian assistance?

If the UN shows a credible path, Afghans can follow up.

SH: As Muslims, we believe almighty Allah is the only Great Supplier for us. Still, we need (and appreciate) the humanitarian assistance of the UN for the vulnerable communities in the country and of course we worry about its lack and/or shortage. I applaud

those UN projects in which people's participation is evident. Such initiatives will gradually bring changes in people's sense of powerlessness. The motto for progress and development in Afghanistan should be, "If the UN shows a credible path, Afghans can follow up."

Aina: Any personal remark at the end of this interview?

SH: I continue existing alone and dislocated. I am counting the days--at home.



جوانان شهر مریض اند

یک احصایه یونیسیف در سال 1997 میلادی مصادف با ۱۳۷۶ شمسی نشان می‌دهد که در میان ۳۰۰ طفل بین سن هشت و ده سال، تراژیدی شوک احساس وجود دارد. در جریان جنگ های کابل (جنگ های که بین قوای گلبدین حکمتیار و استاد ربانی و قوای استاد سیاف و عبد العلی مزاری صورت گرفت) از سال 1992 تا 1996 میلادی مصادف به ۱۳۷۱ تا ۱۳۷۵ هجری شمسی، چهل فیصد اطفال مادران یا پدران شانرا از دست داده اند، ۲۵ فیصد شان یک خواهر یا برادر را از دست داده اند، ۹۵ فیصد شاهد برخورد ها بوده اند، دو بر سه تعداد شان جسد کشته شده کسی را مشاهده کرده اند و ۷۳ فیصد شان ترس از مرگ دارند. باین شکل مبارزه مخفی زنان ادامه دارد، دختران تحصیل کرده که در کابل مانده اند از این وضع، سخت رنج می‌برند مگر تحصیل را شخصی ادامه می‌دهند و مطالعه می‌کنند و شفیقه حبیبی برای تعدادی ازین دختران هوم سکول های صنایع دستی آماده نموده بود.



بازدید خانم حبیبی از کورس خامک دوزی



استادان کورس و خانم حبیبی مهارت های مهره دوزی دختران را ارزیابی میکنند



درخانی حبیبی معاون موسسه زنان افغان در حال بازدید مهره دوزی دختران



تصاویر بالا از مکاتب خانگی صنایع دستی خامک دوزی، مهره دوزی، و خیاطی ماشین برای دختران که توسط شفیقه حبیبی در زمان طالبان تأسیس شده بودند

اما دیگر شهرت "ام البلاغه" از صفحات روز نامه ها، جراید و تلویزیون ها به صحنه فعالیت های سیاسی، فرهنگی و اجتماعی بسوی بین المللی گسترش یافته و مجامع ذیربط و معتبر اتحادیه اروپا، سازمان ملل متحد و نهاد های مسئول زنان برای تامین و توسعه حقوق بشر در امریکا و اروپا از او جهت اشتراک در گرد همایی های عمده بین المللی رسماً دعوت نمودند. به طور مثال، نشست میز مدور UNIFEM round table و جلسه رهبران زنان افغان (در بروسلز مرکز کشور بلجیم، دسامبر 2001) مصادف با ۱۳۸۰ شمسی و فرآورد منطقی کنفرانس بن در مورد زندگانی و سرنوشت زنان افغان بعد از آنهمه تاریکی ها، محسوب میگردید.

سفر رهبران زنان افغان به خارج

جریده اراده منتشره پشاور در شماره 18 جنوری 2002 مصادف با ۱۳۸۱ شمسی خود مصاحبه اختصاصی با شفیقه حبیبی در پایان کنفرانس های بروسلز انجام داده و تحت عنوانین مآخوذ از گفته های خانم حبیبی، "کنفرانس بروسلز یک گرد هم آیی تاریخی بود که در مقطع حساس تاریخ افغانستان تدویر یافت" و یکی از پیام های آن این بود "دختران وطن باید حتی المقدور با سویه مدنی و تعلیمی درست تربیت شوند."

در بیان قول می نویسد: من در بروسلز مرکز کشور بلجیم در دو جلسه اشتراک کردم که بنام جلسه رهبران زنان افغان (Afghan Women Summit) بتاريخ 4 و 5 دسامبر سال 2001 مصادف به ۱۳۸۰ شمسی و میز مدور UNIFEM، فعلاً UNWOMEN بتاريخ 10 و 11 دسامبر 2001 که هر دو کنفرانس به همکاری اتحادیه اروپا، سازمان ملل متحد و نهاد های مسئول زنان، حقوق بشر در امریکا و اروپا تدویر یافته بودند. در هر دو کنفرانس مجموعاً در حدود ۶۰ زن افغان از داخل و خارج کشور اشتراک نموده بودند، باید یاد آوری نمایم که این گرد هم آیی عمده رهبران زنان افغان و جهان بعد از تلاوت آیاتی از قرآن پاک با پیام تلویزیونی (ملکه نور)، ملکه کشور مسلمان (اردن) افتتاح گردید و پیام سر منشی ملل متحد، آقای کوفی عنان تو سط انجیلا کینگ معاون و مشاور مخصوص سر منشی ملل متحد در امور زنان قرأت گردید. بیانیه کار

کنفرانس را "ماری رو بنسون" کمشنر عالی ملل متحد در مسایل حقوق بشر ایراد نمود. در هر دو کنفرانس منعقدۀ بروسلسز شخصیت ها و رهبران عمدۀ زنان جهان چون Noelene Heyzer نولین هیزر آمر اداری کمک به نهضت زنان در ملل متحد. میکونیشنیز Miekonishnize معاون رییس بانک جهانی در آسیا، "دنیش فوش" رییس نهضت زنان اروپایی، ایوا انسلیر Eve Ensler رییس نهاد تساوی حقوق زنان در امریکا، ایما بینینو عضو پارلمان اتحادیۀ اروپا و دیگران بیانیه ها ایراد کردند و مساعدت و همبستگی کشور ها و نهاد های شانرا به زنان افغان اعلام نمودند. بعداً ۶ تن از زنان افغان به واشنگتن دی سی، ایالات متحده امریکا رفتیم.

صفحه سوم شماره یازدهم سال دوم اراده جمعه ۲۸ جلدی ۱۳۸۰ هـ ش

کانفرانس بروسلسز یک گرد همائی تاریخی بود که در مقطع حساس تاریخ افغانستان تدویر یافت

دختران وطن باید حتی المقدور با سویه مدنی و تعلیمی درست تربیه شوند

محترمه شفیقه «حبیبی» از چهره های شناخته شده در عرصه مطبوعات کشور محسوب می شوند، ایشان اخیراً در ترکیب گروهی به نمایندگی از زنان افغانستان، سفر های کاری پرايه پکیده از کشور های خارجی انجام داده اند، بخاطر آگاهی بیشتر خوانندگان عزیز «اراده» درین شماره پای صحبت شان می نشینیم تا باشد از فعالیت زنان افغان در رابطه با اعاده حقوق ایشان و سهم آنان در بازسازی کشور معلومات چندی را فراچنگ آوریم.

محترمه شفیقه «حبیبی» در رابطه با سفر و اشتراک شان در کنفرانس های منعقدۀ گفتند:

من در بروسلز مرکز کشور بلجیم در دو جلسه مهم اشتراک کردم که بنام جلسۀ رهبران زنان افغان (Aghan Women Summit: Brussels- December 4-5-2001) و جلسه یونی پی میزمدور (Brussels Action Plan- Unipam Roundtable-10-11 December 2001) بود می شد که هردو کنفرانس به همکاری اتحادیه اروپا، سازمان ملل متحد و نهاد های مسؤول زنان برای حقوق بشر در امریکا و اروپا تدویر یافته بود.

در هردو کنفرانس مجموعاً در حدود بیش از ۶۰ زن افغان مقیم خارج و داخل کشور اشتراک داشتند.

باید یاد آوری نمایم که این گرد هم آئی عمدۀ رهبران زنان افغان و جهان بعد از تلاوت آیاتی از قرآن پاک با پیام تلویزیونی (ملکه نور) ملکه کشور مسلمان اردن افتتاح گردید. و پیام سرمشی سازمان ملل متحد آقای کوفی عنان توسط انجلا کینگ Angelaking معاون و مشاور مخصوص سرمشی ملل متحد در امور زنان، قرائت گردید.

بیانیه اساسی کار کنفرانس را ماری رابنسن Maryro Bin son کمشنر عالی ملل متحد در مسایل حقوق بشر ایراد نمود. در هردو کنفرانس منعقدۀ بروسلسز شخصیت ها و رهبران عمدۀ زنان جهان چون نولین هیزر Noelene Heyzer آمر اداری کمک به نهضت زنان در ملل متحد، میکونیشنیز Miekonishnize معاون رئیس بانک جهانی در آسیا، دنیش فوش Denis Fufhs رئیس نهضت زنان اروپایی، ایوا انسلیر Eve Ensler رئیس نهاد تساوی حقوق زنان در امریکا ایما بونیو Emmie Bon- عضو پارلمان اروپا، و دیگران بیانیه ها ایراد کردند و مساعدت همبستگی کشور ها و نهاد هایشان رابه زنان افغان اعلام نمودند.

همچنان محترمه سیماولی نمایندۀ زنان در اجلاس بن، محترمه آمنه افضلی و صدیقه بلخی بیانات و راپور شانرا در ارتباط اجلاس بن ایراد نمودند.

اهداف عمدۀ کنفرانس بروسلسز را طور خلاصه بیان میکنیم:

- تمثیل کنندۀ صورت عملی اجلاس بن در مورد زنان.

- تأیید کنندۀ شرط اعطای کمکانه افغانستان که مربوط به:

مراعات حقوق زنان، مقام زن و حضور زن در صحنۀ سیاسی مدنی و اجتماعی است.

- جهت شناسائی و درک استعداد زنان افغان.

- جهت همبستگی زنان جهان با رهبران زنان افغانستان.

- جهت تأکید به سهم گیری زنان در بازسازی افغانستان آینده.

در کنفرانس بروسلسز، زنان افغان در گروه های کاری مختلف در موارد حقوق بشر، تعلیم و تربیه، اطلاعات همگانی و کلتور، مهاجرین، قانون اساسی، انتخابات و حقوق زن، لویه جرگه صلح، تامین امنیت، مصونیت، خلع سلاح، حضور نیروهای حفظ صلح ملل متحد در افغانستان، طرح ها، نظریات و پیشنهادات شانرا طی اسناد کتبی به پارلمان اتحادیه اروپا نی و دفتر کنفرانس ارائه کردند.

کنفرانس بروسلسز یک گرد همائی تاریخی بود که در مقطع حساس تاریخ افغانستان، ده تن از نماینده گان زنان افغان توانستند با رهبران زنان کشورهای مختلفه جهان ملاقات نموده و روی پرانیم های زنان کشور بحث کرده و همبستگی و مساعدت جهانیان را کسب نموده تا در آینده بافق تر و با امیدواری بیشتر به بازسازی افغانستان پرداخته باشند.

- اشتراک کنندۀ گان کنفرانس بروسلسز را رهبران مؤسسات و انجمن های زنان در داخل و خارج کشور تشکیل داده و فعالین زنان افغان در مؤسسات خارجی و سازمان ملل متحد، رهبران و فعالین زنان در همچو ساحات از اکثر کشورهای جهان بیشتر از ممالک مسلمان مانند ترکیه، روندآ، فلسطین، اردن، سومالی، پاکستان، تونس، بنگله دیش و هم از ایالات متحده امریکا، کانادا و اتحادیه اروپا در آن شرکت فعال داشتند.

س: محترمه شفیقه حبیبی شما بعد از کنفرانس بروسلسز یکدام کشور دیگر سفر نمودید، هدف و نتیجه آن چه بود؟

بعد از ختم کنفرانس بروسلسز هیأت شش نفری زنان افغان بن

کانفرانس بروسلز یک گرد همائی تاریخی بود که در مقطع حساس تاریخ افغانستان تدویر یافت

ونیویارک، در مورد زنان کشور عزیز ما قوی بوده آرزو دارم این تلاش‌ها ثمربخش بوده و زنان افغان در جهت ایفای نقش خویش با مقام و حقوق بازیافته‌شان بتوانند در آینده قریب مصدر خدمات ارزنده به جامعه خویش گردند.

س: از نظر شما توقع زنان افغان از حکومت مؤقت فعلی چه می‌باشد؟

ج: توجه به امنیت ملی و بشری، توجه به حفظ الصحة مردمان، توجه به تعلیم و تربیه دختران و یتیمان از سنین کودکی تا پوهنتون، توجه به امور شهر سازی و خانه سازی و توجه به بازگشت داوطلبانه مهاجرین. و بخصوص اینکه رادیو و تلویزیون تعمیم بیاید و به همه جاها برسد، برنامه‌های آن آموزشی، تفریحی و خبری بصورت منظم و معقول باشد، مجلات و اخبار‌ها شایع و نشر شود و به مردم رهنمایی، آموزش، اطلاع و خبر بدهند و همچنان جمع آوری و احیای دوباره موزیم‌ها، آرشیف ملی و کتابخانه‌های عامه باید در اولویت قرار گیرد.

س: زن‌ها چطور می‌تواند حقوق خویش را در افغانستان بدست آورند؟

برای اعاده حقوق انسانی زن در جامعه افغانستان، نباید افرای عمل کرد.



انجلا کینگ معاون و مشاور خاص سرمنشى سازمان ملل متحد هنگام ايراد بياتيه در كنفرانس بروسلز

چون طرز تفکر جامعه ما اسلامى و اکثراً سنتى و عنعنويست سهمگيرى زنان روشنفکر در پروسه اجتماعى و سياسى بايد منحيت نیروى فعال، مصمم و آگاه از درد‌ها و پرابلم‌هاى فاميل‌ها و مخصوصاً زنان جامعه افغانستان مثمر واقع

اشتراک این جانب بنابه دعوت مراجع مسؤول اجتماع زنان امريکا و همچنان بعضى اعضاى کانگرس و سنای آن کشور، به ايالات متحده امريکا سفرى داشتيم و در انجا حين اقامت در واشنگتن و نيويارک با اعضاى مجلس سنا و کانگرس امريکا، باجناب کولن پاول وزير خارجه امريکا و در نيويارک با اعضاى شورای امنيت سازمان ملل متحد و جناب کوفى عنان سرمنشى ملل متحد در مقر آن سازمان و ديگر مقامات ارشد آن کشور و گروه کشير مردمان امريکايى ملاقات کرده و در کنفرانس‌ها و نشست‌هاى مطبوعاتى اشتراک نموديم.

هدف از اين سفر، شناسايى محافل جهانى با زنان افغان، طرز تفکر، خواسته‌ها و نيازها و پرابلم‌هاى زنان افغان بعد از ۲۳ سال جنگ و يرادرکشى در افغانستان بود.

قابل ياد آوريست که معرفت، با زنان افغان به خصوص انها نيکه از داخل افغانستان بودند باعث تعجب و مايه خوشى محافل زنان برجسته امريکا ميگرديد و علت آن اينکه آنها با انهدام افغانستان اغلباً تصور ميکردند که انسان و به خصوص زنان کشور ما بيزير پاشته‌هاى ظلم و خشونت و آن همه بربادى، ديگر ممکن توان زيست، مبارزه و مناقشه و دفاع از حقوق خود را از دست داده باشند.

خلاصه هدف ما از سفر به امريکا، ارائه و توضيح اسناد مرتبه کانفرانس بروسلز، و معرفى متقابل با نمايندگان زنان امريکا و منابع مسؤول در بازسازى و احياى مجدد کشور ما بود.

من شخصاً اميدوارم که، با وراطمينان من بر نتايج مثبت کانفرانس و نشست‌هاى بروسلز، واشنگتن



سخنرانی خانم انجیلا کینگ، معاون و مشاور مخصوص سر منشی ملل متحد



سخنرانی ماری روبنسون، کمیشنر عالی کمیسیون حقوق بشر ملل متحد



سخنرانی هیباک عثمان بنیان گذار و رئیس مرکز استراتژیک ارتقای زنان



سالون کانفرانس های اتحادیه اروپا در بروکسلز



خانم حبیبی در سالون کانفرانس های اتحادیه اروپا در بروسلز



خانم حبیبی در جمع از اشتراک کننده گان کنفرانس Afghan Women Summit



از طرف راست به چپ، انجیلا کینگ معاون و مشاور مخصوص کوفی عنان، شفیه حبیبی و ایوانسلر که
هنر پیشه، فعال حقوق زن و نویسنده مشهور امریکایی میباشد.

Meeting With United Nations Secretary General Kofi Annan December 21, 2001



From Left to Right: Shafiqa Habibi, Soraya Paikan, Sima Wali,
Kofi Annan, Leila Enayat-Seraj, Sahar Saba, Shakila Khalje

FINAL PRESS CONFERENCE Equality Now, New York, December 20, 2001



From left to right: Sahar Saba, Soraya Paikan, Meryl Streep, Adeena Niazi, Leila Enayat-Seraj, Shafiqa Habibi



ملاقات رهبران زنان افغان با سناتوران کانگرس آمریکا در قصر سفید

زنانی که زندگی خود را وقف کردند تا زندگی ما را تغییر دهند

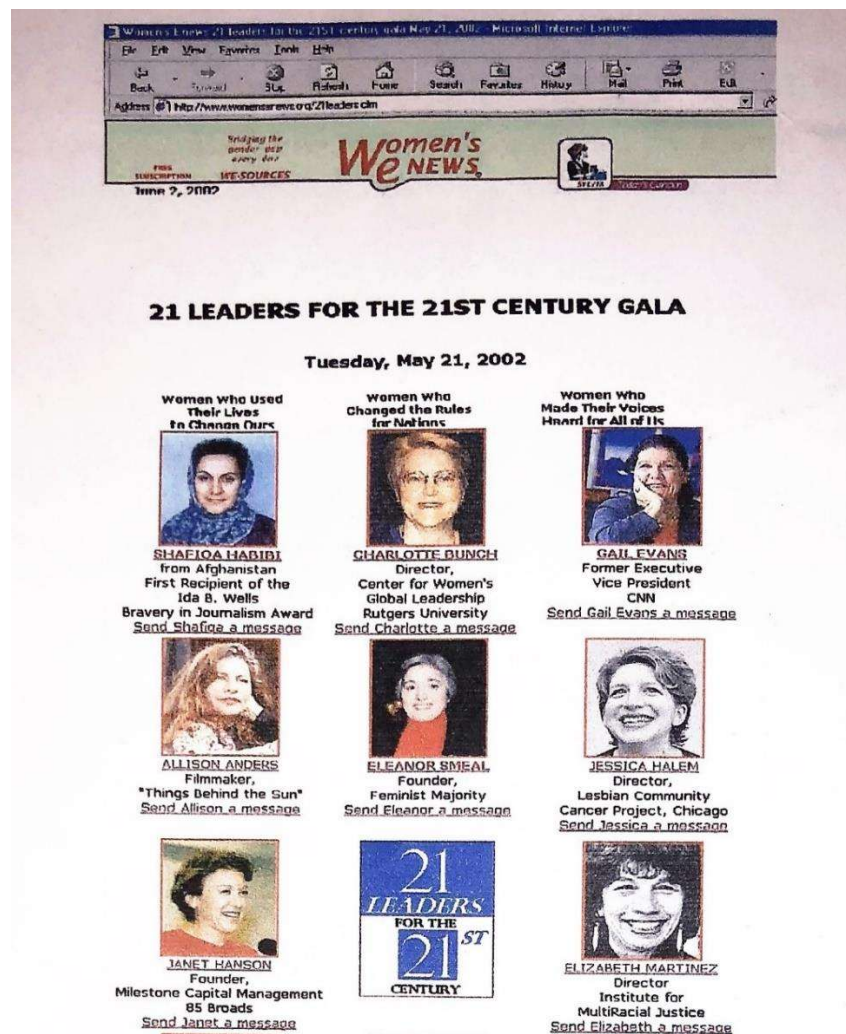
بین سرگذشت‌ها و شرح حال، همه ساله یک تعداد زنان را بنام (رهبر Leader) که در ساحات مختلف، مساعی و مبارزات آنها با نظر داشت معیارهای مبتنی بر فهم و معرفت مسلک، شجاعت در مبارزه، و استقامت در برابر مشکلات زندگی داشته باشند، انتخاب و مستحق دریافت جوایز بین المللی میدانند.

در سال 2002 میلادی مصادف به ۱۳۸۱ شمسی، زیر عنوان (21 رهبر برای قرن 21) بتعداد ۲۱ زن برجسته را انتخاب و مستحق جوایز عالی معنوی و مسلکی دانسته و باینصورت برای نخستین بار شفیقه حبیبی، مبارز راه حفظ موازین مسلک ژورنالیسم و دفاع از حقوق و نهضت زنان، شایسته برای کسب این جایزه ممتاز بین المللی در پهلوی بیست زن مشهور جهان دانسته شد.

این جایزه به یادبود مبارزات، زندگی پر مخاطره و شجاعت کم نظیر (Ida B. wells ایدا بی ولز) زن ژورنالیست آمریکایی قرن 18 میلادی نخستین بار به شفیقه حبیبی اهدا شد.

شفیقه حبیبی در مصاحبه اختصاصی با نشریه اراده، مورخ 14 جون 2002 مصادف به ۱۳۸۱ شمسی درین باب میگوید :

Women. E. News یک موسسه عمده جهانی خبر رسانی است که در ویسایت و انترنت، اخبار، وقایع و سرگذشت های مربوط به زنان را در سراسر دنیا که توسط بیش از ۵۰ خبرنگار آن موسسه به اداره مرکزی نیویارک مخابره شده، جمع آوری وبه سبک عالی ژورنالیزم یا به گفته خود شان Top Flight Journalism به شیوه الکترونیک پخش میکند.



تصاویر از زنانیکه حایز جایزه 21 رهبر قرن 21 شدند

Women's Enews: 21 Leaders for the 21st Century Gala May 21, 2002. Microsoft Internet Explorer

Address: http://www.womensnews.org/21leaders.cfm

FREE SUBSCRIPTION WE-SOURCES

June 7, 2002

21 LEADERS FOR THE 21ST CENTURY GALA

Tuesday, May 21, 2002

Women who Used Their Lives to Change Ours  SHAFIQAH HADIDI from Afghanistan First Recipient of the Ida B. Wells Bravery in Journalism Award Send Shafiqah a message  ALLISON ANDERS Filmmaker, "Things Behind the Sun" Send Allison a message  JANET HANSON Founder, Milestone Capital Management 85 Broads Send Janet a message  MAVIS NICHOLSON-LENO Chair, End Gender Apartheid Campaign Send Mavis a message  SUSAN SIFUENTES-TRIGUEROS President, Hispanas Organized for Political Equality Send Susan a message  PAT SUMMITT Head Coach, University of Tennessee Send Pat a message  DEZIE WOODS-JONES Founder, Black Women Organized for Political Action Send Dezie a message	Women who Changed the Rules for Nations  CHARLOTTE BUNCH Director, Center for Women's Global Leadership Rutgers University Send Charlotte a message  ELEANOR SMEAL Founder, Feminist Majority Send Eleanor a message   MIDORI ASHIDA Founder, Women's Coalition for Sexuality and Health, Tokyo Send Midori a message  ELOUISE CORELL Founder, Blackfeet National Bank Send Eloise a message  TRACY GARY Founder, Changemakers, Donor Activist Send Tracy a message  SHIRLEY JACKSON President, Rensselaer Polytechnic Institute Send Shirley a message	Women Who Made Their Voices Heard for All of Us  GAIL EVANS Former Executive Vice President CNN Send Gail Evans a message  JESSICA HALEM Director, Lesbian Community Cancer Project, Chicago Send Jessica a message  ELIZABETH MARTINEZ Director, Institute for MultiRacial Justice Send Elizabeth a message  DINA MERRILL Vice-Chair, Republican Pro-Choice Coalition Send Dina a message  DR. ROSE MARIE ROBERTSON Professor of Medicine, Vanderbilt University Medical Center Send Rose Marie a message  WANDA RAPACZYNSKI President, Agora International, Poland media conglomerate Send Wanda a message  SISTER CHRISTINE VLADIMIROFF Prioress, Benedictine Sisters of Erie, Pennsylvania Send Christina a message
---	---	--

Cocktails @ 6:30 p.m.
Dinner @ 7:30 p.m.
Music by Jazzberry Jam
The New York Hilton
53rd Street and Avenue of the Americas
New York City
Tuesday, May 21, 2002

Yes! I want to make a reservation!

I cannot attend, but would like to make a contribution to support Women's Enews.

(Note: Those who contribute \$250 before May 14 will be listed in the program.)

[home](#) [about us](#) [contact us](#) [donate](#) [help](#) [letters to the editors](#) [links](#) [pressroom](#)
[subscribe/member fee](#) [xylvia](#) [week-by-week](#) [sign in](#)

Bridging the
gender gap
every day

FREE
SUBSCRIPTION

WE-SOURCES

Women's Enews



SYLVIA Today's Cartoon

May 23, 2002

Us

Women's Enews Delivers Crucial Information Daily

Run Date: 05/22/02

By Rita Henley Jensen
Editor in chief

Women's Enews founder Rita Henley Jensen recalls how information she received in the 1970s aided her in creating a battered women's center, now helping up to 10,000 annually. Today, Women's Enews delivers similar vital information to women worldwide.

NEW YORK (WOMENSENEWS)--I recently received an e-mail from a friend living in Washington state whom I had lost track of 25 years ago when I moved to New York to attend graduate school. Turns out she reads Women's Enews and noticed my name.



Rita Henley Jensen

Connecting us across vast distances is the fantastic power of the Internet, yet there is also the pain it brings. Receiving the note brought the memories of our times together flooding back, including the hollow place left from our not being able to really be together--having a cup of coffee or tea and just chatting and laughing like we used to do.

In fact, because of finances and time constraints, it is possible that we may never have that chance again.

The same is true for all of you, Women's Enews readers. If all of you could have the funds and the time to join us, we could fill a football stadium many times over--just to enjoy being with one another--laughing and carrying on like the huge community that we are. Our market research indicates we are reaching nearly a million readers a month--because so many readers forward our stories to so many other readers--and that does not count the newspapers that reprint us.

And we may do that some day, but for now, Women's Enews had to settle for inviting all of you over the Internet to last night's \$500 a plate dinner in New York that honored the Women's Enews 21 Leaders for the 21st Century--women nominated by our readers for making news and changing the world.

I wish you all could have been there. It was a fantastic program that left everyone in an upbeat mood, confident that women's leadership was an unstoppable force for the better.

<http://www.womensenews.org/article.cfm/dyn/aid/916>

5/23/2002

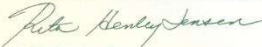
مصاحبه خانم ریتا جنسن مدیر مسئول ویب‌سایت *Women's e-News* در رابطه به نهاد و فعالیت هایشان

LETTER OF WELCOME

It is with great pride and humility that we at Women's Enews name the women featured in this booklet to be the 21 Leaders for the 21st Century. Together, these leaders signify the breadth, the depth, the expertise and the impact of the millennial women's movement.

These women were nominated by Women's Enews subscribers and readers from across the globe. They truly represent the best of humankind: women who will stop at nothing to ensure that all women are full participants in every aspect of life and have the freedom and resources to achieve our greatest potential.

Women's Enews was created to produce and disseminate daily news and features about women. We intend to continue to keep you up-to-date about the women and ideas shaping our world. We know that you will be as inspired as we were by the commitment and dedication of this year's 21 Leaders for the 21st Century.



Rita Henley Jensen
Editor-in-Chief



SHAFIQA HABIBI

Founder, Women's Radio and Television Broadcast Organization

2002 Ida B. Wells Bravery in Journalism Award Winner

Shafiqa Habibi is one of Afghanistan's most prominent journalists, with more than 30 years of experience. Known as the laureate of news, she was a reporter, public speaker and reader of poetry—an art popular on Afghanistan radio and television. She won four prizes and two medals for her work before the Taliban came to power in 1996.

Habibi graduated in 1966 from Kabul University with a degree in journalism and immediately went to work for Radio Afghanistan. She was reporting both on radio and television when the veil for women was made voluntary in 1959 and when women gained the right to vote in the 1964 constitution; she was reporting when women became members of Parliament and cabinet ministers. Throughout her career, Habibi made a point of encouraging and promoting women in broadcast journalism, and founded the Women's Radio and Television Broadcast Organization in 1994 to protect women's rights by holding conferences and cultural meetings. When the Taliban seized power in 1996, Habibi's voice was stifled for five years and the nation's radio network was used to broadcast the Taliban's order for women to return to their homes, to cease all employment immediately and to wear the burqa, the head-to-toe version of traditional Pashtun desert clothing.

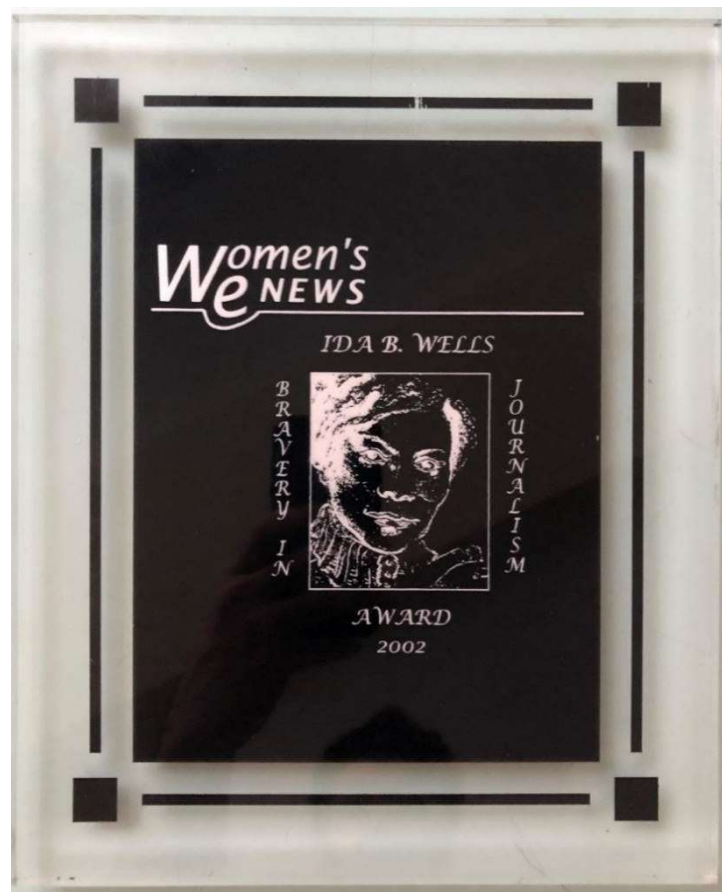
During the Taliban's reign, Habibi started an underground women's organization, which she translates as the Feminine Association, and ran crafts schools throughout Afghanistan and Pakistan, where women could manufacture items that they could sell.

When the U.S. bombing of Kabul began, Habibi escaped to Peshawar, Pakistan, the heart of the Afghan refugee community in that country, where her association now maintains an office. She soon began to take part in the international conversation on the future of her homeland. She attended the December Afghan Women's Summit in Brussels and traveled to Washington, D.C. to meet with members of Congress, a number of whom promised assistance in restoring nationwide broadcasting. Afghanistan now has one radio station and one television station functioning. Habibi is hopeful about the future of Afghanistan. The challenge now, she says, is for journalists inside and outside of Afghanistan "to ensure that the violations of women during the Taliban are not repeated."

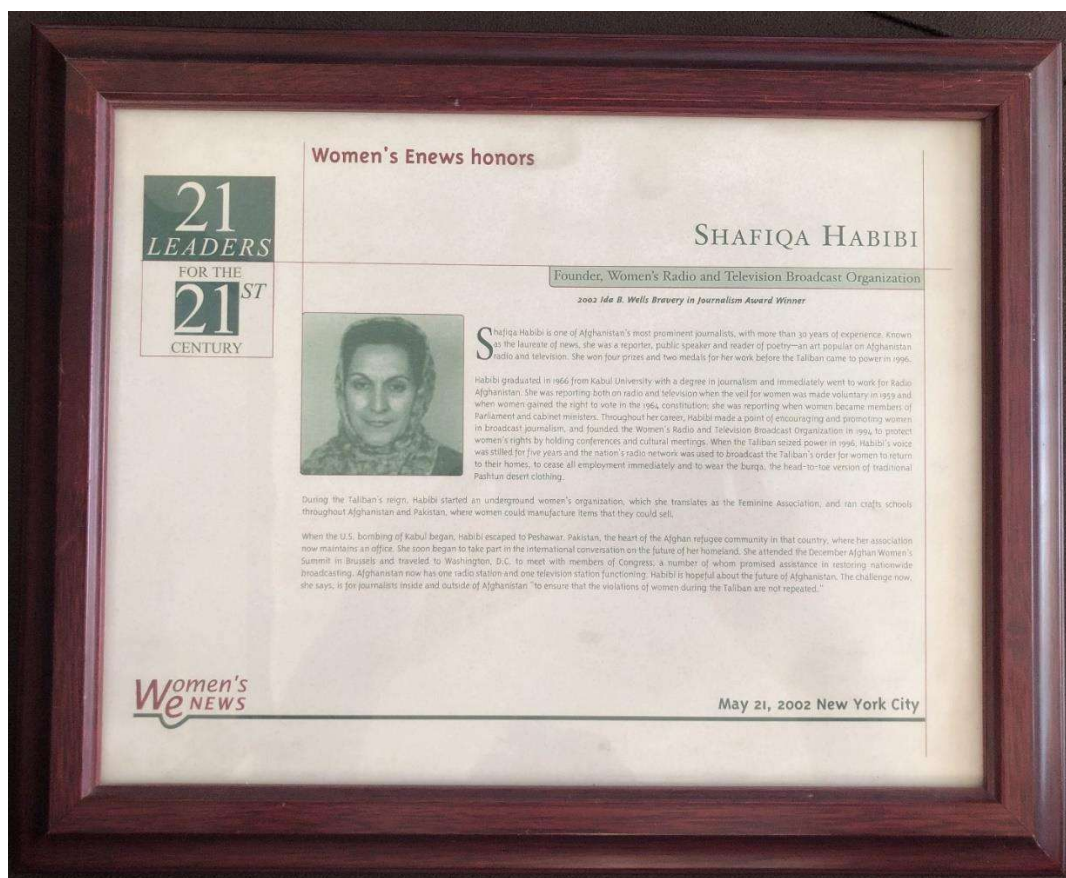
Shafiqa Habibi—Salon.com: www.salon.com/mwt/feature/2001/12/05/brussels_women/index1.html?x

ترجمه پاراگراف اول نامه خوش آمدید گویی در رساله مراسم اعطای جایزه شجاعت نهاد Women's e-News: (جای افتخار بسا بزرگ‌گست که ما در Women's e-News زنانی را در این رساله به تصویر کشیده و معرفی نموده ایم که 21 رهبر قرن 21 باشند. یکجا با هم این زنان قوت، ایستادگی، عمق، توانایی و تاثیرگذاری جنبش زنان این هزاره را نشان می‌دهد).

ترجمه پاراگراف سوانح شفیقه حبیبی در رساله مراسم اعطای جایزه شجاعت نهاد Women's e-News: (شفیقه از برجسته ترین ژورنالیستان کشور می‌باشد. با تجربه بیش از ۳۰ سال، او منحیت گزار شگر، سخنران و دیکلماتور کار کرده و منحیت سمبولی از موفقیت در رادیو تلویزیون کشور شناخته شده است. او برنده چهار جایزه و دو مدال از کارکرد هایش گردید تا اینکه در سال 1996 میلادی مصادف با ۱۳۷۵ شمسی طالبان به قدرت رسیدند).



تندیس ایدا بی ویلز (Ida B Wells) زن ژورنالیست مبارز آمریکایی قرن ۱۸ میلادی، نخستین بار به شفیقه حبیبی اهدا شد.



تصویر از لوح تقدیر ۲۱ رهبر قرن ۲۱ برای شفیقه حبیبی



مختصری از مصاحبه خانم حبیبی با مجله سباوون:

وقتی حرف از نطاقی و گویندگی بمیان میاید به این امر معتقد می شویم که رادیو تلویزیون افغانستان نیز در جمع گویندگان خود بهترین ها را دارد. در این بخشی از هنر برخی شخصیت های انگشت شمارند که به آخرین پله پیروزی، تجربه و مهارت رسیده اند و امروز در زمره برگزیدگان این عرصه بشمار می آیند. از گویندگانی که عمری رادرین عرصه با زحمت، کار و تلاش سپری نموده اند و با تحمل رنج های فراوان کشور را ترک نکرده و خدمات شایانی را برای ژورنالیزم افغانستان نموده اند و تلاش و خدمات شان واقعاً ستودنی و تحسین برانگیز است خانم شفیقه حبیبی است. صدای او را چندی قبل از رادیوی بی بی سی شنیدم که طی مصاحبه در مورد آخرین سفرش به کشور های هالند، آلمان و امریکا و جایزه که در سفر به امریکا دریافت نموده بودند صحبت میکرد. برای مصاحبه خانم حبیبی را در اپارتمانش در مکروریان ملاقات کردم، بعد از گفت و گوی زیاد به ائمه سخنان خود افزود: من از پیش کسوتان گویندگی در افغانستان بوده ام که خود مکتب بخصوص را در بخش قرأت اخبار و متون ادبی بنیان گذاشته ام و در طول سالها شاگردان و پیروان متعدد در این عرصه داشته ام.

خانم حبیبی در چهار رژیم مختلف دولتی چهار جایزه درجه اول و دو مدال صداقت و یک نشان افتخار را نصیب شده است. و در آخرین سفرش به ایالات متحده امریکا برنده تندیس شجاعت در ژورنالیزم و جایزه 21 رهبر در قرن 21 میباشد.

دوران تبعید و آزمون نهایی، با سقوط جنبش طالبان به پایان می رسد و شفیقه و شوهرش محمود حبیبی به همان آپارتمان کوچک مکروریان باز میگردند. شفیقه حبیبی به عنوان زن، مادر و همسر به تمام معنی شایسته، با مهر و دانش خود باز هم اقامت در وطن می گزیند و اولین اقدامش در آن روز های پر تهیج، تجلیل شکوهمند از چرخش آزادی تاریخی زنان افغان است. " هفته نامه کابل نشریه آزاد فارغ از مرز بندی های مصلحت های سیاسی، مذهبی، لسانی، و گروهی با اندیشه های گرانبهای فرهنگ مردم ما در شماره ۸ دلو ۱۳۸۰، مصادف با 7 فبروری 2002 در نقل این بیان، ندای قلبی شفیقه حبیبی:

"شماره اول و دوم هفته نامه کابل را صاحب نظری برایم آورد که با دیدن ان چشمانم روشن شد، چه نعمتیست آزادی، آزادی انسان، آزادی اندیشه و بیان، باری سالها قبل در اوایل اسارت زنان، من طی مصاحبه که با ژورنالیست فرانسوی داشتم، با خستگی و بی‌زاری از جهنم جنگ و راکت و بمباردمان به ستوه آمده، بیشتر بر لزوم موجودیت امنیت تأکید میکردم، جمله از ژورنالیست موصوف را بیاد دارم که میگفت: " شما آزادی تانرا در بدل امنیت از دست میدهید." گذشت زمان در واقع امر اینرا ثابت کرد که ما آنگاه واقعا گروگانانی بودیم در امنیت تاریک گورستان. می خواستم به شما راپور اجتماع بزرگی را بنویسم که بیش از دو صد تن از زنان و رهبران زنان کابل در تالار کنفرانس های شفاخانه چهار صد بستر اردو تحت شعار بزرگ (تجلیل با شکوه از چرخش آزادی تاریخی زنان افغان) به همکاری شفیقه حبیبی بر گذار نموده بودند.

در این کنفرانس بعد از تلاوت آیات مبارک قرآن، با پخش سرود ملی همه بپا ایستادند و بعداً برای ابراز سرور و شادمانی از آزادی دوباره شان، لحظات بی شماری کف زدند و خوشی کردند.

پیام جناب کوفی عنان خطاب به زنان افغان توسط (درخانی فهیم حبیبی) قرأت شد که در آن به همبستگی ملل متحد برای احقاق حقوق زنان در افغانستان درین پروسه سیاسی اجتماعی و باز سازی افغانستان تاکید شده بود. آجندا و پیام برنامه توسط مدیره لیسه زرغونه خوانده شد. تنظیم کننده و گرداننده کنفرانس محترم شفیقه حبیبی گوینده محبوب و سابقه دار رادیو تلویزیون افغانستان و دایرکتر موسسه نوا بود.



پیام کوفی عنان سر منشی سازمان ملل، خطاب به زنان افغانستان در محفل با شکوه تجلیل از چرخش آزادی زنان افغان توسط درخانی حبیبی قرأت گردید.



یکی از اساتید محترم حین ابراز نظر.



علوم و ذکيه کارمند آريانا و مرضيه عدیل نطق رادیو تلویزیون در مورد بورسهای تحصیلی ماستری برای کارمندان اناث دولت، جلسات منظم رهبران زنان توسط نماینده گان صلاحیت از هر وزارت و مکتب و مؤسسه و تفاهم نظریات بین گروه های مختلف آنان نظر دادند. لطیفه معاون لیسه زرغونه و یک نماینده شرکت آريانا راجع به حقوق زنان گفتند: در مقرری های زنان، فهم و کار در نظر گرفته شود نه شناسایی ها، و به زنانی که در داخل افغانستان بودند و مشکلات و رنج های دوره های تاریک و سیاه را تحمل کرده اند امتیاز بیشتری نسبت به آنهايکيه از خارج میایند داده شود.

فوزیه شمیم معلم لیسه فردوسی و حبیبه محصل انستیتوت طب نظامی در مورد ارتقای شاگردان کورس های زمستانی و امتحان سویه از دخترانی که در موقع قدرت طالبان از درس باز مانده اند و ترمیم و اعمار مکاتب نظر دادند.

درخانی حبیبی فهمیم معلم لیسه فردوسی و نسرین دهیار معلم مکتب نسوان بی بی مهر، پیشنهاد تمدید دوره رخصتی های ولادی را، که مدت آن در زمان طالبان ۲۰ روز شده بود، کردند.

تنظیم کننده و گرداننده کنفرانس محترم شفیقه حبیبی گوینده محبوب و سابقه دار رادیو تلویزیون افغانستان و دایرکتر مؤسسه نوا بود.

تجلیل با شکوه از چرخش آزادی تاریخی زنان افغان

چای، مباحثه و ابراز نظر تشکیل میداد که خیلی ها دلچسپ و شیدنی بود و جنب و جوش محفل را دو چندان ساخت. مجموعه نظریات را چنین جمع بندی نموده ایم:

۱- عالییه حفیظی مدیر لیسه زرغونه، عزیزه معلم لیسه زرغونه، فهمیه سکندری رئیس شفاخانه ملالی، صالحه بی غش معلم مکتب متوسطه نسوان بی بی مهر، فهمیه مدیر لیسه مریم، دگروال صبریه کارمند امنیت دولتی، داکتر نادره از شفاخانه رابعه بلخی و جنرال راضیه مدیر مکتب نرسنگ شفاخانه اردو، در مورد حجاب زنان، بعد از چادری، چنین نظر دادند: برای معلمین مکاتب یونیفورم سابق برنگ ماشی قابل قبول است. برای بقیه کارمندان دولت چادر کلان و چین یا کرتی دامن گشاد که اندام معلوم نشود و یا یونیفورم مشخص در نظر گرفته شود.

مکی سیاوش رئیس مؤسسه سندیگال و لطیفه معاون لیسه زرغونه و حفیظه رسول از مؤسسه حفاظت اطفال در یونیسف، نظر داشتند که سیاست از کتابهای تعلیمی اطفال. **حرف شری** سیمادلب نرس قابل، لطیفه عضو اکادمی علوم و طاهره معلم کودکان راجع به تبعیض در مورد زنان در ترانسپورت شهری، عدم موجودیت ترانسپورت مامورین و عدم پرداخت حق الزحمه دوکتوران نوکریوال شب شفاخانه ها و اعاده حقوق، ترفیعات کارمندان زن منفک شده در موقع قدرت طالبان صحبت کردند.

داکتر حلیمه و ثریا پوپل از اکادمی

شماره اول و دوم هفته نامه کابل را صاحب نظری برایم آورد که با دیدن آن چشمم روشن شد. چه نعمتی است آزادی - آزادی انسان - آزادی اندیشه و بیان. باری سال ها قبل در اوایل اسارت ما زن ها، مصاحبه ای که با ژورنالیست فرانسوی داشتم با خستگی و بیزاری از جهنم جنگ و راکت و بمباردمان به ستوه آمده بیشتر بر موجودیت امنیت تاکید میکردم. جمله ژورنالیست بیادم است که میگفت "شما آزادی تانرا در بدل امنیت از دست میدهد" گذشت زمان اینرا ثابت کرد، که ما گروگانی بودیم در امنیت تاریک.

مقدمه طولانی نشود، میخواستم به شما راپور محفل اجتماع بزرگی را بنویسم که بیش از دو صد تن از زنان و رهبران زنان کابل در تالار کنفرانس های شفاخانه چهار صد بستر اردو برگزار نموده بودند و شعار بزرگی آنجا نوشته بودند (تجلیل با شکوه از چرخش آزادی تاریخی زنان افغان) اشتراک کنندگان کنفرانس بعد از استماع تلاوت آیات مبارک قرآن، با بخش سرود ملی بپا ایستاده شدند و بعداً برای ابراز سرور و شادمانی از آزادی دوباره شان لحظات بشمارای کف زدند و خوشی کردند.

پیام جناب کوفی عنان خطاب به زنان افغان توسط درخانی حبیبی فهمیم قرائت شد که در آن به همبستگی ملل متحد برای احقاق حقوق زن افغان در پروسه سیاسی اجتماعی و بازسازی افغانستان تاکید شده است. بخش دوم کنفرانس را، بعد از صرف

جلد دوم کتاب

فعالیت های اجتماعی شفیقه حبیبی

بنام پروردگار یکتا

چند روز بعد از وفات پدرم در حالیکه مصروف تنظیم اسناد و اشیای پدر بودم، توگویی جرقه از نور بر افکارم پدید آمد و بیادم آورد که من کی استم و چه وظیفه مهمی بمن سپرده شده بود.

بلی، چند سال قبل پدرم خودش مرا انتخاب کرد و به اوراقی که روی میز تحریرش بود اشاره نمود و گفت: این کاری را که من شروع کرده ام تو باید ادامه بدهی و تمامش کنی. منظورم جلد دوم کتابیست که شما همین اکنون مطالعه می کنید.

سالها گذشت، وفات پدر، جنگ ها و انتحاری های زنجیری و سفر های کاری داخلی و خارجی مادرم و ده ها مسایل دیگر برای ما مجال اندیشیدن بر اوراق کتاب را نداد. فعلاً که نوشته های پدرم در یک کتاب تنظیم شده، من با وجودیکه در تمام این مدت در اروپا بودم و هستم. ولی چون همه ساله به زادگاه خود بر می گشتم به جمع آوری بعضی اسناد می پرداختم.

لطفاً مرا اجازه بدهید که تعریف کنم برای من مادرم کی است:

مادرم شفیقه حبیبی یک نمادی از عشق، محبت، مهربانی، شجاعت، مبارزه و از خود گذریست.... توگویی خداوند تمام این اوصاف را جمع کرده و از آن این موجودی را که مادر من است آفریده، مادرم با وجودیکه هزار ها کیلومتر از من دور است ولی در تمام لحظه های زندگی ام با من، و نزدیک ترین دوست من، آموزگار من در تمام امور زندگی با تمام نصایح و رهنمایی هایش در پوشش عشق بی حد و حصر.... مادرم کسیکه برای خوشبختی من از آرزو هایش منصرف شده تا من بتوانم در زندگی موفق شده و بجایی برسم که امروز هستم.... مادرم نگذاشته که من احساس تنهایی کنم. مادر عزیزم! اگرچه بهشت خدا زیر پای توست اما من همه دنیا را زیر پاهایت میگذارم و فرشی از محبت و قدر دانی پهن می کنم تا از روی آن عبور کنی.

دوستان عزیزی که همین لحظه کتب ام‌البلاغه را مرور می کنید برای نوشتن جلد دوم باید مادرم شفیقه حبیبی مرا کمک میکرد که متأسفانه بنا بر شرایط قرنطین کرونایی برای من مقدور نیست تا کابل بروم لهذا من اجازه گرفتم اسناد و عکس هایی را که از صفحه فیسبوک موسسه (نوا) که شفیقه حبیبی موسس و رییس آن است، صفحه فیسبوک انجمن زنان ژورنالیست افغان که شفیقه حبیبی موسس و رییس آن است، عکس هایی در مورد

کمک‌های خیریه بنیاد اجتماعی افغانستان که خانم حبیبی عضو بود و مسوول اجرای آن بود را درین بخش کتاب با معلوماتی از صفحات یاد شده به حیث حسن ختام بگذارم.

سلطان مسعود حبیبی

بخش اول:

طوری‌که قبلاً هم نوشته شده بعد از ختم دوره طالبان و ظهور دوره جدید، Afghan Feminine Association "موسسه زنانه افغان" که در وقت طالبان هوم سکول‌های صنایع دستی را پیش میبرد، بنام New Afghanistan Women Association (NAWA) موسسه زنان افغانستان نوین (نوا) تغییر اسم داده و هوم سکول‌ها را به سوادآموزی تبدیل نمود و برنامه تعلیمات سریع یعنی سه صنف در یک سال ۱۲ ماه را برای دختران و زنان جوان شروع نمود که دختران را بعد از ختم سه صنف به اجازه وزارت معارف و اجازه فامیل شان بعد از طی امتحان سویه در مکاتب رسمی به صنف ۴ یا ۳ داخل می نمود.



تصاویر هوم سکول‌های سواد
آموزی در قریه‌های چهلستون و
آقا علی شمس



پروژه سواد آموزی تا سال 2005 میلادی در نواحی مختلف کابل چون قلعه و کیل، میدان هوایی و مکروریان ها، چهل ستون و آغا علی شمس دوام نمود که در حدود ۸۰۰ دختر و زن باسواد شدند و تعدادی از دختران طبق پروگرام شامل مکاتب رسمی شدند و تعلیمات شانرا ادامه دادند و در پهلوی آن پروژه های کوچک آگاهی دهی و ورکشاپ ها در مورد حقوق زن در شریعت اسلام و قوانین نافذ کشور هم اجرا می شد. تا سال 2006 میلادی که موسسه نوا تصمیم گرفت به کمک مالی موسسه آلمانی GTZ پروژه تأسیس استودیو حریر پرودکشن را روی دست بگیرد و تعدادی از دختران جوان را در مورد تولید برنامه های تلویزیونی آموزش بدهد.



نشان حریر پرودکشن



تصویر از رییس موسسه GTZ



رییس موسسه نوا حین توضیح هدف پروژه



آموزش استفاده از کمرهٔ فلم برداری



آموزش تدوین برنامه های تلویزیونی

آموزش تولید برنامه های تحقیقی



آموزش فن سخنرانی توسط خانم حبیبی

حریر پرودکشن از سال 2007 میلادی تا سال 2015 میلادی در حدود ۱۵۰ برنامه و سپات‌ها (نمایشنامه‌های کوچک) تلویزیونی و رادیویی در مورد تامین حقوق زن، قانون خانواده، قانون اساسی و موادیکه در قانون اساسی حقوق زنان را تقویه نموده، منع خشونت علیه زن، توضیح عنعنات پسندیده و ناپسند، تجارت و ده‌ها موارد دیگر مربوط به زن را توسط آگاهان امور اجتماعی (زنان و مردان) تولید نموده که توسط رسانه‌های تصویری و صوتی نشر شده و به مردم آگاهی داده است.



خانم صبرینا ثاقب وکیل ولسی جرگه در سټډیوی
حریر پرودکشن در مورد حقوق زن توضیح می‌دهد



اولین میز مدور خانم حبیبی با خانم فوزیه کوفی در
مورد جنبش‌های زنان، در سټډیوی حریر پرودکشن



استاد مسعود تصویر زن در فرهنگ زبان دری را
تشریح می‌نمایند



بحث با استاد محمد ایاز نیازی در مورد
حقوق دختران در اسلام



میز مدور با مولوی عبوالولی در مورد مهر
زن از دیدگاه اسلام



میز مدور با خانم پرلیکا و آقای لیوال با
گرداندگی خانم صالحه سوما

یکی از برنامه های دلچسپ حریر پرودکشن برنامه خط قرمز بود که خانم حبیبی در اولین برنامه هدف آنرا تشریح نمود: "موسسه نوا طی مصاحبه های متعدد با آگاهان امور اجتماعی و فرهنگی توضیح و آگاهی می دهد که کدام اعمال که مقابل زن صورت میگیرد باید بالای خط قرمز باشد و کدام خشونت ها و اعمال پایین خط قرمز است که باید مقابل زن صورت نگیرد. این برنامه برای یک سال و ۴ ماه برنامه در تلویزیون خورشید، بگفته خودشان در وقت طلایی ساعت ۷ و ۴۵ دقیقه شب نشر می شد. اینجا چند عکس را من حیث نمونه آورده ایم:



خانم حبیبی در اولین برنامه با تشریح هدف آن



فهمیم کوهستانی یکی از گرداننده های برنامه
خط قرمز



مصاحبه با آقای ملک ستیز در برنامه
خط قرمز، گرداننده: داوود نجیم



مصاحبه با خانم فاطمه گیلانی در برنامه
خط قرمز



مصاحبه با آقای اجمل بلوچزاده در برنامه
خط قرمز



مصاحبه با خانم فرخنده زهرا نادری در
برنامه خط قرمز



مصاحبه با داکتر علوی در برنامه خط قرمز



مصاحبه با داکتر عالمه عالمه در برنامه
خط قرمز

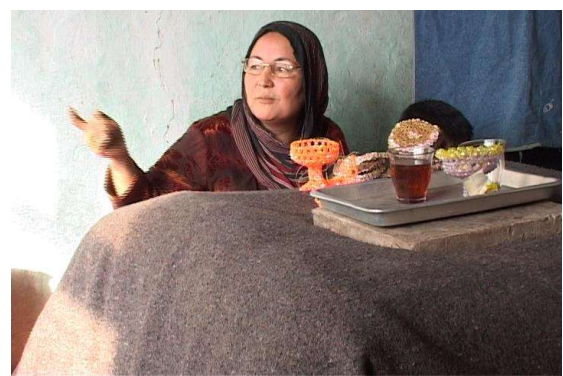


مصاحبه با خانم زرقا یفتلی در برنامه
خط قرمز



همدرد غفوری، مدیر پروژه قبل از شروع برنامه
به داوود نجیم، گرداننده برنامه هدایت میدهد

پروژه "چرا جنگ" پروژه بود از موسسه جامعه باز افغانستان و برنامه های تلویزیونی را شامل می شد که پرودیوسر، کمره مین و گوینده، آدرس های قربانیان جنگ را به کمک موسسات همکار پیدا می کردند می رفتند و قصه های رنج های شانرا ثبت می کردند. این قصه ها شامل بود بر راکت هایی که به خانه هایشان اصابت کرده بود و شهیدانی که داده بودند و ویرانی ها ... این برنامه ها از قربانیان جنگ های کابل و اطراف کابل، قریه های اطراف سالنگ، از خانه هاییکه روس ها بمبارد نموده بودند و در مزار شریف مواجه با گور های دسته جمعی شدند که در جنگ های موقع تصرف مزار توسط طالبان صورت گرفته بود.





در اخیر مصاحبه برای قربانیان مستحق مواد امدادی توزیع می‌گردد

موسسه زنان افغانستان نوین (نوا) در سال 2005 میلادی عضویت شبکه زنان افغان را حاصل کرد. خانم حبیبی به حیث عضو ارشد شبکه و زمانی هم به حیث عضو بورد شبکه در جلسات شبکه اشتراک می نمود.



عکس به تایید نوشته بالا



جلسه عمومی شبکه زنان افغان تحت ریاست
خانم حسینه صافی



خانم حبیبی عضو بود رهبری شبکه زنان
افغان حین ایراد بیانیه



خانم حبیبی در محفل سالگرد رادیو
افغانستان در تالار بزرگ رادیو افغانستان



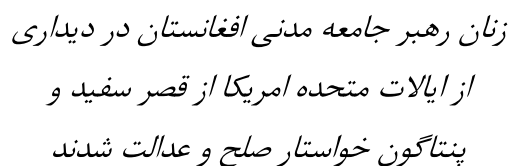
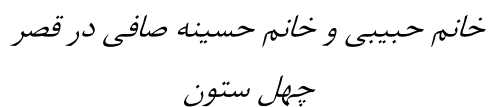
تالار کابل استار - ماری اکریمی ریس شبکه
زنان افغان و خانم حبیبی



قصر چهل ستون - وزیر اطلاعات و فرهنگ
خانم حسینه صافی در کنار خانم حبیبی



اعضای ارشد شبکه زنان افغان



پروژه ساخت فلم "فاطمه" یکی از شاهکار های فلم ساز شناخته شده افغان، انجنیر لطیف موسسه زنان افغانستان نوین بود که به زبان دری ساخته شد و بعد برای ولایات پشتو زبان به پشتو دوبله شد و زیر نویس انگلیسی نیز در آن اضافه شد. این فلم خشونت یک شوهر بی سواد و زورمند را مقابل زن و دخترش ترسیم می کند، که در ۱۲ ولایت افغانستان برای بیش از ۲۰۰۰ نفر نمایش داده شد. البته قبل از نمایش فلم مدیر پروژه به تماشاچیان تفهیم می نمود که بعد از تماشای فلم بحث آزاد است و قصه های زنانی که خشونت ها را گذرانده اند یا می گذرانند را می شنویم و بعد از آن نظریات مردان و زنان را در مورد خشونت های چون این فلم ثبت می نماییم.



صحنه های از فلم فاطمه: این جا فاطمه به حسرت می بیند به دخترانی که به مکتب میروند. پدرش وی را از مکتب منع نموده است.



فشرده تحقیق و تحلیل تجاوزات جنسی علیه زنان و اطفال در شش ولایت کشور:

شفیقه حبیبی می گوید: "من به همکاری UN-Women و قاضی هما علیزوی به یکی از جلساتی که در وزارت عدلیه به اشتراک قانون دانان داخلی و خارجی دایر میشد حاضر شدم و این مختصر تحقیق را قرائت نمودم که با کف زدن ها تأیید شد. جناب رسولی رییس جلسه گفتند: ما به این گونه تحقیقات ضرورت داریم تا قوانین ما مستند باشد، و خطاب به گروپ ما گفتند: حالا شما خودتان یک مسوده قانون تجاوزات جنسی و جزای آنرا مطابق تحقیق بسازید و به من بیاورید. درگروپ ما خانم زرقا یفتلی رییس موسسه تحقیقی زنان و اطفال، مسیحه فایز و آقای احمدی از UN-Women و بعضی دیگر حاضر بودند و این افتخار نصیب موسسه نوا شد که با این تحقیق و دادخواهی خود دریچه برای بوجود آوردن قانون را وسیله شد."

یکی از موارد حاد در جامعه افغانستان پدیده خشونت علیه زنان و اطفال است و یکی از چهره های زشت این پدیده (تجاوز جنسی) بر زنان و دختران می باشد که همواره قربانیان زیادی از این قشر جامعه گرفته و می گیرد. این تحقیق در شش ولایت تخار کندز، بلخ، جوزجان، سرپل و هرات به شکل میدانی صورت گرفت و بیش از دو هزار سوالنامه جواب داده شد و طبق پروتوکول با وزارت امور زنان، همکاری ریاست های آنوزارت را در ولایات داشت. در اینجا فیصدی نتایج سوالنامه ها را میخوانید:

- در جواب سوالی که : تجاوز جنسی در ولایت شما واقع شده یا نه؟ گزینه بلی با ۶۳,۷ درصد، در رقم بلند آمار قرار دارد.
 - به جواب سوالی که : آیا قضایا مورد پی گیری قرار می گیرند یا نه؟ در مجموع شش ولایت ۵ فیصد جواب دادند که قضایا مورد پی گیری قرار نمی گیرد.
 - علل اینکه چرا قضایا مورد پیگرد قرار نمی گیرد، ۳۶ فیصد جواب دادند که مجرمین (واسطه دار، قدرتمند و پولدار) و یا به گروه خاص منصوب هستند.
 - علل وقوع تجاوزات جنسی در مجموع شش ولایت را ، ۳۰ فیصد عدم ترس یا معافیت از مجازات و حمایت از مجرمین، ۲۷ فیصد عدم آگاهی از دین مقدس اسلام و عدم تبلیغ علمای دین درین مورد و مصارف گزاف عروسی ها که بازهم به عدم تبلیغات علمای دین در مساجد ارتباط می گیرد بیان کرده اند.
- عاملین تجاوزات جنسی:

- اشخاص با نفوذ، قومندان های مسلح و افراد مسلح غیر مسوول با ۳۵ فیصد ، بلندترین رقم آمار تحقیق را در این گزینه نشان میدهد.
- سایر افراد، شامل اعضای خانوادهٔ قربانی (مخصوصاً پدر/ برادر/ ماما/ کاکا / وغیره را ۱۸,۲ فیصد بیان کرده اند.
- فیصدی های دیگر مربوط می شود به معتادین، عقده های شخصی و تعدادی که جواب نداده اند.

همچنان روایت و چشم دیدی که پاسخ دهندگان در پرسشنامه ها درج نموده اند که مستند است ولی اکثر این قضایا به سارنوالی و محاکم اطلاع داده نشده و هم به رسانه ها گفته نشده است. از جمله ۲۴۵ روایت قضیه تجاوزجنسی که در پرسشنامه ها درج شده است ۴۰ قضیهٔ تجاوز از طرف اعضای فامیل بوده است و ۶۵ قضیه تجاوز علیه اطفال از سن ۶ ماهه الی ۱۳ ساله بوده که ۲۵ فیصد طفل ها فوراً فوت شده یا به قتل رسیده اند و تعدادی هم بعداً فوت نموده اند. به طور نمونه یک روایت را برای شما بیان می کنم:

پدر بالای سه دخترش تجاوز کرده، هنگامی که بالای دختر چهارمش می خواسته تجاوز نماید موفق نشده، زیرا دخترش صدای خود را بلند کرده و فامیلشان خبر شده. (فورم شماره ۱۰۰ ولایت بلخ)

این قضیه دو پیام بسیار مهم دارد، این دختر یک قهرمان است که صدای خود را مقابل خشونت بلند کرده و یک الگو است برای دیگر دختر ها و زنها که در مقابل هر نوع خشونتی که بالای شان واقع می شود باید صدای خود را بلند کنند، دوم اینکه وقتی یک دختر معصوم و عفیف در خانوادهٔ خود مصوون نباشد پس به کجا پناه ببرد.

یکی از یافته های دیگر تحقیق این بود که در ولایت سرپل قضایای تجاوز جنسی اکثراً توسط جرگه های موسفیدان و بزرگان منطقه با گرفتن پول از مجرم متجاوز به فامیل قربانی و یا هم با بد دادن یک دختر از فامیل متجاوز به فامیل قربانی ختم می شود که متأسفانه قربانی تجاوز جنسی باز هم زن و دختر است.

موسسهٔ نوا مجموعهٔ مکمل از ارقام و آمار تحقیق و نظریات کارشناسان کارگاههای تحلیلی را با روایات و چشم دید ها در رسالهٔ چاپ نموده است. در پایین چند نمونه از ورکشاپ های تحلیلی با اهل خبره در مورد دریافت عوامل تجاوزات جنسی علیه زنان و اطفال را میبینید.



تدویر کارگاه در ولایت قندز



کارگاه دریافت عوامل و راه حل در مورد تجاوزات
جنسی علیه زنان و اطفال در ولایت سرپل



تدویر کارگاه در ولایت هرات



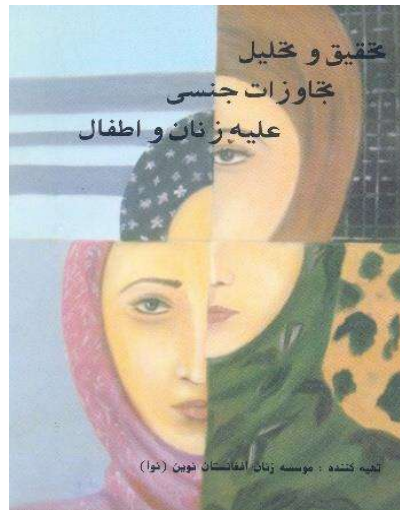
تدویر کارگاه در ولایت جوزجان



کارگاه دریافت عوامل و راه حل در مورد تجاوزات
جنسی علیه زنان و اطفال در ولایت بلخ



تدویر کارگاه در ولایت تخار



رساله تحقیق و تحلیل تجاوزات جنسی علیه زنان
آمار و ارقام در شش ولایت

پروژه مهم UN-Women بنام کمیسیون های منع خشونت علیه زنان، بر اساس قانون منع خشونت علیه زنان در سه بخش تطبیق می شد. در بخش اول، جلسات کمیسیون اصلی در وزارت امور زنان و با اشتراک اعضای کلیدی وزارت های مربوط؛ که در قانون ذکر شده، جلسات کاری دایر می نمود و کمیسیون های ولایتی به ریاست والی ولایت و رؤسا و آمرین مربوط مطابق قانون منع خشونت جلسات ماهوار می گرفتند و قضایای خشونت مقابل زنان را که به ریاست های زنان و یا سارنوالی ولایات مراجعه نموده بودند بطور جمعی مورد بحث و مذاقه قرار می دادند و بعداً به ارگان مربوطه محول می کردند. بخش دوم این پروژه آگاهی دهی از قانون منع خشونت بود که این بخش را موسسه نوا به چند ساحه تقسیم نموده بود. آگاهی دهی به مردم در قریه ها و ولسوالی ها و آگاهی دهی به کدر های جوان پوهنتون ها و دریافت راه حل خشونت علیه زنان. و بخش سوم آن آگاهی دهی به دختران لیسه های صنوف بالا و آموزش دختران جوان از تکنالوژی کامپیوتر و انترنت بود که برای آن مرکز منابع و یا ریزورس سنتر با وسایل مکمل آموزش در یک اطاق مخصوص توسط UN-Women تهیه شده بود. موسسه نوا به حیث هم آهنگ کننده و تقویه کننده لوژستیک در ۵ ولایت بلخ، جوزجان، سرپل، کاپیسا و پروان این پروژه را تطبیق می نمود و همه موارد را در دوسیه ها بطور مکمل توسط هم آهنگ کننده ها شامل ساخته است. خانم حبیبی رییس موسسه

نوا قبل از تطبیق با والیان ولایت‌ها در مورد هم‌آهنگی و همکاری مشترک ملاقات می‌نمود. در این پروژه که از سال 2016 میلادی تا سال 2019 در پنج ولایت در سه بخش دوام داشت، در حدود ۴۵۰۰ نفر در قریه‌ها آگاهی دیدند و در پوهنتون‌ها و مکاتب هم‌آگاهی و هم‌ابراز نظر و جستجوی راه حل کردند و به صد‌ها قضیه خشونت علیه زن در کمیسیون‌ها عادلانه حل و فصل شد.



دیدار هماهنگی با والی پروان آقای سالنگی برای برگزاری برنامه‌های کمیسیون منع خشونت علیه زنان



جلسه آگاهی دهی عامه در ولایت پروان

دیدار هماهنگی با والی پروان آقای عاصم عاصم



جلسه ارزیابی فعالیت‌های هم‌آهنگ کننده
در ولایت پروان

مرکز منابع ولایت پروان



جلسه آگاهی دهی عامه در ولایت بلخ



جلسه کمیسیون منع خشونت علیه زن در ولایت بلخ



تصاویر از جلسات آگاهی دهی شاگردان و مرکز منابع کمیسیون در ولایت بلخ



جلسه کمیسیون با مقام ولایت جوزجان



ارزیابی فعالیت های هم آهنگ کننده در ولایت بلخ



جلسه هماهنگی با با والی جوزجان و ورکشاپ ارتقای ظرفیت اعضای کمیسیون در ولایت جوزجان



جلسه ارزیابی ولایت جوزجان



جلسه آگاهی دهی عامه در ولایت جوزجان



جلسه کمیسیون منع خشونت علیه زنان در ولایت کاپیسا



جلسه هماهنگی با والی ولایت کاپیسا



جلسه ارزیابی دوسیه های ولایت کاپیسا



تصویر از جلسات آگاهی دهی برای شاگردان در ولایت کاپیسا



مرکز منابع ولایت کاپیسا



جلسه آگاهی دهی عامه برای پولیس های ولایت کاپیسا



جلسه آگاهی عامه در ولایت سرپل



جلسه هماهنگی با والی ولایت سرپل



جلسه آگاهی دهی برای محصلین در ولایت سرپل



جلسه کمیسیون منع خشونت عیه زنان به اشتراک والی
ولایت سرپل



جلسه آگاهی دهی برای محصلین و تصویر دیگر مرکز منابع کمیسیون در ولایت سرپل



ارزیابی فعالیتهای ولایت سرپل و جلسه هماهنگی در ریاست امور زنان ولایت سرپل





تصویر خانم حبیبی و کارمندان موسسه نوا در دعوتی در هوتل سرینا با خانم هنگامه انوری مسوول کمیسیون منع خشونت علیه زن در UN - Women

به هدایت UN-Women موسسه نوا وظیفه گرفت تا ورکشاپ های ارتقای ظرفیت و تهیه پلان استراتژیک را توسط اعضای کمیسیون های منع خشونت علیه زن برای خود کمیسیون ها تهیه نماید. به طور نمونه عکس چند ولایت را در اینجا نشر می نماییم. که درین بخش اول آموزگاران آقایان فیضی و امیری به اعضای کمیسیون در مورد ستراتیژی و ساختار و مفیدیت پلان ستراتیژیک توضیحات می دهند و بعد از نظریات جمع شده اعضای کمیسیون هر ۵ ولایت ستراتیژی را آماده می کنند.



ورکشاپ ارتقای ظرفیت و تهیه پلان استراتژیک برای کمیسیون منع خشونت علیه زن در ولایت پروان



ورکشاپ ارتقای ظرفیت و تهیه پلان استراتژیک برای کمیسیون منع خشونت علیه زن در ولایت جوزجان



ورکشاپ ارتقای ظرفیت و تهیه پلان استراتژیک برای کمیسیون منع خشونت علیه زن در ولایت بلخ

پروژه آموزش رهبریت برای دختران تحصیل یافته در پوهنتون ولایت بلخ برای دختران صنوف ۴ فاکولته حقوق طی یک ماه برای محصلان پوهنتون دولتی و پوهنتون های شخصی آن ولایت برای یک ماه تطبیق شد. که بصورت تیوری و عملی رهبریت، اداره، دادخواهی، شبکه سازی و دیگر موارد مرتبط به مدیریت را اموختند و کار های گروهی صورت گرفت که در اخیر تمام مواد آموزش رهبریت در یک رساله چاپ شد.



پروژه آموزشی رهبریت برای دختران پوهنتون ننگرهار ولایت ننگرهار



پروژه آموزشی رهبریت برای دختران پوهنتون ولایت بلخ



توزیع سرتفیکیت در ننگرهار

پروژه آموزشی رهبریت برای دختران
پوهنتون ولایت بلخ



نمونه از سرتیفیکیت برای دختران ولایت بلخ

پروژه های متعدد آگاهی دهی از حقوق شرعی و مدنی زنان و مردان درقریه جات ولایت کاپیسا، ولسوالی های ولایت کابل و لوگر و دیگر ولایات تطبیق شده است. که به طور نمونه ولایت کاپیسا را در اینجا نشر می نماییم.



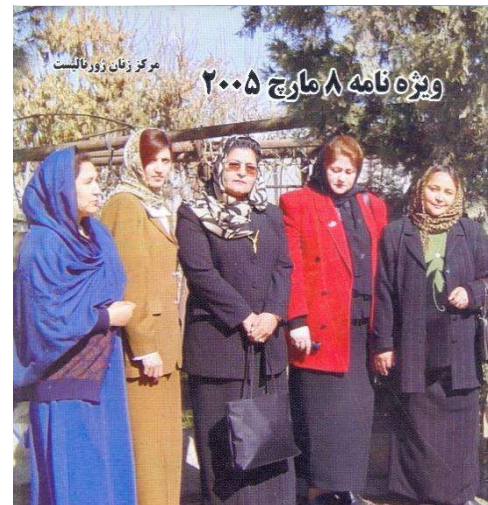
ورکشاپ آگاهی دهی برای زنان و مردان در ولایت کاپیسا

بخش دوم: کار خانم شفیقه حبیبی در انجمن زنان ژورنالیست افغان بحیث مسوول وموسس

اولین اتحادیهٔ زنان ژورنالیست در تاریخ مطبوعات کشور در 8 مارچ 2005 میلادی مطابق ۱۸ حوت ۱۳۸۴ شمسی بنام مرکز زنان ژورنالیست توسط خانم حبیبی تاسیس شد که چند سال بعد بنام انجمن زنان ژورنالیست افغان در وزارت عدلیهٔ افغانستان راجستر شد. این انجمن یکی از اعضای موسس فدراسیون ژورنالیستان افغانستان می باشد.



خانم حبیبی حین امضای تفاهمنامه بادیگر موسسین
که به ایجاد فدراسیون ملی ژورنالیستان انجامید



ویژه نامه تاسیس مرکز زنان ژورنالیست -
۱۳۸۴ شمسی 2005



رساله معلوماتی در مورد ورکشاپ
ارتقای ظرفیت زنان ژورنالیست به
کمک مالی کمیته سویدن برای
افغانستان

انجمن در ۱۲ ولایت کشور نمایندگی دارد. بلخ، جوزجان، پروان کاپیسا، ننگرهار، بغلان، فراه، فاریاب، لغمان، هرات . بامیان و بدخشان.



نمایندگی انجمن در ولایت فراه



نمایندگی انجمن در ولایت بلخ



افتتاح نمایندگی انجمن در ولایت بغلان



نمایندگی انجمن در ولایت هرات



نمایندگی انجمن در ولایت فاریاب



نمایندگی انجمن در ولایت ننگرهار



نماینده‌گی انجمن در ولایت جوزجان



نماینده‌گی انجمن در ولایت پروان



نماینده‌گی انجمن در ولایت لغمان



نماینده‌گی انجمن در ولایت بدخشان

انجمن زنان ژورنالیست افغان در سال 2009 میلادی با سازمان زنان ژورنالیست فنلند قرار دادی را عقد نمود که بر اساس این قرار داد همه ساله زنان ژورنالیست فنلند به افغانستان می‌آمدند و ورکشاپهای یک هفته‌ای در کابل و ورکشاپ‌های سه روزه در ولایات دایر می‌نمودند. کمک مالی این قرار داد را وزارت خارجه فنلند می‌نمود که به همین اساس همه ورکشاپهای کابل را سفیران فنلند در کابل افتتاح می‌کردند. تمام مصارف ورکشاپ را خود زنان ژورنالیست فنلند می‌پرداختند و انجمن صرف مسوولیت تنظیم ویزه‌ترینان فنلندی را در وزارت خارجه افغانستان و تنظیم ورکشاپ‌ها در کابل و ولایات را داشتند.



سفیرای مختلف فنلند در زمان های مختلف ورکشاپ های زنان ژورنالیست فنلندی در کابل را افتتاح میکنند



اعضای انجمن زنان ژورنالیست در سالون ترینگ در کابل



دعوت سفیر فنلند از اعضای ورکشاپ ژورنالیستان فنلندی



یکی از اعضای انجمن حین توضیحات در مورد فعالیت های انجمن به مهمانان .

ولایت بامیان یکی از ولایاتی است که زنان ژورنالیست مسلکی ندارد چون فاکولتۀ ژورنالیسم در آن جا نیست. لهذا موسسۀ نوا در بامیان نمایندگی موقت خویش را ایجاد نمود و بعداً برای تدویر ورکشاپ زنان ژورنالیست به نمایندگی بامیان هدایت داد که دختران فاکولته های ادبیات و حقوق را که در آن ولایت بودند در ورکشاپ جمع نمایند و برای شان ژورنالیسم و فوتو ژورنالیسم تدریس شد.



تصویر یادگاری ژورنالیستان فنلندی با شاگردان ورکشاپ



ورکشاپ دختران بامیانی



تصاویر محصلین ولایت بامیان که تصدیق نامه ورکشاپ انجمن زنان ژورنالیست را گرفتند



دومین و سومین مجمع عمومی انجمن زنان ژورنالیست که خانم حبیبی مجدداً منحیث رییس انجمن تعیین شد

در نشست‌هایی که در ارگ ریاست جمهوری صورت گرفت، نمایندگان انجمن زنان ژورنالیست افغان از ۹ ولایت کشور توسط شفیقه حبیبی رییس انجمن به بانوی اول معرفی شدند.

خانم رولا غنی بانوی اول افغانستان که خود ژورنالیست بوده است خطاب به زنان جوان خبرنگار گفتند: "برعلاوه نکاتی که باید خبر نگاران برای بهبود هویت خبر و گزارش رعایت کنند یعنی صحت، سرعت، دقت، املا و انشاء و تحلیل درست باید گزارش‌هایی تهیه نمایند که بالای زندگی مردم و جامعه تاثیر گذار باشد و به مردم ذهنیت مثبت بدهد."



خانم حبیبی رییس انجمن با سایر اعضای انجمن از کابل و ولایات در ملاقات با بانوی اول



بانوی اول با اعضای انجمن که قرار بود با دعوت وزارت خارجه فنلند به آن کشور سفر کنند

در روز افتتاح ورکشاپ (آموزش یکجایی) برای اعضای انجمن زنان ژورنالیست افغان که به هدف آماده سازی بانوان به حیث مربی دایر شده بود، خانم (ان مسکینین) سفیر کشور دوست فنلند در کابل، که خود زمانی ژورنالیست بود، گفت: به شما افتخار می کنم در چنین وضعیت کشور تان که امنیت خوبی ندارید وظیفه خبرنگاری را انتخاب نموده اید. خانم سفیر از اشتراک خود در ورکشاپ اظهار خورسندی نموده خطاب به بانوان خبرنگار گفت: من همیشه خواسته ام که از خبرنگاران و

آزادی بیان حمایت شود و شما خبرنگاران حق دارید که دولت تان از شما و جان شما حمایت کند. شما با وجود چالش‌ها مبارزه و تلاش نموده و کار می‌کنید. من در طول ۱۴ ماه بررسی که در افغانستان داشتم وضعیت زنان آهسته آهسته تغییر میکند و بهتر میشود. در ادامه خانم حبیبی رییس انجمن زنان ژورنالیست ضمن سپاس گذاری از حضور خانم سفیر صحبت‌های ارزنده را که در رابطه به مسلک ژورنالیسم برای اشتراک کننده گان ورکشاپ ارایه داشتند تشکر نمود.



خانم ان مسکینین *Ann Meskeneen* سفیر فنلند با خانم شفیقه حبیبی در ورکشاپ زنان ژورنالیست فنلندی با اعضای انجمن زنان ژورنالیست افغان

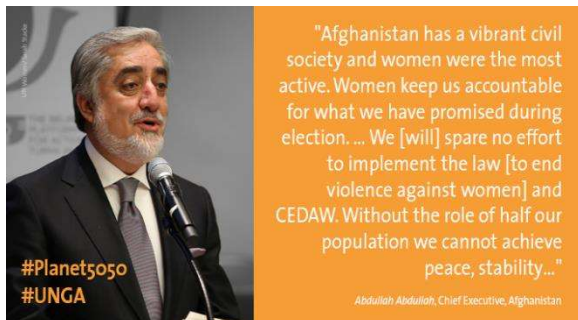
کنفرانس‌های ملل متحد بوسیله زنان و برای زنان UN World Conferences on Women

مجموع کنفرانس‌های متداوم جهانی و جلسات عمومی ملل متحد بوسیله زنان و در مورد زنان از تاثیر فزاینده و علاقمندی و دلبستگی شدید، خرد و اندیشمندی، اعتقاد و تعهد قوی جنبش زنان شکل گرفته است و نیروی قوی و تنظیم شده زنان در عقب آن هست.

هشتمین کنفرانس (بیجینگ 20+) مارچ 2015 میلادی به اشتراک رهبران کشور های عضو سازمان ملل متحد و انجوها از تمام کشور های جهان در شهر نیویارک برگزار شد. در این کنفرانس رهبران و سران بعضی کشور ها به شمول داکتر عبدالله عبدالله رییس اجرایی افغانستان و انگلا مرکل وعده دادند که پلان تساوی جنسینی را تا سال 2030 تطبیق می کنند.



خانم حبیبی رییس انجمن موقع توضیح کنفرانس های سازمان ملل متحد بوسیله زنان و برای زنان و تشریح سخنرانی خانم "کولندا گرابر" رییس جمهور کروشیا ، و وعده ایشان برای تطبیق تساوی جنسیتی.



داکتر عبدالله عبدالله نماینده افغانستان و انگلا مرکل در هشتمین کنفرانس (بیجینگ 20+) مارچ 2015 میلادی در شهر نیویارک از تلاش برای منع خشونت در برابر زنان، تساوی جنسیتی، رشد زنان در کشور های رو به انکشاف و رشد تشبثات آنان وعده دادند .



اعضای انجمن موقع گرفتن سرتفیکیت بعد از ختم ورکشاپ



خانم حبیبی دسته گلی را به سفیر فنلند خانم مسکینین به پاس زحمات شان برای زنان ژورنالیست افغان در ختم ماموریت شان در افغانستان اهدا کرد



عکس یادگاری سفیر فنلند و آخرین دیدار با اعضای ورکشاپ

برنامه ارتقای ظرفیت زنان ژورنالیست در مناطق دور دست افغانستان که از طرف یونسکو تمویل می‌شد، تعدادی از زنان ژورنالیست مرکز ولایت کندز به شمول زنان ژورنالیست از ولایات بدخشان، تخار و بغلان در ولایت کندز برای سه روز ژانر های ژورنالیسم و تهیه گزارش تحقیقی و گزارش های تلویزیونی و ده ها مطلب دیگر را آموزش دیدند.



ملاقات ژورنالیستان با خانم ارینا بوکوکوا رییس عمومی یونسکو که به کابل آمده بود:

درین نشست خانم شفیقه حبیبی در مورد فعالیت ها و پیشرفت های انجمن زنان ژورنالیست و مخصوصاً تاسیس نمایندگی های انجمن در ولایات و چاپ مجله زنان ژورنالیست و بروشور های انجمن توضیحات داد که مورد دلچسپی خانم بوکوکوا قرار گرفت. و خانم بوکوکوا از این همه پیشرفت انجمن زنان ژورنالیست اظهار خوشحالی نمود.

مسوول یونسکو در کابل در روز آزادی مطبوعات بعد از بیانیه خود گفت: "تنها استقلالیت، شخصیت و بی طرفی و قضاوت خوب روزنامه نگاران می تواند که بر طوفان های وحشت ناک دنیای امروزی که آزادی مطبوعات و اطلاعات را برهمه جا تهدید می کند غلبه نماید. ما درحقیقت به روزنامه نگاری مدرن نیاز داریم که انتقاد بکند و تحقیق بکند همچنان به شکل حرفه ای با اخلاق خبرنگاری کار خود را انجام بدهند، تا بر مبنای قانون، ما پی گیری کنیم."



تجلیل از روز جهانی رادیو در تالار رادیو تلویزیون ملی



خانم حبیبی حین ایراد پیام رییس یونسکو بمناسبت روز جهانی رادیو

جهت ارتقای ظرفیت خبرنگاران شبکه خبر رادیو تلویزیون ملی و ورکشاپ‌های متعدد از طرف انجمن زنان ژورنالیست افغان به آموزگاری خبرنگار مجرب و سابقه CNN خانم تانیا مهنّا در رادیو تلویزیون ملی دایر شد. خانم تانیا ابراز خوشی میکرد که برایش موقع میسر شد تا تجارب خود را با ژورنالیستان افغان شریک بسازد. خانم تانیا با خبرنگاران شبکه خبر رادیو تلویزیون ملی در ورکشاپ‌ها روی اینکه چگونه گزارش‌های تلویزیونی خود را دلچسپ بسازیم و رسانه‌های کلاسیک و رسانه‌های مدرن چگونه با هم فعالیت می‌کنند و بعضی مطالب دیگر کارهای عملی میکرد.



جریان ورکشاپ شبکه خبر تلویزیون ملی



عکس یادگاری خبرنگاران شبکه خبر رادیو تلویزیون ملی بعد از ختم ورکشاپ ارتقای ظرفیت خبرنگاری و اخذ تصدیق نامه

خانم شفیقه حبیبی رییس انجمن، آقای انخوور رییس رادیو تلویزیون ملی و خانم زهره یوسف مشاور مطبوعاتی بانوی اول در ورکشاپ به حیث ناظر

انجمن زنان ژورنالیست افغان منحيث اولين انجمن حمايت كننده از زنان ژورناليست در صدد رفع چالش‌های موجود فرا راه زنان ژورناليست آموزش‌های حرفه‌ای و زمینه‌کاریابی آنان تلاش می‌نمود که برای تحقق این اهداف یک سری ملاقات‌ها با نهاد‌های مختلف ملی و بین‌المللی صورت گرفت. که روی اهمیت ژورنالیسم و راه‌های حل برای چالش‌های موجود بحث و تبادل نظر نموده طرفین حمایت‌شان را از زنان ژورنالیست اعلام نمودند.

طی نشست خانم شفیقه حبیبی رییس و اعضای انجمن زنان ژورنالیست افغان با خانم شرمینی Sharmini Boyal رییس موسسه‌انترنیوز در دفتر کارش در کابل داشتند. خانم حبیبی در رابطه به انجمن زنان ژورنالیست افغان، کارکرد‌ها و دست‌آورد‌های انجمن صحبت نموده، هدف انجمن را ارتقای ظرفیت زنان ژورنالیست و دفاع از حقوق‌شان در رسانه‌ها و نهاد‌های ژورنالیستی بیان نموده و به سوالات مطرح شده در زمینه پاسخ‌ارایه نمودند. در ادامه خانم شرمینی از فعالیت‌های انجمن زنان ژورنالیست افغان ستایش نموده و ایجاد چنین انجمن‌ها را دستاورد بزرگ برای زنان افغان خواند. وی اضافه نمود: انترنیوز از پانزده سال بدینسو در افغانستان فعالیت داشته و از رسانه‌ها پشتیبانی می‌کند. خانم شرمینی همچنان گفت: تمویل‌کننده‌گان بین‌المللی رشد رسانه‌ها را در افغانستان دست‌آورد بزرگ می‌دانند. وی افزود: ما تلاش داریم تا برنامه‌های که بیشتر مربوط به زنان شود را در اولویت کاری خود قرار دهیم و در زمینه رشد و ارتقای زنان و گسترش اطلاعات‌شان به ویژه در نقاط دور دست بیشتر فعالیت کنیم. در اخیر خانم شرمینی ضمن تشکری از زنان ژورنالیست وعده همکاری‌های مزید به انجمن زنان ژورنالیست افغان نمود.



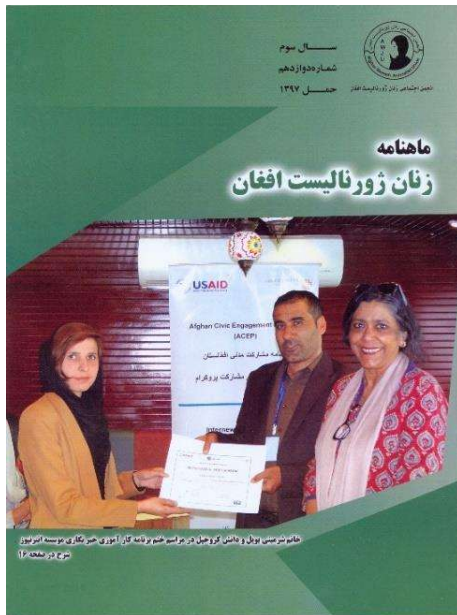
جریان ملاقات با خانم شرمینی بویال رییس انترنیوز در کابل

خانم (مارجوری روز) معاون دفتر مرکزی انترنیوز برای آسیا با موسسات همکار انترنیوز نشست و بحث کاری و پاسخ دهی داشت. هر کدام در مورد پروژه های شان توضیحات دادند. خانم حبیبی ضمن صحبت از همکاری انترنیوز با زنان ژورنالیست تشکر نمود و در ادامه خانم مارجوری روز از همکاری موسسه های همکار قدر دانی نموده و اضافه کرد: "درین مقطع حساس، شما سخت ترین کار ها را انجام می دهید و جرأت شما قابل قدر است."



تصویر ملاقات با خانم مارجوری روز

اولین همکاری انترنیوز به انجمن زنان ژورنالیست افغان تولید و نشر ماهنامه زنان ژورنالیست بود، بخاطر نشر کار های عملی برنامه کار آموزی خبر نگاری (انترنشیپ) برای دانش آموختگان اناث فارغ فاکولته ژورنالیزم از کابل و ولایات. در این برنامه بعد از امضای قرار داد با انترنیوز محصلان اعضای انجمن زنان ژورنالیست از کابل و ولایت درخواستی هایشان را به موسسه انتر نیوز فرستادند و موسسه به همکاری انجمن تعداد مشخص اعضای انجمن را که قبلاً تجربه کاری نداشته باشند انتخاب می کردند. و مطابق قرار داد در هر مجله دو یا سه صفحه وقف گزارشات خبر نگاران انترنشپ بود.



تصویر/ اخذ سرتیفیکیت یکی از شاگردان
انترنشیپ/ انترنیوز به نام بهشته محمدی



سری از مجلات چاپ شده به کمک مالی انترنیوز

پیام انجمن AWJU در مورد آغاز نشرات مجله زنان ژورنالیست:

آغاز نشرات ماهنامه زنان ژورنالیست افغان را به تمام خبرنگاران افغان از صمیم قلب تبریک می‌گویم و یقیناً این یک گام بسیار مثبت جهت آگاهی زنان از امور مختلف اجتماع و خانواده خواهد بود. خوشحالم که دیموکراسی نو پای افغانستان و آزادی بیان زمینه‌های کاری زیادی را در این رشته بروی دختران و زنان باز کرده و امیدوارم در این راه موفقیت‌هایی نصیب‌شان گردد.

تجربه خبرنگاری و تحصیل در این رشته برایم ثابت ساخته که کار خبرنگاری به همان اندازه که دلچسپ می‌باشد مشکلات و چالش‌های فراوان خود را هم دارد. نقش زنان خبرنگار در جامعه امروزی ما فوق‌العاده مهم است، زنان و دختران خبرنگار باید سعی ورزند تا ظرفیت‌های کارشان را در ساحت خبرگذاری بلند برده و واقعیت‌های جامعه‌شانرا با در نظر داشت منافع ملی به مردم برسانند و اگر در ساحت خبرگذاری تحقیقی کاری انجام می‌دهند باید اسناد و شواهد موثق مطرح گردد تا قادر به جلب اعتماد مردم و جامعه خود گردند.

دومین همکاری انترنیوز پروژه شش ماهه (زنان و رسانه) بود که توسط انجمن زنان ژورنالیست افغان در کابل و ولایات جوزجان، فراه و ننگرهار موفقانه پیش برده شد. به گفته خانم حبیبی رییس انجمن این پروژه سه هدف را دنبال می‌کرد:

۱- آموزش ۶ تن از اعضای برجسته انجمن ار ولایت های دور دست به حیث ترینر ۲- آموزش اساسات ژورنالیزم به تعدادی از زنان که مسلکی نیستند ولی در رسانه کار می‌کنند، توسط ۶ تن ترینران آموزش دیده. ۳- معرفی دو قانون مهم (قانون آزار و اذیت زنان و اطفال و قانون دسترسی به اطلاعات) به مسوولان رسانه ها، نهاد های دولتی و مردم در کمپاین های ختم برنامه در هر ولایت.



موقع دریافت سرتیفیکیت و کار گروپی اعضای ورکشاپ در ولایت فراه



در برنامه ولایت جوزجان قانون آزار واذیت زنان به
طور نمایشنامه در کمپاین آرایه گردید



نماینده انجمن در جوزجان هنگام تشریح قانون
دسترسی به اطلاعات در کمپاین.



مدیر پروژه هدف برنامه را برای
رییس امور زنان ننگرهار تشریح
میکند



آموزگار با اشتراک کننده گان
ورکشاپ در ولایت ننگرهار



کمپاین برنامه در ریاست امور زنان ولایت
ننگرهار

سومین همکاری انترنیوز (توسعه رهبریت برای زنان جوان خبرنگار) پروژه دلچسپی بود که بخش اول آن کورس سه ماهه بود که آموزش رهبریت توسط آقای خلوتگر بود و برای ارتقای ظرفیت یک رهبر ضرورت به آموزش بخش های دادخواهی، تساوی جندر، بلند بردن اعتماد به نفس و تقویه سخنرانی عقب تریبیون، مصاحبه ها و میز های مدور نیز بود که همش به شکل تیوری و عملی توسط کمره ثبت می شد و بعداً در مونیتور شاگردان می دیدند که خانم حبیبی آموزش می داد و هم اشتباهات شانرا توضیح می نمود. و بخش اداره و انواع مدیریت و مکتوب نویسی توسط عمر سعید تدریس می شد.



خانم حبیبی حین آموزش کورس تیوری سخنرانی کار عملی سخن رانی عقب تربیون

تریننگ رهبریت توسط آقای خلوتگر



کار گروهی



کار عملی میز مدور

بعد از تکمیل کورس یک گروه رهبران زن ژورنالیست تعیین شدند که به رادیو ها بروند و وضعیت زنان در تلویزیون ها را از نگاه تساوی جندر و چالش هاییکه با آن مواجه هستند ارزیابی کنند و راپور بیاورند. برای پیدا کردن چالش ها، رهبران جوان انجمن زنان ژورنالیست با روسای تلویزیون در مورد، بحث و گفتگو نمودند و گزارش این چالش ها با انترنیوز و فدراسیون شریک گردید و انجمن زنان ژورنالیست با هدایت انترنیوز با چندین عضو فدراسیون در مورد دریافت راه حل برای این چالش ها ملاقات نمود.



دادخواهی تساوی جنسیتی در تلویزیون زن



دادخواهی تساوی جنسیتی در تلویزیون آرزو



دادخواهی تساوی جنسیتی در تلویزیون تمدن

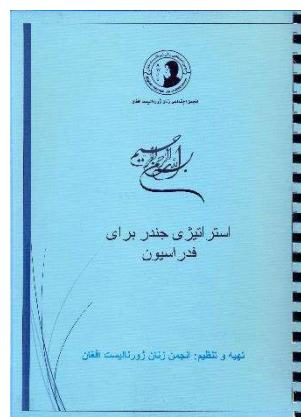


دادخواهی تساوی جنسیتی در تلویزیون میوند



خانم حبیبی نظریات آقایون تسل، پویا و مجددی اعضای فدراسیون ژورنالیستان را برای چگونگی مبارزه با چالش‌های نابرابری جنس میگیرد

بخش دیگر، تقویۀ شبکه زنان فدراسیون ژورنالیستان بر محور تساوی جنسیتی یا جنس در فدراسیون ژورنالیستان افغانستان بود که برای این منظور چند کار صورت گرفت، اول انجمن ستراتیژی جنس در برای فدراسیون را آماده نمود و طی جلسۀ به آقای فهیم دشتی رییس فدراسیون تقدیم کرد. و دوم در دعوت چاشتی که انجمن به اعضای فدراسیون ژورنالیستان و نمایندگان انترنیوز داد، خانم حبیبی استراتژی جنس را برای حاضرین توضیح داد. سوم تعدادی از رهبران جوان انجمن را که آموزش تیوریک و عملی دیده بودند به تمام اعضای فدراسیون معرفی نمود.

تقدیم سند استراتژی جنس به فهیم دشتی
رییس فدراسیون توسط شفیقه حبیبی



خانم حبیبی در حال توضیح استراتژی جندر



معرفی رهبران جوان موسسه نوا

سند ستراتیژی جندر برای فدراسیون شامل تارخچه فدراسیون، مقدمه، اهداف، دورنمای فدراسیون و تحلیل SWOT و ماموریت می باشد که ما در اینجا صرف ماموریت اعضای فدراسیون را تشریح می کنیم: با استفاده از قوت ها و فرصت ها و با در نظر داشت ضعف های فدراسیون زنان اعضای اصلی فدراسیون تصمیم گرفتند تا در روشنی رهنمود جندر که از سوی انترنیز تهیه شده و به اعضای فدراسیون شریک شده بود گروه رهبران جوان زنان ژورنالیست را تشکیل نمایند که خوشبختانه این گروه از هر سه نهاد زنان فدراسیون تشکیل شد. این گروه رهبران جوان ماموریت خود را مطابق به اهداف ستراتیژی به پیش می برند و داد خواهی می کنند:

۱. تا اطمینان حاصل نمایند که صدای زنان در روند توسعه در رسانه ها شنیده می شود،
۲. متیقن شوند که در تمام برنامه های آموزشی برابری جنسیتی در نظر گرفته می شود،
۳. موفق شوند تا فضای را در فدراسیون و رسانه ها ایجاد کنند که در آن همه اعضا (مردان و زنان) به یک اندازه مورد احترام قرار گیرند و از فرصت ها و دست آورد ها بصورت عادلانه بهره مند شوند. و در موارد دیگر هم رهبران جوان ژورنالیست دادخواهی می کنند:
۴. استخدام زنان ژورنالیست مسلکی در پست های رهبری و کلیدی رسانه ها،
۵. مسلکی سازی کارمندان در عرصه پرودیوس برنامه ها و خبر نگاری در رسانه ها،
۶. اتخاذ تدابیر جدی به منظور مصونیت خبرنگاران بصورت عمومی و ویژه زنان ژورنالیست در رسانه ها،
۷. اتخاذ تدابیر جدی برای جلوگیری از آزار و اذیت جنسی زنان و دختران در رسانه ها در روشنی مواد قانون منع آزار و اذیت زنان و اطفال،

۸. مبارزه جدی علیه هر نوع تبعیض به خصوص تبعیض جنسیتی در برابر زنان در رسانه ها در روشنی ماده ۲۲ قانون اساسی کشور و ماده ۹ قانون کار،
 ۹. تاکید به پرداخت مزد مساوی در مقابل کار مساوی میان زنان و مردان خبر نگار در رسانه ها در روشنی مفاد ماده ۹ قانون کار،
 ۱۰. بررسی و ایجاد سهولت ها برای مشارکت زنان در رسانه ها مطابق به ماده های ۱۲۶ و ۱۳۴ قانون کار،
 ۱۱. تاکید بر توضیح رخصتی های زنان شاغل در رسانه ها در روشنی ماده ۵۴ قانون کار.
- و در بخش دیگر موسسات زنان ژورنالیست عضو فدراسیون تصمیم گرفتند تا جلسات مشترک با نماینده انترنیوز بگیرند و فعالیت های شانرا شریک کنند که درین جلسات از هر موسسه رهبران جوان هم شامل باشند تا تجربه بیاموزند و اعتماد به نفس شان تقویه شود.



شریک ساختن فعالیت های بین موسسات زنان فدراسیون با انترنیوز



مجلس اختتامیه برنامه توسعه رهبریت زنان جوان خبرنگار

در ضیافت چاشتی که در اقامتگاه آقای آندرس شوبرگ سفیر کشور دوست سویدن برای اعضای اتحادیه زنان ژورنالیستان افغان ترتیب شده بود رییس و اعضای بورد رهبری انجمن آقای آندرس آرویرسن سکرتر دوم و مشاور سیاسی سفارت شرکت نموده بودند.

هدف از این نشست نظر خواهی روی مسایل ذیل بود:

- حمایت از آزادی بیان که کشور سویدن ۲۵۰ سال قبل قانون آن را تصویب نموده است،
- مصوونیت ژورنالیستان،
- کمک کشور سویدن برای اشتغال زایی در افغانستان در ده سال آینده،
- تنظیم مقررہ حقوق بیمه جانی و مالی کارمندان رسانه ها،
- چالش های فرا راه زنان ژورنالیست افغان در جامعه و رسانه ها و تعهد زنان ژورنالیست به دفاع از آزادی بیان،
- سرنوشت پناہجویان افغان در سویدن.





ملاقات رئیس و اعضای انجمن زنان ژورنالیست افغان با آقای دومینیک مدلی سخنگو و رئیس ارتباط با رسانه های دفتر یوناما در مورد تقویت روابط با رسانه ها و ژورنالیستان صورت گرفت.

هیأت علمی هژده نفری به ریاست سید مخدوم رهین وزیر اطلاعات و فرهنگ به دعوت (Coichiro Matsuura کویچیرو متسورا) جنرال دایرکتر یونسکو به پاریس سفر نمودند. در کمیته کاری آقای معروفی مشاور رئیس جمهور به حیث رئیس و خانم حبیبی ژورنالیست مطرح بحیث معاون و داکتر ظاهر صدیق به حیث منشی کمیته تعیین شدند که به همکاری محمد ظاهر عزیز سفیر افغانستان در یونسکو همه اعضای حاضر در کمیته کاری روی تمام مسایل ارتباطات و معلومات Communication and Information در ارتباط به رسانه های همگانی افغانستان و فاکولته ژورنالیزم و وزارت اطلاعات و فرهنگ، مقالات مهم علمی تهیه و ارائه نمودند. هدف از بررسی و تهیه مقالات علمی تنظیم کتابی بود از مجموعه مقالات برای افغانستان.



گوشه از دعوت چاشت سکرتر جنرال یونسکو
برای اعضای هیأت



هیأت هژده نفری که در بالا ذکر شدند با
همکاران فرانسوی



خانم شفیقه حبیبی در پاریس به دعوت دایرکتر جنرال یونسکو

در سمپوزیمی که در قصر چهار چنار ارگ دایر شده بود یک پنل هم برای انجمن زنان ژورنالیست بود که خانم حبیبی به حیث گرداننده پنل بود و یکی از اعضای انجمن چالش های فرا راه زنان ژورنالیست در رسانه ها، خانواده و اجتماع را توضیح نمود و اعضای پنل هر کدام در موارد مختلف مربوط به زنان ژورنالیست افغان بحث کردند.



اعضای پنل ژورنالیستان در سمپوزیم ارگ

شفیقه حبیبی در اجماع ملی زنان افغان برای صلح: زنان افغان دیگر اکثریت خاموش نیستند و صدا دارند، صدای صلح، مصالحه و آشتی. اما چگونه این صدا را بلند کنند و به گوش جهانیان و ملت افغان برسانند؟ برای همین منظور در جلساتی که به ریاست بانوی اول افغانستان در در ارگ دایر می شد، اعضای شورای عالی صلح، وزیر اطلاعات و فرهنگ معین وزارت زنان، شبکه زنان افغان، اعضای جامعه مدنی و اعضای دفتر بانوی اول به حیث سکرتریت جلسات، ضمن بحث ها و تبادل نظریات به این تصمیم رسیدند که در ابتدا جلسه بزرگی از زنان در لیسه امانی دایر شود و نظریات آنان در مورد صلح سیاسی و صلح اجتماعی گرفته شود و قطع نامه ترتیب شود که از نظریات زنان هم استفاده شود و بعداً باید اعضای همین جلسات به شکل گروهی به ۳۳ ولایت افغانستان سفر کنند و در هر ولایت به کمک والیان ولایات مجالس بزرگی از زنان هر ولایت تنظیم شود و با ایراد قطع نامه نظریات زنان شامل مجلس گرفته شود. که چنین شد و در مجموع در حدود ۱۵۰۰۰ پانزده هزار زن در جلسات مختلف ۳۴ ولایت در مجالس اشتراک کردند. در ختم سفر ها، جرگه بزرگی به شمول ۳۵۰۰ زن از ۳۴ ولایت در تالار لویه جرگه دایر شد که رئیس جمهور و بانوی اول افغانستان در صف اول حضور داشتند و درین جرگه خانم شفیقه حبیبی سخنرانی دلچسپ تلویزیونی ارائه نمود.



تصویر از اجماع زنان برای صلح در تالار لویه جرگه



خانم حبیبی در تالار لویه جرگه



بیانیه تلویزیونی خانم حبیبی در مورد نهضت زن از دوره شاه امان الله تا به امروز، در روز اجماع ملی زنان در تالار لویه جرگه



بعد از بیانیه ویدیویی خانم حبیبی، دکتر اشرف غنی رئیس جمهور افغانستان به رسم تشکری از بیانیه دست خانم حبیبی را بوسید.



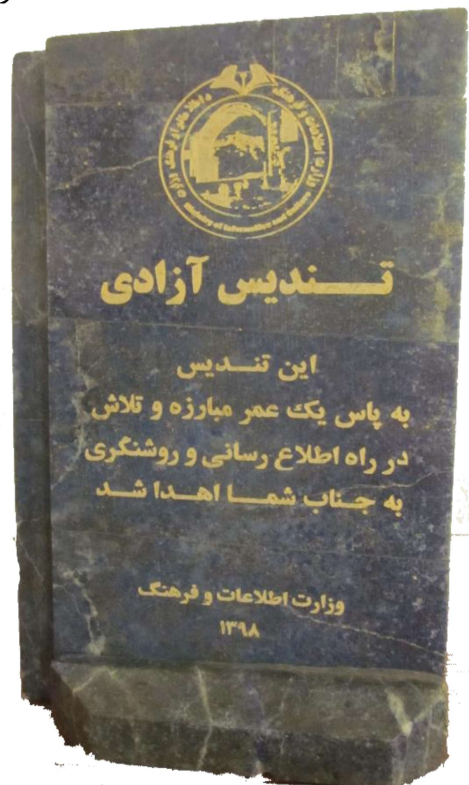
تندیس ها تقدیر نامه ها و تحسین نامه هاییکه خانم شفیقه حبیبی بحیث یک ژورنالیست عالی مقام یا بنام انجمن زنان ژورنالیست افغان و یا هم بنام موسسه زنان افغانستان نوین (نوا) طی سال های متمادی الی 2019 میلادی اخذ نموده است .



بانوی اول موقع اهدای تحسین نامه به خانم حبیبی در یکی
از جلسات تالار قصر چهار چنار



تندیس آزادی که به خانم شفیقه حبیبی در مناسبت سمینار
علمی و تجلیل از صد سال رسانه ها از طرف وزارت اطلاعات
و فرهنگ اهدا گردید





جایزه (تندیس) شبکه زنان افغان برای موسسه زنان افغانستان نوین نوا



تقدیر از شفیقه حبیبی در محفل تجلیل از آزادی مطبوعات در قصر سپیدار توسط
محترم رئیس اجراییه داکتر عبدالله



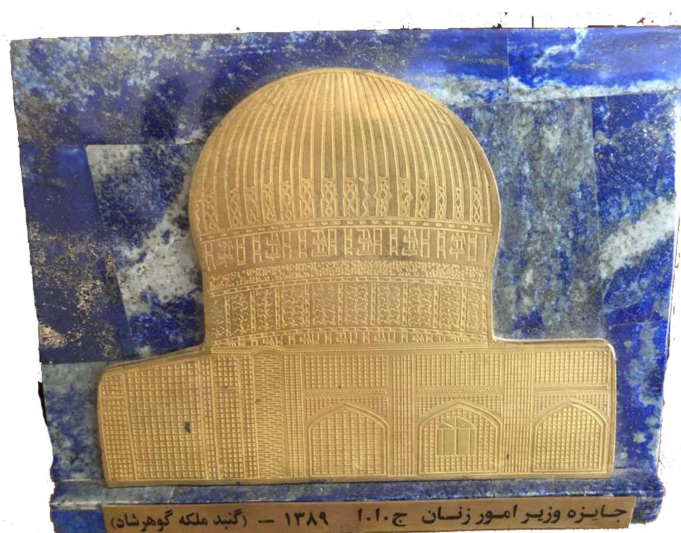
در محفل تجلیل از روز آزادی مطبوعات که از طرف فدراسیون ژورنالیستان در تالار رسانه های حکومت دایر شد، تندیس آزادی مطبوعات توسط داکتر عبدالله به خانم حبیبی تقدیم شد.



تندیس اکادمی علوم به شفیقه حبیبی به مناسبت روز زن

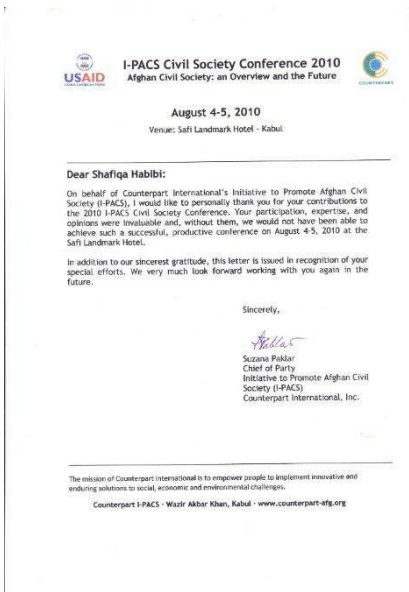


تندیس نی حمایت کننده رسانه های آزاد به پاس خدمات شایسته خانم حبیبی



جایزه وزیر امور زنان به شفيقه حبيبي منحیث زن نخبه
افغانستان





بخش سوم

بنیاد اجتماعی افغانستان در سال 1387 شمسی توسط حاجی احمد شاه شهاب که قبلاً نطق اخبار دری تلویزیون ملی بود، خانم حبیبی و تعداد دیگر تاسیس گردید. و سال دو یا سه بار مواد غذایی و لباس به کمپ های مهاجرین و بیجاشدگان داخلی، مواد غذایی به صفا کاران نواحی مختلف شاروالی کابل و پول نقد و معاش ماهوار توسط بانک به هنرمندان رادیو افغانستان و قربانیان جنگ ها و خانواده های شان کمک میشد. خانم حبیبی مسوول اجرای این بنیاد بود. و این کمک ها را به مستحقین می رساند. که از جمله بیش از هزار کمک این جا صرف ۷ نمونه را آوردیم.



معاش ماهوار در بانک برای استاد هماهنگ - آوازخوان



حاجی احمد شاه شهاب



یکی از قربانیان جنگ که معاش ماهوار دریافت می نمود



معاش ماهوار در بانک برای استاد امانی-آوازخوان



توزیع کمک های غذایی و لباس به کمپ های مهاجرین قوای مرکز و چهار راهی قمبر



توزیع کمک غذایی و پول نقد و کارت معاش ماهوار به خانواده تنظیف شاروالی که در یک حمله انتحاری شهید شده بود.



توزیع کمک غذایی به کارمندان تنظیف شاروالی کابل در نواحی مختلف.



در عکس بالا شخص اول از سمت راست در پنل خانم شفیقه حبیبی است که به حیث عضو هیأت اجراییه شورای عالی صلح کار می نمود. و در عکس های پایین خانم ماری اکرمی، خانم حسینه صافی، خانم شفیقه حبیبی و خانم ملالی شنوار اعضای زن شورای عالی صلح سفری به اندونیزیا داشتند و با رئیس جمهور آن کشور در مورد همکاری های اندونیزیا به پروسه صلح افغانستان ملاقات و تبادل نظر کردند.



از طرف چپ، خانم ماری اکرمی، خانم حسینه صافی و خانم شفیقه حبیبی و در عکس پهلوی خانم ملالی شنوار

نوشته اقای ملک ستیز، پژوهشگر ارشد علوم سیاسی، حقوق بین الملل و روابط جهانی



سال ۲۰۰۴ بود. من و دکتر دیاگو بنگ ماموریت گرفتیم تا برنامه آموزشی «مدیریت حقوق بشر» را برای کارمندان کمیسیون تازه ایجاد شده حقوق بشر راه اندازی کنیم. در این برنامه شخصیت های کلیدی کمیسیون حقوق بشر که امروز سمت های مهم و کلانی در کشور دارند شرکت داشتند. برنامه برای سه روز دایر شده بود. در جمع شرکت کننده گان این گارگاه آموزشی بانوی سخنور و نطق معروف رسانه های افغانستان شفیقه حبیبی قرار داشت. او با دقت تمام برنامه ها را دنبال می کرد. صدای بانو شفیقه حبیبی برای من یک خاطره بود. خاطره که مرا به رویاهای کودکی ام می کشاند. وقتی کودک بودم و پدر زنده یادم خبرهای رادیو افغانستان را می شنید، صدای اطلسی این بانوی با ظرفیت در گوشم طنین انداز بود.

صدای بانو لطیفه کبیر سراج، بانو شفیقه حبیبی و بانو فریده انوری در میان زنان و شادروان مهدی ظفر، اکرم عثمان، ظاهر هویدا و زنده یاد جناب عبدالله شادان برایم خیلی دل‌انگیز بودند. من به نطاقی و سخن‌گفتن عشق فراوانی داشتم. بانو شفیقه حبیبی کلمات را نظر به مفهوم و پیام خبر با ظرافت‌های عجیبی ادا می‌کرد. او با صدایش خبر را اهمیت می‌داد. وقتی می‌دیدم که این بانوی

فرزانه در کارگاهی نشسته و با دقت تمام به من گوش فرا می‌دهد، دنیای عجیبی به من دست می‌داد. من در واقع آیین و آهنگ سخن رانی را از او به گونه غیر مستقیم از ورای رادیو آموخته بودم. وقتی برنامه تمام شد بانو حبیبی با لطف بی‌کرانی به من نزدیک شد و گفت: «یکی شیوه تدریس است و دیگری مفاهیم تدریس. شما در هردو فوق‌العاده هستید». این ارزیابی از بانویی که ژانر سخن‌وری را به خوبی می‌دانست و بهترین گوینده خبر در کشور بود بر من خیلی اثر گذاشت.

از استاد دکتر محمود حبیبی پرسیدم، با ملایمت پاسخ داد خوب است اما اندکی ناتوان و نحیف شده است. استاد حبیبی سیاست‌مدار، پژوهش‌گر، روشن فکر و نویسنده برجسته کشور، هم سر این بانوی تابو شکن بود. شفیقه حبیبی در برابر هرگونه تعصب «نه» گفت و در رسانه‌ها به مثابه یک زن روشن‌گر ظاهر شد. او با شهادت تمام نمایان کرد که زنان بهتر از مردان می‌توانند سخن گویند. در سفر بعدی به کابل در سال ۲۰۰۶ به دعوت استاد حبیبی به منزل شان واقع مکروریان سوم رفتم، زنده‌گی مرتب و با سلیقه این زوج روشن‌گر خیلی خوش‌آیند بود. هر دو خوش بخت و خرسند بودند. آن‌جا دریافتم که یکی از دختران خانواده حبیبی هم دوره همسرمان ناجیه عزیز بوده است. پوهاند حبیبی قصه‌های زنده‌افغانستان امروز بود. وی در سمت‌های مدیر تحریر، مدیر مسوول رسانه، والی، دیپلمات، رئیس امور مطبوعاتی، وزیر و رئیس سنای پارلمان افغانستان ایفای وظیفه کرده است. او چندین مقاله پژوهشی و آثار تاریخی و فرهنگی ارایه کرده است. وی را شخصیت متین، با وقار و با فهمی یافتیم. جالب‌تر از همه که وی انسان با فرهنگ متعالی بود. چه زیبا و دقیق سخن می‌گفت. وقتی از ملاقات‌اش با شاه سخن می‌گفت، وقتی از نخستین رئیس جمهور داوود خان حرف می‌زد وقتی از کارهای فرهنگی و سیاسی‌اش دهن باز می‌کرد، و وقتی از ریاست یکی از شاخه‌های اساسی پارلمان کشور گپ می‌زد، وقتی از دیدگاه‌هایش در دوران جنگ سرد سخن می‌راند، وقتی از مذاکرات سیاسی لب می‌گشود، دقت و ملاحظات علمی را در گفتارش به نمایش می‌گذاشت. هردو تصاویر تاریخی را برایم نشان دادند. تصاویری هنگام ملاقات‌های بسا مهم سیاسی. وقتی می‌دیدم که شفیقه‌جان حبیبی با لباس رسمی و زیبایی در کنار هم‌سر دیپلماتش ایستاده و از مهمانان مهم و کلان کشور پذیرایی می‌کند، احساس «باهم‌بودن» در ذهنم زنده می‌شد. بانوی خوش لباس، جوان، ظریف و فوق‌العاده زیبا در کنار یک سیاست‌مدار مدبر با سیمای جدی و روشن‌گرانه! وقتی این

تصاویر را با امروز افغانستان مقایسه می‌کنم، فکر می‌کنم این تصاویر رویاها هستند و واقعیت ندارند. چیزی که هیچ‌گاهی در مورد این زوج ارزش‌مند فراموش نمی‌شود، عشق بود. آن‌ها هم‌دیگر را بسیار دوست داشتند. من در نگاه‌های شان عشق را می‌خواندم. وقتی می‌دیدم زنی به بزرگی بانو شفیقه حبیبی، چه سان از همسرش مواظبت می‌کند، نگاهم به عشق پخته‌تر می‌شد.

دکتر حبیبی از گفتن و اظهار عشق به همسرش بانو شفیقه حبیبی امتناع نمی‌کرد. او برایم گفت که چگونه دشوارترین روزهای زنده‌گی را در دوران طالبان با همین هم‌سر زیبا و با شخصیت‌اش سپری کرده است. استاد حبیبی برایم گفت که بانو شفیقه حبیبی دشوارترین روزهای زنده‌گی‌اش را با او دست‌یار و هم‌کار بوده است. او با بانویی زنده‌گی کرده بود که به‌شدت دوست‌اش داشت. وقتی دکتر حبیبی این حرف‌ها را برایم می‌گفت، در سیمای بانو شفیقه حبیبی لبخندی می‌شگفت. انگار از یک‌سو نمی‌خواست این حرف‌ها گفته شوند و اما از سوی دیگر مباهات در چشمان مقبولش می‌شگفت. دکتر حبیبی آن روز آن‌قدر به من لطف کرد که امروز گفتنش خود شیفته‌گی پنداشته می‌شود. اما هیچ‌گاهی تشویق بی‌کرانش را از من پنهان نکرد.

به یاد دارم دکتر حبیبی به من دین سپرده بود تا هر باری کابل می‌آیم، یک‌باری همراهش بنشینم. شفیقه‌جان این پیشنهاد را خیلی استقبال می‌کرد. انگار آن روز خیلی خوش گذشته بود. اما سوگ‌مندانه این آخرین دیدار من با دکتر محمود حبیبی بود. از این‌که تا مرگش در سال 2011 نتوانستم دوباره ببینمش، سخت رنج می‌برم. گرفتاری‌های کاری و سفرهای گوناگون مرا از چنین نصیبی بی‌بهره ساخت. از سویی هم از رفتن به خانه دکتر حبیبی ناراحت می‌شدم. آن‌ها زحمت می‌کشیدند و مرا شرم‌نده می‌ساختند. در سال‌های 2015 میلادی بانو شفیقه حبیبی در کابل به دفتر کارم در کارته سه آمد تا گفت و شنود رسانه‌یی با من داشته باشد. در آن زمان بانو حبیبی در یکی از رسانه‌های مهم برنامه‌یی گفتمان محور را مدیریت می‌کرد.

مصاحبه را ژورنالیست جوان همدرد غفوری زیر هدایت بانو حبیبی گرداننده‌گی می‌کرد. اقرار می‌کنم، آن‌روز از این‌که نتوانسته بودم به وعده‌ام پابند باشم، خجالت کشیدم. به باورم بانو شفیقه حبیبی الگوی ارزش‌مندی برای زنان فعال افغانستان است. ما مردان در استقبال

و خجسته‌سازی این گونه زنانِ تاثیرگذار در کشور کم آورده‌ایم. باید روی شخصیت این گونه زنان برجسته و پرافتخار بیش‌تر بنویسیم، بگوییم و برنامه‌سازیم. زیرا آن‌ها سزاوار گفتن و نوشتن هستند. زیرا آن‌ها راه را برای نسل جوان باز کرده‌اند. زیرا آن‌ها افتخار ما هستند. عمر شفیقه جان حبیبی پرگهر باد!

این‌جا نگاره‌هایی را از این بانو ارزش‌مند می‌گذارم. کارگاه سال 2004 تصویری هنگام شرکت در کارگاه و تصویری که با زنده‌یاد دکتر محمود حبیبی هستند. این تصویر را بسیار می‌پسندم.

تصاویر از نوشته جناب ملک ستیز در صفحه فیسبوک شان:



تصاویر آن عده از دوستان و عزیزانیکه زیر همان پست آقای ستیز لطف نموده نظریات نیک خود را اضافه کردند:



Sayed Mirwais Fazilat

جناب ستیز صاحب سلام! من معمولاً متون به این درازی را در فیسبوک نمیخوانم، مگر اینکه کدام موضوع تحقیقی باشد، اما چون در باره خانم عزیز، بزرگوار و با وقار شفیقه حبیبی و مرحوم محمود حبیبی مرد بزرگوار و شخصیت پرافتخار کشور نوشته بودید با دقت و علاقمندی تام خواندم، من شخصاً هیچگاهی جنابان حبیبی را ملاقات نکرده ام اما همیشه از زبان پدر بزرگوار و مرحوم در باره محمود حبیبی شنیده ام، از پاک نفسی هایش، از بزرگواری هایش، از لیاقت و درایت اش و صد ها صفت خوب دیگرش، پدر مرحوم و بزرگوارم با جناب ایشان در زمان دوره ولایت کابل شان همکار بودند. اما در مورد شما! اگر میخواهید در آینده همچون حبیبی بزرگوار از شما به نیکی یاد شود، لطفاً از هیچ يك از احزاب و اشخاصیکه در ویرانی، چور، چپاول، مزدوری به بیگانگان، واگذار کردن خاک افغانستان به دشمنان این وطن، و ده ها جرم و جنایت دیگر مشغول اند تحت هیچ عنوان و نامی، نه زبان، نه دین، نه سمت و نه هم مذهب حمایت و پشتیبانی نکنید. ما شیعه های بزرگوار، سنی های بزرگوار، تاجک های بزرگوار، پشتون های بزرگوار، به همین ترتیب از بیک ها و هزاره ها و اقوام و ملیت های بزرگوار دیگر همچون محمود حبیبی در کشور داریم که نام های شان جاودانه خواهد ماند.



Enayat Sharif

بخود می بالم که نام شناخته شده و محبوب شفیقه جان حبیبی را در فیسبوک نیز به عنوان دوست در کنار نام خود می بینم. شناخت من از ایشان اما در چارچوب فیسبوک خلاصه نمیشود. شفیقه جان حبیبی در چند جمله فشرده بخوبی و به گونه جامع آنرا بیان کرده اند: من نخست شاگرد و بعد همکار شان بوده ام ولی آغاز دوره همکاری من با ایشان، به معنای پایان دوره شاگردی من نبوده است. در جریان همکار بودن نیز سالها کوشیده ام از ایشان بیاموزم. در ضمن، وظیفه من در مدیریت خبرهای رادیو افغانستان (و بعد تلویزیون) که گویندگان خبر به آن اداره رفت و آمد داشتند، فرصت دیگری بمن داده بود تا شناخت من از کرکتر عالی و وزین شفیقه جان حبیبی - و به همین دلیل احترام و صمیمیت من در برابر شان روز تا روز افزایش یابد و استوارتر گردد. حالا نیز با دیدن ادامه فعالیت های شان در افغانستان، این باورمندی و احترام باز هم استوارتر میشود.





Alema Draema

داکترجان عزیز و گرامی، من به عنوان یک زن این سرزمین آنچه در مورد استاد توانا، زن مبارز و الگوی ایستادگی و توانایی نوشته اید، از شما تشکر می نمایم. این زنان شجاع و مبارز را تاریخ نباید فراموش کند. به خود می بالم که از سال ۲۰۰۴ بدین سو با خانم حبیبی عزیز از هنگام ایجاد کمیته مشارکت سیاسی زنان، دوست استم. طبعاً مانند شما در سال های طلایی شیفته صدای رسای شان بوده ام. برای این الگوی خوبی ها و الگوی مبارزه برای برابری تندرستی و توانایی آرزو می نمایم. دستان شما داکتر گرانمایه را نیز می فشارم.

3y Like Reply



Najiba Aksir

از دوران مکتبم که این دو شخصیت برجسته در کدز بودند البته محترم حبیبی صاحب بحیث والی و محترمه شفیقه جان که بانوی خیلی ها خوش سلیقه و شیکترین وبا دانشترین زن در کنار همسر شان بودند دوست شان داشتم وقتی از مکتب ما بازدید میکردند از گوش و کنار صنف خویش مشتاقانه آرزوی دیدار شانرا با صنفی های مان داشتیم ای وای چه زود گذشت و همه خاطره شده عمر شفیقه جان حبیبی با صحتمندی کامل دراز باد



Fouzia Mitra

بانوی بزرگوار شفیقه جان حبیبی
تک ستاره گویندگی و استاد بزرگوار همکار
مهربان و دوست خیلی معزز که همیشه
رهنمود های ارزشمند شان ما را بسوی اشنای
بیشتر با هنر گویندگی یاری میرسانید
از همین جا برایشان سلام و عرض ادب دارم و
دستان مبارک شانرا میبوسم

واز جناب شما ستیز بزرگوار متشکرم
با درود ها فوزیه میترا



بانو محتشم

نخست از داکتر صاحب ستیز قدردانی
مینمایم باچنین متن بلندشان که
شایان شخصیت ملی استادگرانمایه
و ژورنالیست چند دهه اخیر مامحترم
شفیقه جان حبیبی است ارج گذاری
کردند بعد از دودم میفرستم بر روان پاک
استاد حبیبی وشهدای حادثات اخیر
وبرای خانم حبیبی عمر طویل
وصحت کامل خواهانم سپاس از
کوچک نوازی تان که ریکویست بنده
را به عنوان شاگردتان قبول
نمودید سر بلند بمانید الگوی خودم.

3y Like Reply



Nabilah Fatah Yaqub

درود ها نثار استاد معظم وگرامی ام خانم
شفیقه جان حبیبی تاب ترین نطق افغانستان
و بانوی پرافتخاری و فرهیخته فرهنگی 🙏🙏

من هم با افتخاریکی از شاگردان این استاد
گرامی پرافتخار خود هستم عمر عزیز شان با
سعادت و سلامتی ها دراز باد 🙏🙏🙏🙏🙏🙏



Rachida Sakhi

ای کاش همه خانم های افغان از محترمه
حبیبی بیاموزند
مهربانی، طرز صحبت ووووو را اینها مثل گل
های خشبو اند که عطر شان همه جا را خوشبو
میسازد
هر شخصیتی که از ایشان یاد آوری و درباره شان
صحبت میکند انسان لذت میبرد.

3y Like Reply



Abdullah Iqbal

چقدر این نوشته تان ارزشمند است جناب
ستیز گرامی
در این متن یک زندگی ارزشمند نهفته است که
میشود بار بار خواند و زندگی کرد باین متن.
درود بیکران به شما و بانوی سخنور شفیقه
حبیبی گرامی! عمر طولانی و با سعادت برای
تان آرزو مند.

3y Like Reply



**Zarqa Yaftali**

استاد گرامی ما واقعا مایه افتخار و سر بلندی همه ی ما استند و در مورد آواز شان به یقین که بدیل ندارد و همیشه مجذوب صدایشان استم

3y Like Reply

**Farida Babak**

خداوند عمر طولانی نصیب این بانوی لایق و فرهیخته کشور بنماید افتخار زنان افغان است. و تشکر از شما هم که متنی به این زیبایی در مورد این بانو به رشته تحریر درآورده اید

3y Like Reply

**Tabah Tabahi**

هنوز در مورد این بانوی بزرگوار کم و کم نوشتی. خداوند متعال همیشه در حفظ خود داشته باشد.

3y Like Reply

**Mahmud Zai**

واقعا تمام این توصیف ها برای شان هنوز کم است

3y Like Reply

**Laila Hashemeyan**

ژورنالست وفا دار که تا هنوز در میهن بسر میبرد و زخم های جامعه را دوا میکند. افتخار ملت بانو شفیقه حبیبی به سلامت باد 🙏🌸

3y Like Reply

**Nahid Ahmadzad**

محترمه خانم حبیبی با صدای با عظمت شان تک ستاره ای دنیای گویندگی افغانستان بودند. افتخار افغانستان و افغان ها هستن.

**Yaser Mahmoody**

در وضعیت کنونی شخصیت های همچون بانو شفیقه حبیبی گهران نایابی هستند که میتوانند نقش زنان را در حکومت فعلی پررنگ تر سازند به امید بهروزی هر چه بیشتر بانو شفیقه حبیبی!

3y Like Reply

**Abdul Ahad Barinmehr**

یاد این صداها و سیمایماندگار باد

3y Like Reply

**Maria Raheen**

خانم حبیبی یکی از جستارهای تابنده و نهضت زنان است. همت والا و توان پایان ناپذیر این بانوی جسور و نستوه برای من حیرت اور است.

3y Like Reply

**Zabiullah Aryan**

استاد فرهیخته و گرامی شفیقه حبیبی از پیکره و ستون ادبیات کشور ماست..استاد و معلم دانا و تواناست در صحبتهایش دانش و ادب نهفته است. نشستن و هم صحبت بودن با استاد گرامی در حقیقت آموختن ادبیات و فرهنگ والای کشور ماست

3y Like Reply

**SH Anwary**

متن واقعاً عالی درخور شخصیت بانوی والاگهر شفیقه جان حبیبی و شاد روان دکتر محمود حبیبی شخصیت علمی و فرهنگی کشور مان که روحشان شاد باد و برای بانوی ارجمند صحت و سلامتی توام با موفقیت های مزید استدعا دارم

3y Like Reply

**Fahim Fahim**

سپاس از شما محترم ستیز از دیدن محترم محمود حبیبی و محترمه شفیقه جان حبیبی خیلی خرسندم باشنیدن نام این فداکار خانم آواز رسا شان بگوشم رسید، شکر که جور و صحت هستند و برای شما هم صحت و سعادت آرزو دارم !!!

3y Like Reply

**Najia Haneefi**

شفیقه جان بخشی از تاریخ مبارزه زنان افغانستان است، خوشحالم که شما در زندگی شان از ایشان قدر دانی کردید. من به آشنایی و دوستی ایشان افتخار دارم.

3y Like Reply

**Nadera Azim Safi**

گوینده موفق ورزیده و سرشناس بانوی گرانقدر حبیبی عزیز که واقعین افتخار بانوان افغانستان هستند موفقیت های مزید وشایان توام با طول عمر دراز صحت وسلامتی برای شان آرزومندام

**Jamila Shirzai**

بیان زیبای است از محترم ستیز. شفیقه جان عزیز شما يك الگو در تمام عرصه های زندگی هستید. برایتان طول عمر صحت سلامتی همراه با موفقیت های زیاد آرزو میکنم همیشه شاداب و سبز باشید.

3y Like Reply

**Zarghona Rassa**

بدون شك که همینگونه است. یکی از شیفتگان آواز شان از همان نوجوانی وبکی از اسباب کشانیدن من به رادیو تلویزیون آنوقت.

3y Like Reply

**Suraya Pakzad**

افتخار همه افغانستان استند خانم حبیبی عزیز

3y Like Reply



اطلاعات روز

استاد بزرگوام خداوند طول عمر، صحت و سلامت نصیب شما بگرداند مایه افتخار تمام بانوان هستید 🙏

3y Like Reply

من سلطان مسعود حبیبی، تنظیم کننده جلد دوم کتاب، از شما تشکر می نمایم که تا اخیر کتاب دست داشته با من بودید. حالا که ناگزیر با شما خدا حافظی می نمایم، جا دارد تا از خواهرم درخانی فهیم حبیبی تشکری نمایم که در قسمت جمع آوری اسناد از افغانستان مرا کمک نمود. و همچنان تشکر از عصمت طارق فهیم، خواهر زاده ام، که کتاب دست داشته را ویراستاری نمود و نشر آنرا ممکن ساخت.



سلطان مسعود حبیبی



درخانی فهیم حبیبی

پایان



مرحوم سر محقق کاندید اکادمیسین دکتور محمود حبیبی در ۱۳۰۳ شمسی در یک خانواده منور از قندهار دیده به جهان گشود؛ بعد از اتمام لیسه عالی استقلال شامل پوهنتون کابل گردیده و از آنجا غرض تحصیلات عالی به کشور فرانسه اعزام گردید، بعد از ختم تحصیلات در زبان و ادبیات فرانسوی، و تحصیلات در ژورنالیزم مسلکی و سیاسی، علوم اجتماعی و روابط بین المللی را در فرانسه تکمیل و با اخذ دکتورا در جامعه شناسی از پوهنتون سوربون پاریس فارغ شد و در سال ۱۳۳۹ شمسی به وطن بازگشت. از همان سال الی ثور ۱۳۷۱ شمسی در سمت های مختلف: چون وزیر اطلاعات و کلتور، والی کابل (دوبار)، والی کاپیسا، والی کندز و سرانجام ریاست مجلس مشرانو جرگه (مجلس سنا)، صادقانه به وطن و مردم خویش مصدر خدمات شایسته گردیده است. حبیبی یک شخصیت ملی و دور از تعصب بود. با هر قوم و ملیتی همان دلبستگی و محبت را داشت که با دیگران داشت. حبیبی مردم را بدون تعصب از هر گروه و قماش و قوم و اندیشه منیث انسان می شناخت. خانه او جایگاه مردم هزاره، ازبیک، پشتون، تاجیک و بود